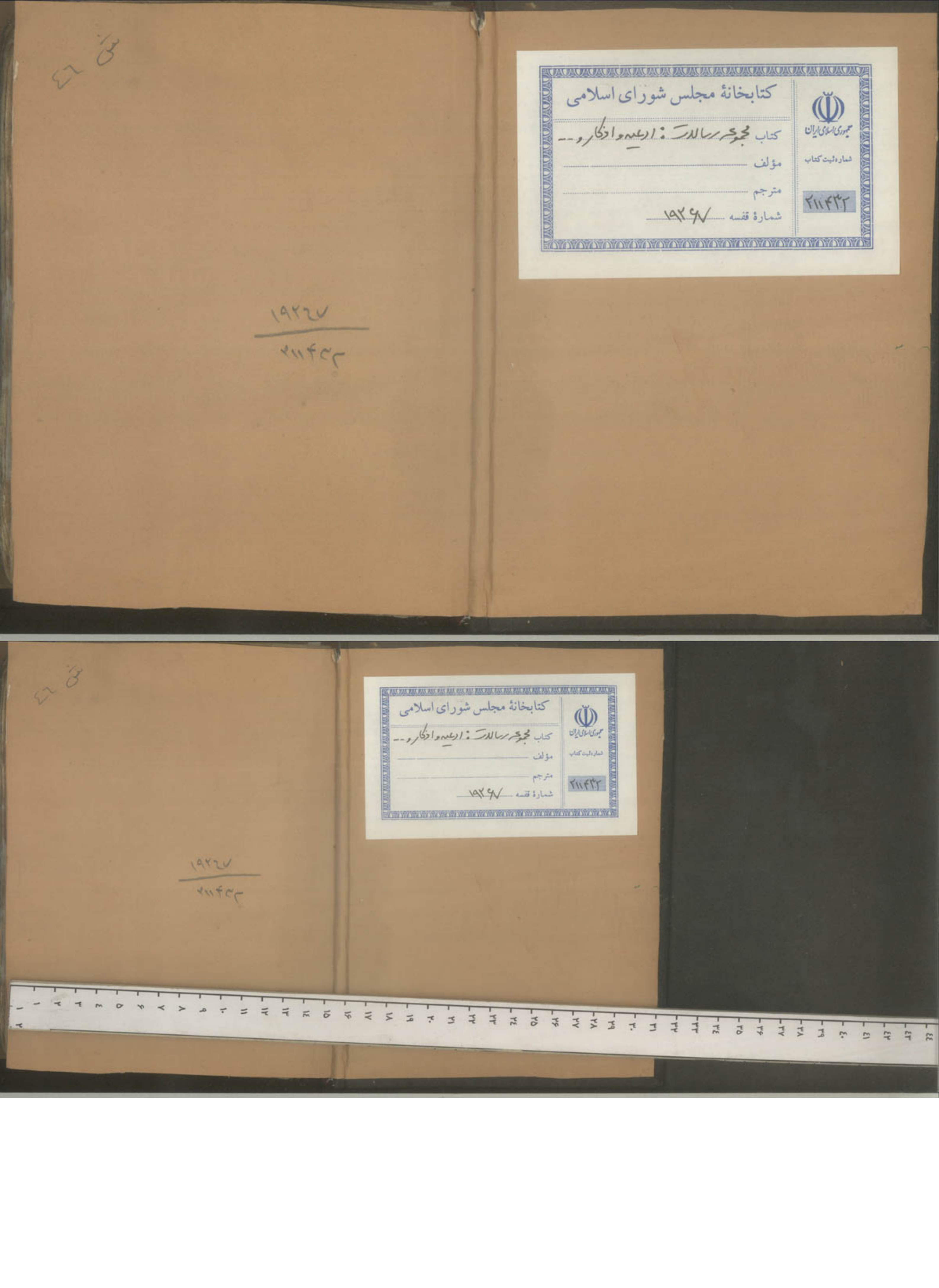
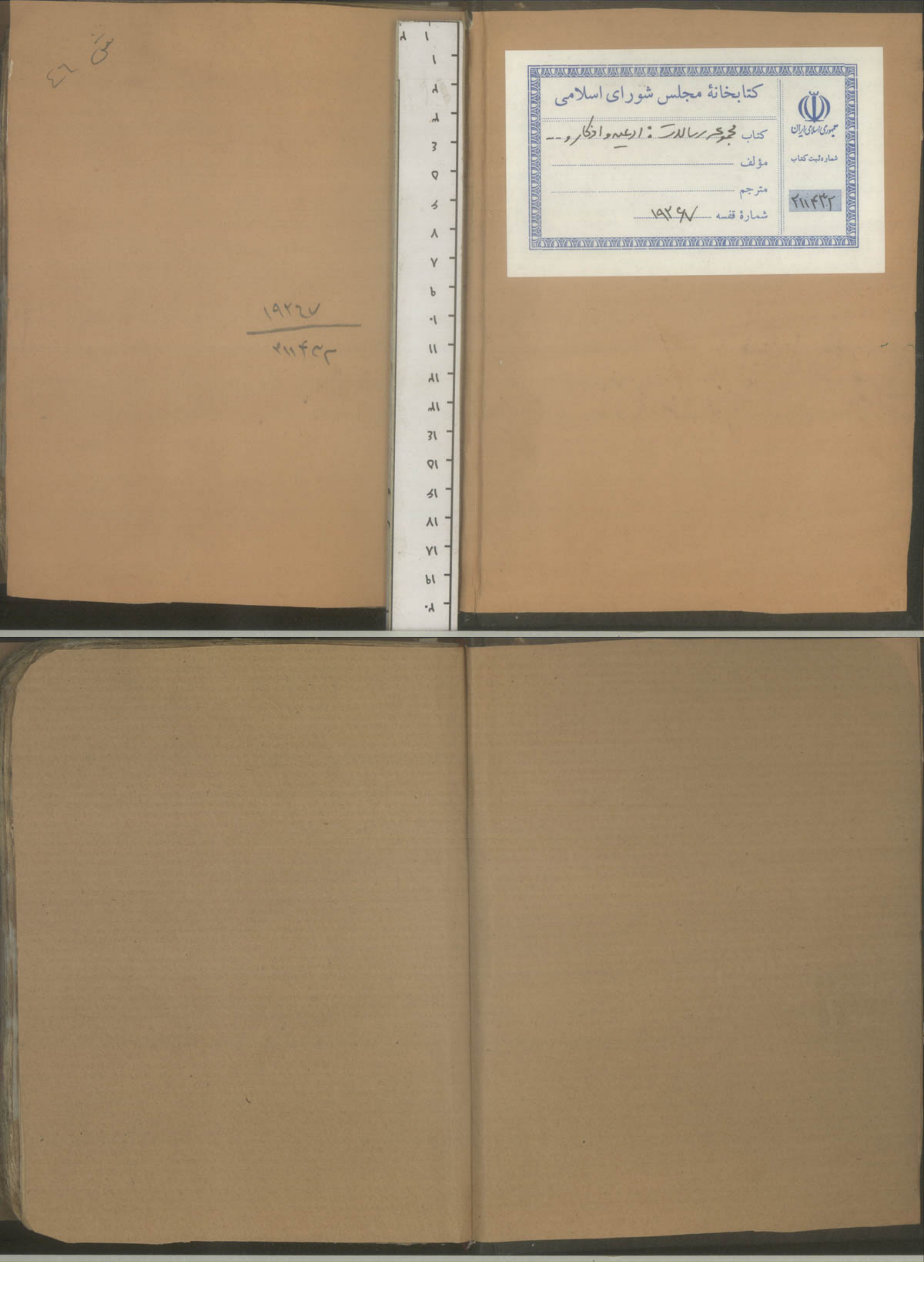

کتابخانه خصوصی
حسین متقی
تاسیس ۱۳۵۰



كتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب مجموعه رسالات: ادعیه و اذکار و...
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۹۲۶۷
شماره ثبت کتاب
۲۱۱۴۳۲



۱۹۲۶۷
۲۱۱۴۳۲
جمهوری اسلامی ایران
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
کتاب مجموعه رسالات: ادعیه و اذکار و...
مؤلف
مترجم
شمارهٔ قفسه ۱۹۲۶۷
شماره ثبت کتاب
۲۱۱۴۳۲


ابر کوسن

بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله وعلی الله وتقی وجل الله حسبنا الله لا اله
الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم   بو یازیلسه در اگر
دریان کسفلی دفن کنه و آب اندازنده آب دا برسر کوسفند افشانند طللللللم
لا ل حه هل ملسیم ۱۱ لم ۱ ا۱ الر ۱۱۱ ود ل ۱۱۱۱ ۵ ۱۱ ورما لسم ۵ ۱۱ ۱۵۱ ۱۱ ۱ص
فی ای ف ب   اجلت استر لیجون بازه سویجکه و سوی ابجاد سود
دیود عافی کوتره بازسه بسم الله الرحمن الرحیم وان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم
مما فی بطونه من بین فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشاربون و رزقها
ویعلم مستقرها ومستودعها کل فی کتاب مبین   آدم قوتر لیجون علاید
الیله براق وقره ارکه دوتی وکشنین دواغ سوغان دقونا بجیه وارکسه قوتی قوتروب بجون

یورک اتر لیجون بازه سوین ابجیه وم کتوره بجر بدور بسم الله الرحمن الرحیم
ربنا لا تقطع تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب
اشاغ قوبراغ بیرادلسه بو دعای بازه بیلر کو توره داخی یمز بادن الله
بسم الله الرحمن الرحیم ان الله یحب الذین امنوا کانوا یکن بحون
باغواجق اتجون بونی بازه ساغ الینک ایاسته درحال اجلو الله
اگر کسی در بوستان و یا در کشت زراعت اقدا ایند عالم جهار رسالی آب نوید باشد
بو جهار گوشه زمین دفن کند مجربت   بسم الله الرحمن الرحیم
لاغلبن انا ورسلی ان الله لقوی عزیز لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بحق
ام آیه العظیم داد احفظهما من صح ادو ه ۱۱۱ لالا ۱۱۱۱۹ ۱۱۱۱

۷۰
آهفته تمام شود باین الهی سبز کردنخته شود دم کرم ۱۱ طرا ۱۱ ۸ ۸ ۸
اسم یا الله یا الله یا الله المدا سمیع ع   اوکسرلک
بازه سوین ابجیه بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات
والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون   اگر زن حامله نباشد این دعا
نویسد و زن بر ران جب بندد باشو هر مقاربت ایند اما شب ابستی شود هو
ا سرع ۹ و و ۱ و ۱۱ ۱۱ ۱ ۱۱۱ ۱۱۱ ۹ ۱ ۱ ۱ ۱ ۵ هو عسر ۱۱۱ ع سراد دم ۱۱۱ الا
۸ ۱۱۱ ۸ ۱۱۱ و ۱۱ ۱۱ حوده اعوذ بکلمات الله التامات کلها من شر ما خلق
خیر الاسماء بسم الله رب الارض والسماء بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض
ولا فی السماء وهو السمیع العلیم   جار نیری داشته باشد بیابد کتابت
بنویسد بر گردن کودک بند د بسم الله الرحمن الرحیم فاذکروا الله قیاما وقعودا
وعلی جنوبهم ... المؤمنون ا س ل حط و حط و و ۱۱۱ ط ۱۱ ۸ ۹ ۱۱۱ ۸ ۱۱
... ه ۱ وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین و
لا یزید الظالمین الا خسارا برحمتک یا ارحم الراحمین   اگر اسب
... ادبخانه فرجه واسب را سه نوبت برکرد انند انکه کنا شد بعد شو

عطاش لعين الحياة عيسى وبحق محمد المصطفى صلى الله عليه وآله

هركه را سحر بكنند خواه آدم وخواه اسب اين تعويذ را نوشته در آب اندازند و

آب را بخورد شفا يابد بسم الله الرحمن الرحيم ما شاء الله كان وما لم يشأ لم يكن ولا

حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم   ماده گاو و گاو و ساله بخورد نكيرد

شند ايند عا نوشته بر شاخ بندند بگذارد بسم الله الرحمن الرحيم شهد الله

انه لا اله الا هو والملائكة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم

برحمتك يا ارحم الراحمين   دعا بچك بنويسد در آب اندازد پس

از مستان نشناسد بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اخافك واخاف من

يخافك اعذني من شر من لا يخافك يا جواد يا جواد يا جواد يا كريم يا كريم

برحمتك يا ارحم الراحمين   ذف كه شير ش ببا شد و يا گاوى كه

ساله بخورد نگيرد تعويذ نوشته در گردن وى بندند بسم الله الرحمن الرحيم

استسقى لقومه فقلنا اضرب بعصاك الحجر

ان في الارض سعد بين وان من الحجارة لما يتفجر منه الانهار وقيل يا ارض

ابلعي ماءك ويا سماء اقلعي وغيض الماء وقضي الامر واستوت على الجودي

نقلت از حضرت

العظيم ... الذين اوتوا الكتاب الا من بعد ما جاءهم العلم

... بايات الله فان الله سريع الحساب

هركه ايند عا را در گورستان يكبار بخواند سى ساله عذاب از آن گورستان بر

دارد بخواند عذاب چهل ساله بر دارند و اگر سه بار بخواند شصت ساله عذاب بردار

اگر بخوانند تا به قيامت بردارند و اگر پنج بار بخوانند جمال حضرت پيغمبر صلى الله عليه در خواب ببيند

و اگر بر تربت پدر و مادر بخواند در ذمت او فرزند حقوق نماند حق مادر و پدر از وى ساقط شود

ديگر آنحضرت فرموده است كه هركه ايند عا را پيش از برآمدن آفتاب بخواند چنان با

كرده باشد و هركه در اين كلام شك آورد كافر گردد نعوذ بالله من غضب الله

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي في السماء عرشه الحمد لله الذي في القبور قضاؤه الحمد لله

الذي في الارض قدرته الحمد لله الذي في الجنة رحمته الحمد لله الذي في البر والبحر

سبيله الحمد لله الذي في جهنم سلطانه الحمد لله الذي لا مفر ولا منجا الا

اليه ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم وصلى الله على محمد وآله اجمعين

يا ارحم الراحمين   اگر خواهى كه عجايب اين نسخه را ببين

نيت بسيار دارد ديگر آنست كه هر كسى دشوار نمايد اين نسخه را بنويسد

... سهل نمايد بر وى آسان شود اگر كسى از پادشاه و از ...

آوردن از شر پادشاه و غيره بوزند اين باشد و اگر كسى بر كسى عاشق شود بنويسد

بر رسن بندد با كلاه سر كارش دزد بر آيد

بدهد

هركه اين طلسم با آينه بنويسد در زير ...

٢١	يزحو	سح	٣٤	٣٤٣
٣٤	٤٤	٤٥	ود	
٥٠٤	طط	هد	بد	
١٥	سد	دي	عهد	

اعتقاد دار قل هو الله احد را بخوانند در خواب خير ... بدهد ... خوابيده ... لم

الع ... ماوها ... الع ...

... قلق او قلق ... نود كافى ...

... بسم الله الرحمن الرحيم لا اله الا الله محمد رسول الله ...

... لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد ... العزيز الحكيم ولا حول

ولا قوة الا بالله العلي العظيم   كو زاغر ... بچه ... بنويسد ... بود

... بسم الله الرحمن الرحيم الله نور السموات والارض مثل نوره كمشكوة فيها

مصباح المصباح في زجاجة الزجاجة كانها كوكب دري يوقد من شجرة مباركة زيتونة

لا شرقية ولا غربية يكاد زيتها يضيء ولو لم تمسسه نار

يهدي الله لنوره من يشاء ويضرب الله الامثال للناس والله بكل شيء عليم

لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم   از براى د

دارد بسم الله الرحمن الرحيم ومن يتوكل على الله فهو حسبه ان الله

بالغ امره قد جعل الله لكل شيء قدرا فكشفنا عنك غطاءك فبصرك اليوم حديد

دفع ... ويش بنويسد در روز چهارشنبه و در آب اندازد و مردى بايد ...

باشد سطرى شود با برخط بسم الله الرحمن الرحيم اللهم اني اعوذ

... دابة انت اخذ بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم اخرج ...

ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم   دعاء طبيلد

بسم الله الرحمن الرحيم

يا من لا مفر الا اليه يا من لا مفزع الا اليه يا من لا مقصد الا اليه

يا من لا ملجا ولا منجا الا اليه من لا يرغب الا اليه يا من لا حول ولا قوة

الا به يا من لا يستعان الا به يا من لا يتوكل الا عليه يا من لا يعبد

دعاء روى بنويسند و بر روى بندند بسم الله الرحمن الرحيم

يوم تبيض وجوه وتسود وجوه فاما الذين اسودت وجوههم اكفرتم بعد

ايمانكم فذوقوا العذاب بما كنتم تكفرون واما الذين ابيضت وجوههم ففي رحمة الله

اگر کودکی یا زنی جن گرفته باشند و هفت چهارشنبه این
... بنویسند دعا را بر سه رنگ ابریشم هفت بار بخوانند و هر بار یک گره
... بر او در قبر کهنه دفن کنند. بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله الشافی بسم الله
... بسم الله الکافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء فی الارض ولا فی السماء
... العلیم وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید
... الا خسارا — باید که روز چهارشنبه وقت غروب آفتاب
... سوره النور و یکمرتبه سوره قل هو الله احد و یکمرتبه آیة الکرسی و یکمرتبه این آیه را
ما قطعتم من لینة او ترکتموها قائمة علی اصولها فباذن الله ولیخزی الفا
سقین ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم برحمتک یا ارحم الراحمین بحکم
سلیمان بن داود علیه السلام هر سوره را که میخوانی از بالای پیشانی اسب تا آخر دم
اسب دست باید کشید رو بقبله ایستاده سورها را تمام نماید بعد از آن این شکل
و نشته آیه ما قطعتم را بنویسد در میان کاکل اسب ببندد روز جمعه
آفتاب دعا را از کاکل اسب گشاده با آب روان بیندازد و بگوید که بحکم سلیمان بن داود
علیه السلام سر اسب این اسب بریدم ان شاء الله به شود

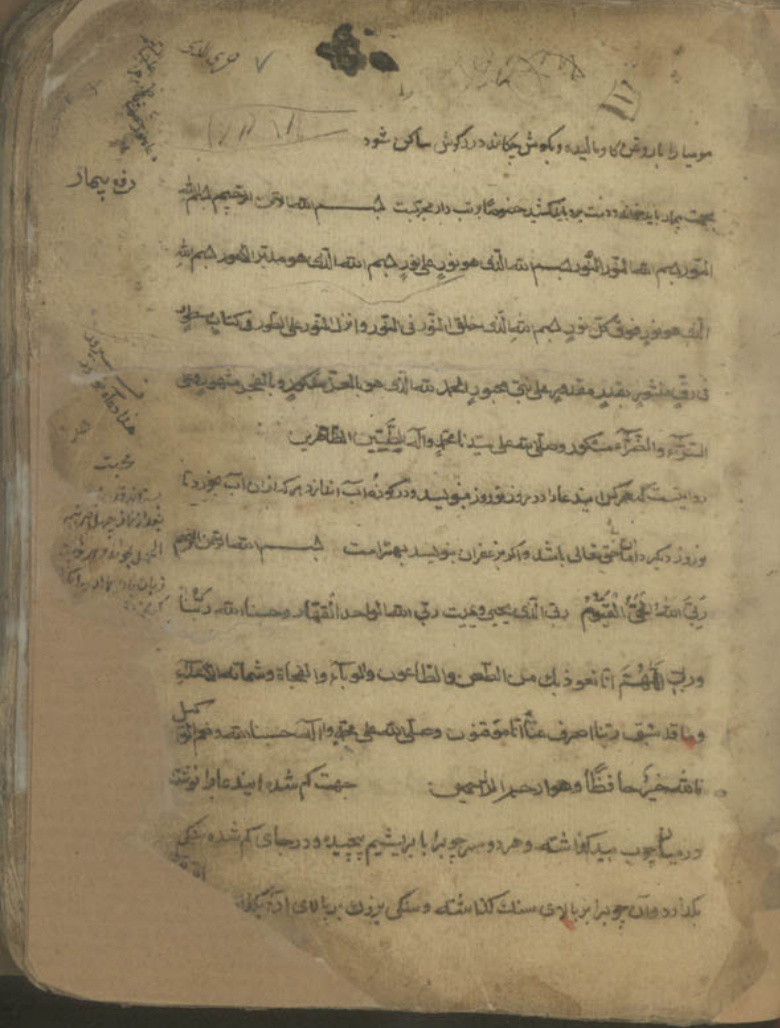
در باغ بوستان کرم بوده باشد این
در تخته نوشته بیاویزند ه ا ا ه ا ه ا ه ا ه
ا ه ا ه ا ه ه ه ه ه ه ه ه ه علی علی علی علی علی علی علی لیس لیس لیس لیس لیس
لیس لیس اهیا شراهیا قدوس قدوس قدوس قدوس ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه
یا الله یا محمد یا علی — در بیان بانگ خروس اگر خروس
کند اگر شب شنبه بانگ کند خداوند خانه را صدقه باید دادن اگر شب یکشنبه
بانگ کند خداوند خانه را فرزند زیاده شود اگر شب دوشنبه بانگ کند خداوند
اجل نزدیک شود اگر شب سه شنبه بانگ کند خداوند خانه را بشارتی رسد
اگر شب چهارشنبه بانگ کند خداوندخانه و اهل بیت صاحب متفرق افتد اگر
پنجشنبه بانگ کند خداوند خانه را مال و اسباب زیاده میشود اگر شب جمعه بانگ
خداوند خانه را توانگری پدید آید — دفع مورچه سوراخ مور را سرگین گاو مسد
سازند موران بمیرند یا بگریزند — دفع موش در پوست شتر و چوب دفع
و در سوراخ موش داخل سازند موشها بیرون آیند باذن الله. فلما اعرضوا ارسلنا
علیهم سیل العرم وبدلناهم بجنتیهم جنتین ذواتی اکل خمط

دفع موش

[illegible] ... ویدل لهم بناخیرا اللهم خیرا منا و اجعل ذلک علینا مجلوا
مخلوط سازند و در سوراخ موش بریزند موشها بمیرند و نیز گفته اند که اگر موش زنده را بگیرد
و بر موشی که در آن خانه باشند خود را در آتش اندازند — و من هر منقولست که اگر
خاکستر چوب بلوط را در سوراخ موش فکنند بعضی بعضی را بخورند
ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین که رسول صلی الله علیه و آله فرموده که هر که
خاک تربت فرزندم حسین علیه السلام بجهت هر دردی و هر مرضی و هر حاجتی بخورد باید که بیت
کمتر بخورد و در وقت گرفتن بدهی بگوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله اللهم رب
هذه التربة المبارکة الطاهرة ورب النور الذی انزل فیه ورب الذی
سکن فیه ورب الملائکة الموکلین واجعله لی شفاء ونورا من کل داء پس بهر بیت
الله بخورد نام آن مرض را ببرد و از عقب آن جرعه آب بخورد و بگوید اللهم اجعله
رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء وسقم بحق محمد وآله الطیبین
الطاهرین و از حضرت رسول صلی الله فرموده که اگر کسی بجز از دو ده یا سه حلق خاک
تربت فرزندم حسین را بخورد همچنان باشد که خون ما خورده باشد
و هر که در روز چهارشنبه آخر صفر سوره الم نشرح لک و سوره والتین و سوره اذا جاء

و سوره قل هو الله احد را هر یکی را هفتاد بار بخواند باری تعالی جل قدره او را محفوظ دارد
تا سفر دیگر با مر الله تعالی و این دعا آزموده شده است
هر روز بعد از نماز صبح دوازده بار صلوات بر محمد و آل محمد فرستد و حاجات خود را
از حق تعالی طلب کند از روی تضرع و خشوع بعد از آن یکبار فاتحة الکتاب را بخواند باز حاجات خود را
طلب کند بعد از آن بیناه ابر متوجه قبله شود و پنجاه نوبت بگوید یا هو یا هادی یا وهاب
بار حاجت خود از حق تعالی بخواهد حضرت حق تعالی بلا شک و شبهه مطلب او را بر آورد اگر چه بعد
بوده باشد — مرویست از حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام که کسی را قضای حاجتی
باشد باید که با وضو سر برهنه کند و دست بر سر نهد سه نوبت بگوید اعوذ بالله من
الشیطان الرجیم افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات والارض طوعا وکرها
والیه ترجعون المبتدئ فرج یابد با مر الله تعالی
شرح خاصیت سوره انعام و عمل کردن برای آن که ز مجربات و انعام از جهت قضای دین و دین
و کیفیت این عمل آنست که بعد از ظهر روز یکشنبه طهارت بجا آورد و جامه پاکیزه در پوشد
و دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعتی الحمد یکبار و قل هو الله سه بار و بعد از سلام مهم
و حاجتی که دارد بر کاغذ بنویسد و پیش خود نهد و چهل یک نوبت بخواند

ان الله بصیر بالعباد و بعد از آن سوره فاتحة الکتاب بخواند و سه بار سوره اخلاص بخواند
سوره کریمه انعام شروع کند و چون انعام را تمام کند این دعا بخواند اللهم یا شدید العقاب
ویا سریع الحساب ویا غفور یا رحیم ویا خالق کل شیء ویا رازق کل مرزوق ویا فاطر
السموات والارض ویا فالق الاصباح ویا خالق الاشیاء ویا مسبب الاسباب ویا مفتح
الابواب ویا قاضی الحاجات ویا مجیب الدعوات ویا ولی الحسنات ویا دافع البلیات ویا
مقیل العثرات ویا محیی الاموات ویا نور الارضین والسموات ویا غافر الخطیئات
ویا ساتر العورات ویا مانع البلیات اقض حاجتی فی هذه الساعة یا بدیع السموات
والارض یا ذا الجلال والاکرام یا ارحم الراحمین یا ذا القوة المتین یا غیاث المستغیثین
یا مفرج المکروبین ویا دلیل المتحیرین ویا مجیب دعوة المضطرین برحمتک یا ارحم الراحمین
هر کس هر روز جمعه این اسم دویست مرتبه بخواند در دنیا و در آخرت هر چه مراد
خواهد بیابد اینست یا الله المحمود فی کل فعاله هر کس این دعا را روی خوش
بخواند و بکسی دید بخورد یا بوی کند مطیع وی شود یا حلیم ذو الاناة فلا عدل له
شیء استخوان ماهی را با کوهان شتر و اسفند دما تنگی انداخته و بخور داده
پس در دان آن باشد بی شود الخ هر گاه کودکی کسی یاد او کرده باشد


مومیا را با روغن گاو مالیده و بگوش چکانند در گوش ساکن شود
جهت بیمار باید که دو دست بر و بالا کنید حضور کار تب دار مجربست بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله
النور بسم الله النور النور بسم الله الذی هو نور علی نور بسم الله الذی هو مدبر الامور بسم الله
الذی هو نور فوق کل نور بسم الله الذی خلق النور فی النور و انزل النور علی الطور فی کتاب مسطور
فی رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور الحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی
السراء والضراء مشکور و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین
روایتست که هر کس این دعا را در روز نوروز بنویسد و در کوزه آب اندازد هر که از آن آب بخورد تا
روز دیگر از آفت خالی باشد و اگر به زعفران بنویسد بهتر است بسم الله الرحمن الرحیم
ربی الله الحی القیوم ربی الذی یحیی و یمیت ربی الله الواحد القهار و حسبنا الله ربنا
ورب آبائنا اللهم انا نعوذ بک من الطعن والطاعون والوباء والبلاء وشماتة الاعداء
وما قد سبق ربنا اصرف عنا انا موقنون و صلی الله علی محمد و آله حسبنا الله و نعم الوکیل
فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین جهت کم شده این دعا را نوشته
در میان چوب باید گذاشته و هر دو سر چوب را با ابریشم پیچیده و در جای کم شده سنگی
بگذارد و آن چوب را بر بالای سنگ گذاشته و سنگی بزرگ بر بالای آن بگذارد

کم شده پیدا شود بسم الله الرحمن الرحیم فلان مغلولة الی عنقه اذا
اخرجها لم یکد یریها و من لم یجعل الله له نورا فما له من نور حتی کم شده
این مثلث بنحوی که نوشته می شود قلمی و اسم کم شده را بر عقب آن و زیر پای
نوشته بر عکس گذاشته سنگی بر بالای آن بگذارد که ان شاء الله کم شده پیدا شود و هر چه نوشته
عید ضرب بسال و دیگر اختران چرخ نقش معین کعب بکیر بکوسفند
بیمار و سه جمل و یماد و دو حدای یاران مصطفی وطلاق و عرش در بهشت
دفع بیماری گوسفندان عمل دیگر چه بیماری گاو و گوسفند

٦	٧	٢
١	٥	٩
٨	٣	٤

این شکل را بنویسند و در موم گیرند و در آب بیندازند و آن آب را
در سر گوسفندان بپاشند و دعا را در گردن گوسفندان ببندند بیماری از آن
بر طرف شود اینست ا ه ا ه ا ه ر ب ا ه ر ب ا ه العجل العجل الساعة الساعة
الساعة افتح افتح افتح فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم طهر
بطهر سهو برحمتک یا ارحم الراحمین
متوجه شود باید که گوش کسی که حسد و کوشش خواهد ...
فرض علیک القرآن لرادک الی معاد این جهت کرد

سبب خواندن هر کس که بد هد مطیع او شود والقیت علیک محبة
منی ولتصنع علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم علی من یکفله
فرجعناک الی امک کی تقر عینها و لا تحزن و قتلت نفسا فنجیناک
من الغم و فتناک فتونا زین للناس حب الشهوات من النساء
والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة و
الانعام والحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب
قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله و یغفر لکم ذنوبکم والله غفور
رحیم یحبونهم کحب الله والذین آمنوا اشد حبا لله و لو یری
الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا و ان الله شدید العذاب
قد شغفها حبا انا لنریها فی ضلال مبین فاذا عزمت
فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین یحبهم و یحبونه
اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین و لا تحسبن الذین یفرحون بما اتوا و یحبون ان یحمدوا بما لم
یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب و لهم عذاب الیم
انی احببت حب الخیر عن ذکر ربی حتی توارت بالحجاب ردوها

[illegible] دردی ... کوفته یاد لیجی نور ... موسی و انجیل عیسی

معا بالشوق والاعناق ... و اخری تحبونها نصر من الله و فتح قریب

وبشر المؤمنین یا محمد یا علی   در روایت صحیح و صریح از حضرت امام موسی

کاظم علیه السلام مرویست که اگر کسی بعیادت بیماری رود باید که دست

بر پیشانی او گذاشته و بگوید و الله یشفیک من کل داء و من شر النفاثات

فی العقد و من شر حاسد اذا حسد که بعون الله تعالی شفا یابد

لعزیدن مرکب بگوید بسم الله و نگوید که هلاک شوی چه نفرین کند او خواهد

هلاک شود اما اگر معصیت پروردگار خود بیشتر کند و سزاوار آنست که زیاده

بر طاقت او بار نکند و بر روی او نزنند و بر بالای او بنشیند نشیند یعنی بر پلو راند

و زیاده بر طاقت او تکلیف تا در رفتن با او نکند و سبب دم کردن او دانند و اگر

بیفتد آن بگوید یا عباد الله احبسوا عباد الله احبسوا که بر خواهد

... نکرهیش و از برای سرکشی بگوید افغیر دین الله یبغون و له

اسلم من فی السموات والارض طوعا و کرها و الیه ترجعون

تو اهی کند دیوانه راز زود به که سوره قل و حی ... بر جان او نو

... در بینی او چکانند به شود

[illegible marginal notes]

بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص ذکر رحمت ربک عبده زکریا اذ

نادی ربه نداء خفیا قال رب انی وهن العظم منی و اشتعل الرأس شیبا و لم اکن بدعائک

رب شقیا و لا تعلقوا ... حتی یبلغ الکهد محله بستم درد سر و درد شقیقه دارد

ایستاده بستم بحرمت تورات موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان

محمد المصطفی صلی الله علیه و آله   فمن کان منکم مریضا او به اذی من رأسه

ففدیة من صیام او صدقة او نسک سلام قولا من رب رحیم الا الی الله تصیر الامور

اسکن ایها الوجع و الصداع و الریح و الجدید بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار

و الارض و هو السمیع العلیم و الحمد لله رب العالمین   بر ... زبیر ...

درد وجود آید بها تا ذم بیمرد یا دو روزه یا سه روزه بیمرد یا یکماه یا دو ماه یا یکسال یا هفت سال

بگیرد و طالع ... یا ... ضایع شود او هم از ام الصبیانست و باید که این تعوید

بنام فرزند و بنام مادر او در ساعت آغوش ... شنیدند

ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه اهیا اهیا اهیا صا صا صا طا طا طا کا کا کا

ما ما ما ما ما ما عا عا عا لا لا لا لا لا ی ی ی ی ی ی ی

کاندماته و طوبانه و ...

ی ی ی اذ نتقنا الجبل فوقهم کانه طه طه طه طه طه

سبحان سبحان سبحان سبحان هو ار ... اسین سوسین اهین ...

الذی کبر الوطی ... و درد ... احفظ حامل این کتاب بحق لا اله الا الله

محمد رسول الله صلی الله علی ولی الله و بحق آدم و حوا و بحق شیث و بحق نوح و ابراهیم و

اسماعیل و اسحق و یعقوب و یوسف و داود و سلیمان و ایوب و زکریا و یحیی و موسی

و عیسی و محمد صلی الله علیه و آله و علی المرتضی علیه السلام یا رب نگاه دار فرزند این ...

... و افتها بحق اهیا شراهیا ادونای صباوت آل شدی بحق هزار یک نام

حضرت حق ... ۱۱۱۱ ... ۱۱ ... بنام عمر سلیمان

والله یدعوا الی الجنة و المغفرة باذنه و یبین آیاته للناس

لعلهم یتذکرون الذین یلحدون فی آیاته سیجزون ما کانوا یعملون

اگر مجوسی و اگر سامری و اگر رافضی این نامها را بر چوب بیخک بنویسد

و بر ه تب تبش کیرد در پیش خود بسوزاند شفا یابد   ابلیس و بهش تهش

لیاخان مه خان بنام فلان بن فلان   این دعا را بنام نوشته صاحب تب

بجود تخفیف من ربکم   بنان نوشته صاحب تب بجود ...

تخفف الله عنکم   بگیر ریسمان هفت رنگ و هفت گره بزند

و هر کره یکبار بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله بالله و محمد رسول الله اللهم

رب جبرائیل و رب میکائیل و رب اسرافیل و رب عزرائیل بستم تب دوز و تب شب بستم

تب سلمان و تب کافر بستم تب یهود و تب ارمنی بستم تب سرد و تب گرم بنام خدا و رسول

بنام ملک جبار دیار نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم بستم تب فلان بن فلان بسته کردانید

بحق محمد و آل محمد اجمعین اللهم اشف صاحب الحمی بحولک و قوتک یا ارحم الراحمین

و سه بار دیگر فاتحه بخوان و باد بر پیمان دمد و ریسمان را دو کردن صاحب تب یا بر دست

صاحب تب ببندد مجربست   بنویسد در آب اندازد از آن آب بخورد

هو هو هو هو لا رحهنم عطینا نها جهنم عطشنا نها

بنویسند دوز آتش بخورد هر دو ... هل تهس بل تهس دخل تهس

میان زن و شوهر اگر کسی این دعا را نوشته در میان بالش

بنهد هر دو میان بالش نهد جان محبت در میان زن و شوهر پیدا شود هر گز خصومت

نباشد و روز بروز محبت زیاده شود بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و الحمد لله

ابراهیم خلیل الله عیسی روح الله و محمد حبیب الله و رسول الله لو انزلنا هذا

علی جبل لرأیته خاشعا متصدعا من خشیة الله و تلک الامثال

لعلهم يتفكرون الم نشرح لك صدرك و وضعنا عنك وزرك الذی انقض ظهرک
ورفعنا لك ذكرك والقيت فلان بن فلان كهيعص حم حم له له له له له
له له طه طاسم طسم لمص لمر المر المص الم اه ا و ا ه ا ه ا ه ا ه ا ه عطف فلان
بن فلان علی حب فلان بنت فلان والقيت بين ادم وحوا و بين يوسف و زليخا و
موسی و صفورا و بين محمد و خديجة الكبری و بين علی و فاطمة الزهراء والصلح
بينهما اصلاحا ✱ بجهت زن شوهر اين دعا را نوشته در آب اندازد
و از آن آب طعام بپزند و بهر دو زن طعام بخورند در ميان ايشان محبت زياده شود
يحبونهم كحب الله والذين امنوا اشد حبا لله ولو ان لك ما فی الارض و
القناطير المقنطرة من الذهب والفضة المسومة ✱ اگر خواهی كه كسی را
سقاط كنی بنويس به چهار پاره نان بنام هر كه خواهد در وقت شب سگ سياه را دهد تا بخورد
در دوم در عقب سقاط كرده و آرامش ... تا كار اين آيد و بينداخت كس از او بوده شد است
ه ١١ ٨ ٥ ٩ ١٣ ٢ ١١ ٧ ٤ ٥ ٩ ب ص ٧ ٩ ٣ ١١ ٦ ٥ ٥ ٤ ٤ ٩ ص
اين رقوم را بنويسد در روز شنبه و بقبله بدارند از مرض صحت يابد مجربست
ا ه ا ه ا ه ا لف الف الف الف الف الف الف الف ال ص ال ص

الهم اخرج هذه الريح من بطن فلان ... كما اخرجت ليونس عليه السلام من بطن الحوت ... مجربست

ص ص ص له و و و صح سح سح سح الف الف الف الف الف الف الف الف مه
اين دعا را بر جام و يا بر كاسه بنويسد آب خورد مه
اللهم اخرج هذا الولد من بطن امه كما اخرجت اليونس عليه السلام من بطن الحوت
مجربست مجرب از برای زاييدن زنان بر جام نويسد تا بخورد با آسانی
وضع حمل شود بسم الله الرحمن الرحيم يا خالق النفس من النفس خلصنا و اكفنيه ما فيها
و تخلت امين يا رب العالمين ✱ از برای وضع حمل اين دعا را بر دو پاره
كاغذ نويسد يكی را حامله در دست راست بگيرد و يكی را در دست چپ فی الحال بار نهد
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم صل علی محمد و عجل فرجهم اللهم يا حافظ ...
بايد كه اين دعا را بنويسد و در ميان نقره نگاه دارد و اگر نقره نباشد
بر كاغذ زرد و در موم گيرد با خود دارد در دست ... بهر نيت كه حاجت ... او را ... گرداند
و هيچ ... كه بركت از كجا می آيد و چنان بركت و جمعيت روی دهد كه حد و حصر ... ندارد
بسم الله الرحمن الرحيم يا الله يا رقيب الرئوف الرحمن الرحيم يا الحی
القيوم يا مسبب الاسباب يا مفتح الابواب افتح علی صاحب ... هذا الضعيف
ابواب فضلك وابواب رحمتك وابواب رزقك وابواب خيرك وابواب كرامتك

وابواب نعمتك وابواب سعادتك وابواب سلامتك وابواب عظمتك وابواب رحمتك
وابواب بركاتك وابواب منتك وابواب احسانك وابواب مرضاتك وابواب قناعتك
وابواب الغنی وابواب الجنة اللهم تكفل برزقی كل دابة انت اخذ بناصيتها
ان ربی علی صراط مستقيم و ما افضل من اعطی و من منت الاوفی اللهم انی اسئلك
بحق محمد و آله و بجميع المومنين والمومنات برحمتك يا ارحم الراحمين ✱
بسم الله الرحمن الرحيم ط ا و ح ا ل و ا ن
و و ا ص ت م ط و ا ح ن و و ا ل و ا ل ن ا و د ا ی ا ح ح و ا ع عن ح م ا ل ح م ا ل ه
شب ديع بر دست راست مريض بنويسد كه بسم الله جبرائيل بر دست
چپ بسم الله ميكائيل بر پای راست بسم اسرافيل بر پای چپ بسم الله عزرائيل
لا يرون فيها شمسا ولا زمهريرا در ميان دو كتف بسم الله العزيز الجبار شفا يابد
دعای اسب بنويسد بر گردن اسب ببندد بسيار مفيد است از جرب
مضطرها اللهم احفظ علی ما لو حفظه غيرك لضاع و استر علی ما لو ستره
غيرك لشاع و احمل عنی ما لو حمله غيرك لكاع واجعل علی ظلك ظليله ...
بيد كل من رامنی بسوء او نصب لی مكرا او هيأ لی مكروها حتی يعود و هو غيظ
طارق

طارق لی ولا قادر علی اللهم انك قلت وقولك الحق انا نحن نزلنا الذكر و انا له
لحافظون ✱ طريقه اكر يك فی دلعقدا آدم در ميان حصه
كند نو لد دار مرتع نشيند و در هر سرفی بنويسد يكی جبرائيل و ميكائيل و يكی عزرائيل
و اسرافيل و صاحب نو لد آن نی هارا هر يكی بدست گرفته بر سر نو لد اول الحمد يكبار
بخواند و بعد از آن اين دعا را بخواند تا اگر آن نی ها سر بهم آورند و بعد از آن از صاحب
نو لد بپرسد كه چند سال نو لد تو را بندم و او گويد كه تا فلان قدر بعد از آن بگويد خداوندا
بحق حرمت اين دعا كه نو لد اين را چند سال بستم چون آن نی ها را محكم با ريسمان
به بندد و در سرای يا در جای كه دست و پای آدمی نرسد خصوص دود نخورد
نو لد بو طرف شود ان شاء الله تعالی ✱ بسم الله الرحمن الرحيم
قريا ماهوكش اما عوش يغاش يغاش شاطر كبوش الوحا قريا
انه من سليمان و انه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا علی و اتونی
مسلمين اجب يا جبرائيل انت و خدامك اللهم صل علی محمد و آل
بجهت ماندن فرزند اين شكل را بر چهار پاره مسك بنويسد
و در چهار كوشه خانه دفن كند فرزند او چند كار خدا ايشان با كرامت كند



دعای جهت | خیل دار او | موسایح لم | الوا لو حقد حی بسم فلان بن فلان

هرگاه کسی را درد دندان و باد دروج و نزله داشته باشد بنویس نام وی و نام

مادرش بکاغذ و در ستون خانه یا در بالای در خانه میخ آهنی بکوبد البته خلاص شود

بسم الله الرحمن الرحیم بسم بسم درد دندان و باد دروج فلان بن فلان

بحق حرمت و قدرت دوال ده دوال ده دوال ده آدم صفی الله و نوح نبی الله و ابراهیم

خلیل الله و اسمعیل ذبیح الله و موسی کلیم الله و عیسی روح الله و محمد رسول الله

صلی الله علیه و آله یا احد یا حفیظ   افطار را مقدم دارد از نماز عید

و بجا و بتربت حضرت امام حسین علیه السلم باید کرد و غسل نیز سنت بعد از طلوع صبح تا وقت نماز عید و وقت

عید از طلوع آفتاب است تا نزدیک زوال و نماز عید دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد سوره

سبح اسم ربک الاعلی خواند و در رکعت دویم بعد از حمد سوره والشمس بخواند از برای قرائت

خواند و در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره سبح اسم پیش از رکوع پنج تکبیر بگوید

در رکعت دویم نیز بعد از خواندن سوره حمد و سوره والشمس چهار تکبیر بگوید و برای هر تکبیر

دست برداشتن سنت است و در عقب هر تکبیر این قنوت بخواند اللهم انت اهل الکبریاء

۱۳

والعظمة و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمة و اهل التقوی و المغفرة

اسئلک بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا و لمحمد صلی الله علیه و آله

ذخرا و شرفا و مزیدا ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تدخلنی فی کل خیر

ادخلت فیه محمدا و آل محمد و ان تخرجنی من کل سوء اخرجت منه محمدا و آل

محمد صلواتک علیه و علیهم اجمعین اللهم انی اسئلک خیر ما سئلک به

عبادک الصالحون و نعوذ بک مما استعاذ منه عبادک المخلصون

چون از نماز فارغ شود تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلم نماید و نیت راجح نماید که

نماز عید فطر میگذارم سنت قربة الی الله و دیگر کسی که خواند دو سوره مذکوره بعد از حمد

مذکور شد نتواند خواند قل هو الله احد نیز میتواند خواند و زیارت حضرت امام حسین

علیه السلم نیز بعد از نماز سنت است

السلام علیک یا ابا عبد الله السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر

المؤمنین و امام المتقین و یعسوب الدین السلام علیک یا ابن فاطمة الزهراء

سیدة نساء العالمین السلام علیک یا ابا الائمة الهادین المهدیین السلام

علیک یا صریع الدمعة الساکبة السلام علیک یا صاحب المصیبة الراتبة السلام علیک

و علی جدک و ابیک السلام علیک و علی امک و اخیک السلام علیک و علی الائمة من

بنیک اشهد یا مولای یا ابا عبد الله لقد طیب الله بک التراب و اوضح بک الکتاب

و اعظم بک المثاب و اجزل بک الثواب و جعلک و جدک و اباک و امک و اخاک

و بنیک عبرة لاولی الالباب یا ابن میامین الاطیاب التالین الکتاب وجهت

سلامی الیک صلوات الله و سلامه علیک و جعل افئدة من الناس تهوی الیک

ما خاب من تمسک بک و امن من لجا الیک الصلوة السلم علیک یا مولای

یا ابا عبد الله و علی ولدک علی و علی اخیک ابی الفضل العباس و علی المستشهدین

معک و علی المستغفرین لزوارک و رحمة الله و برکاته

یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی لیس کمثله شیء و هو السمیع

البصیر و هذا شهر عظمته و کرمته و شرفته و فضلته علی الشهور و هو شهر الذی

فرضت صیامه علی و هو شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس

و بینات من الهدی و الفرقان و جعلت فیه لیلة القدر و جعلتها خیرا من الف

شهر فیا ذا المن و لا یمن علیک من علی بفکاک رقبتی من النار فیمن تمن

علیه و ادخلنی الجنة برحمتک یا ارحم الراحمین

۱۴

یا ذا الذی کان قبل کل شیء ثم خلق کل شیء ثم یبقی و یفنی کل شیء

یا ذا الذی لیس کمثله شیء یا ذا الذی لیس فی السموات العلی و لا فی الارضین

السفلی و لا فوقهن و لا تحتهن اله یعبد غیره لک الحمد حمدا لا یقوی

علی احصائه الا انت فصل علی محمد و آله صلوة لا یقوی علی احصائها الا

انت اللهم رب شهر رمضان الذی انزلت فیه

القرآن و افترضت علی عبادک فیه الصیام وارزقنی حج بیتک الحرام

فی هذا العام و فی کل عام و اغفر لی تلک الذنوب العظام فانه لا

یغفرها غیرک یا رحمن یا علام

اللهم ادخل علی اهل القبور السرور اللهم اغن کل فقیر اللهم

اشبع کل جائع اللهم اکس کل عریان اللهم اقض دین کل مدین

اللهم فرج عن کرب کل مکروب اللهم رد کل غریب اللهم

فک کل اسیر اللهم اصلح کل فاسد من امور المسلمین

اللهم اشف کل مریض اللهم سد کل فقر بغناک اللهم

غیر سوء حالنا بحسن حالک اللهم اقض عنا الدین و اغننا من

الفقر إنك على كل شيء قدير

معقولست که بعد از آن میباید خواند الحمد لله الذي خلق السموات والأرض و
جعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون لا أشرك به
شيئا ولا أتخذ من دونه وليا الحمد لله الذي له ما في السموات وما في
الأرض وله الحمد في الآخرة وهو الحكيم الخبير يعلم ما يلج في الأرض وما
يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو الرحيم الغفور
كذلك الله لا إله إلا هو وإليه المصير ونشهد أن محمدا عبده و
نبيه ورسوله إلى خلقه وأمينه على وحيه صلى الله عليه وآله أوصيكم
عباد الله بتقوى الله الذي لا تبرح منه نعمة ولا تنفد منه رحمة
ولا يستغني العباد عنه ولا تجزي أنعمه الأعمال الذي رغب في التقوى
وزهد في الدنيا وحذر المعاصي وتعزز بالبقاء وذلل خلقه بالموت
والموت غاية المخلوقين وسبيل العالمين ومعقود بنواصي البا
قين لا يعجزه إباق الهاربين والدنيا دار كتب الله لها الفناء و
لأهلها منها الجلاء فأكثرهم ينوي بقاءها ويعظم بناءها وهي

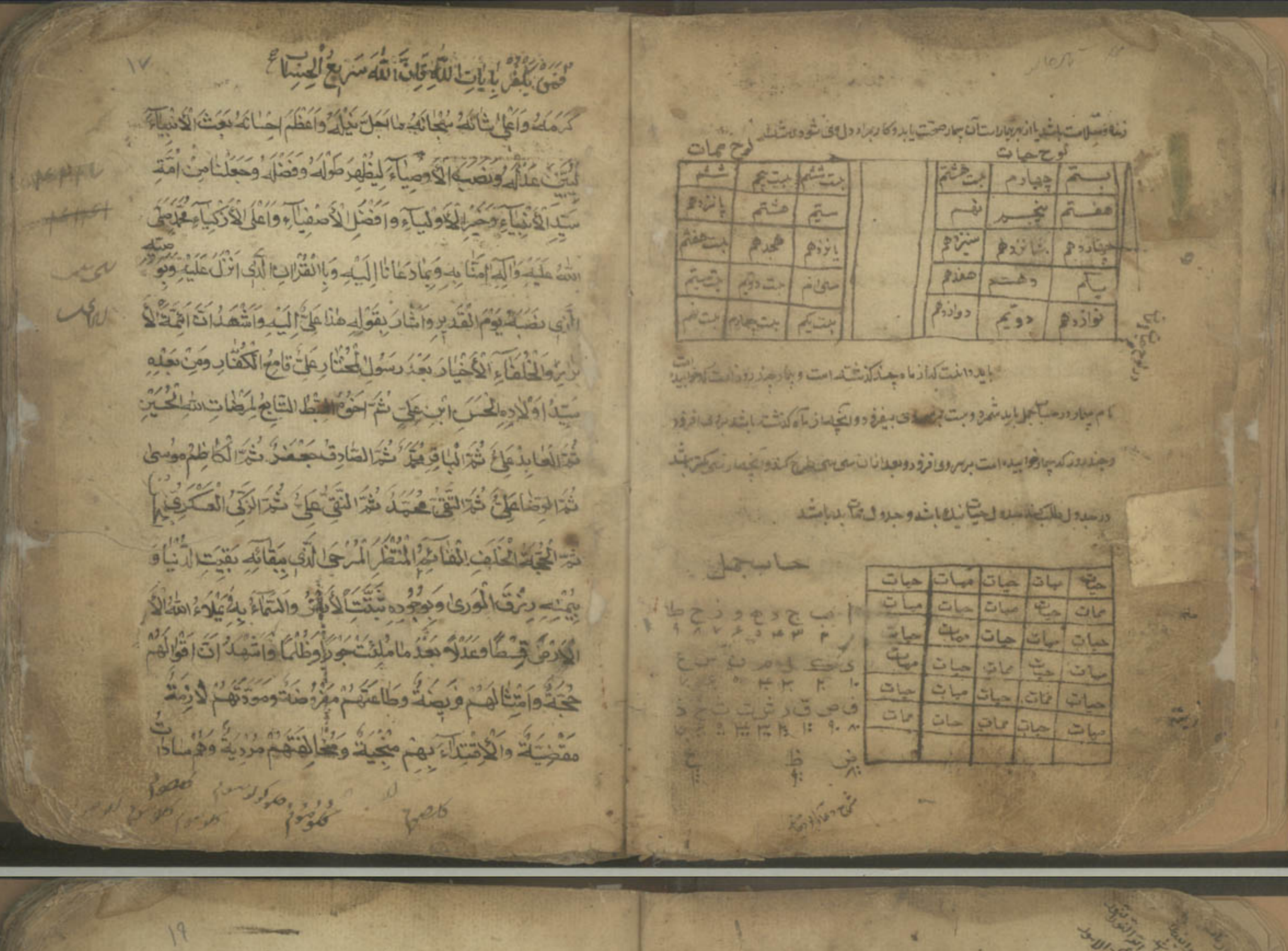
حلوة

حلوة خضرة قد عجلت للطالب والتبست بقلب الناظر فارتحلوا منها
يرحمكم الله بأحسن ما بحضرتكم ولا تطلبوا منها أكثر من القليل
جعلنا الله وإياكم ممن يخافه ويرجو ثوابه ألا إن هذا اليوم يوم
جعله الله لكم عيدا وجعلكم له أهلا فاذكروا الله يذكركم وادعوه
يستجب لكم وأدوا فطرتكم فإنها سنة نبيكم وفريضة واجبة
من ربكم فليؤدها كل امرئ منكم عن عياله كلهم ذكرهم وأنثاهم
صغيرهم وكبيرهم وحرهم ومملوكهم عن كل إنسان منهم صاعا
من بر أو صاعا من تمر أو صاعا من شعير وأطيعوا الله فيما فرض الله عليكم
وأمركم به من إقام الصلاة وإيتاء الزكاة وحج البيت وصوم شهر
رمضان والأمر بالمعروف والنهي عن المنكر والإحسان إلى نسائكم
وما ملكت أيمانكم عصمنا الله وإياكم بالتقوى وجعل الآخرة خيرا لنا
ولكم من الأولى إن أحسن الحديث وأبلغ موعظة المتقين كتاب
الله العزيز الحكيم أعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم
قل هو الله أحد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا أحد

با تعجیل بعد از آن بر خیزد و بخواند اللهم اغفر للمؤمنين
والمؤمنات والمسلمين والمسلمات اللهم اجعل التقوى زادهم والإيمان
والحكمة في قلوبهم وأوزعهم أن يشكروا نعمتك التي أنعمت عليهم
وأن يوفوا بعهدك الذي عاهدتهم عليه إله الحق وخالق الخلق
اللهم اغفر لمن توفي من المؤمنين والمؤمنات والمسلمين و
المسلمات ولمن هو لاحق بهم من بعدهم منهم إنك أنت العزيز
الحكيم إن الله يأمر بالعدل والإحسان وإيتاء ذي القربى وينهى
عن الفحشاء والمنكر والبغي يعظكم لعلكم تذكرون اذكروا الله
يذكركم فإنه ذاكر لمن ذكره واسألوا الله من رحمته وفضله
فإنه لا يخيب عليه داع دعاه ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة
حسنة وقنا عذاب النار بعد از آن هر دعایی که
خواهی

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله بسم الله [illegible]
[illegible]
باد سرخ و باد سفید و باد کبود و باد زرد و باد [illegible] و باد قولنج و باد [illegible]

و باد لقوه و باد اماس و باد [illegible] و باد کشنده آن باد که بد بود و آن رنج که عظیم بود چون کوه دماوند
بر تن جان و دل [illegible] این بنده عاجز درمان شفا فرست یا رب بحق توریة موسی و بحق انجیل عیسی
و بحق زبور داود و بحق صحف ابراهیم و بحق فرقان العظیم محمد المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم ای باد
اگر [illegible] و اگر نهانی بر داری بیرون آی از تن این بنده عاجز بنام خدای تعالی اهیا شراهیا
وجعلنا من بين أيديهم سدا ومن خلفهم سدا فأغشيناهم فهم لا يبصرون وبحق كهيعص
وبحق حمعسق وبحق آن کلمه که بر خاتم سلیمان بن داود علیه السلام نقش شده است فمن كان يرجو
لقاء ربه فليعمل عملا صالحا ولا يشرك بعبادة ربه أحدا سبحان ربك رب العزة عما
يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين اللهم إني أسألك [illegible]
[illegible] باد سرخ و باد کبود و باد [illegible] و باد اماس و باد [illegible] و باد لقوه و باد جذام و
قولنج و باد صفرا و باد استسقا و باد که نه گرم باشد و نه سرد باشد [illegible] از اندام این بنده
عاجز بحق وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين
إلا خسارا وصلى الله على محمد وآله أجمعين برحمتك يا أرحم الراحمين
[illegible]
[illegible]



زنده و سلامت باشد یا از بیماری است آن بیمار صحت یابد و کار برآید و دل وی شود ...

لوح حیات

بستم	چهارم	بست هشتم
هفتم	پنجم	نهم
چهاردهم	پانزدهم	سیزدهم
یکم	دهم	هفدهم
نوازدهم	دویم	دوازدهم

لوح ممات

بست ششم	بست پنجم	ششم
سیم	هشتم	پانزدهم
یازدهم	هجدهم	بست هفتم
سی ام	بست دویم	بست سیم
بست یکم	بست چهارم	بست نهم

باید ۱۰ نبشت که از ماه چند گذشته است و بیمار چند روز است که خوابیده است

نام بیمار در حساب جمل باید شمرد و بست بر سه‌ی بیفزود و آنچه از ماه گذشته باشد بر وی افزود

و چند روز که بیمار خوابیده است بر سر وی افزود و بعد از آن سی سی طرح کند و آنچه باقی ماند ... باشد

در جدول طلب کند اگر در لوح حیات نیک باشد و جدول ممات بد باشد

حساب جمل

ا ب ج د ه و ز ح ط
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹
ی ک ل م ن س ع
۱۰ ۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰
ف ص ق ر ش ت ث خ ذ
۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰
ض ظ غ
۸۰۰ ۹۰۰ ۱۰۰۰

حیات	ممات	حیات	ممات	حیات
ممات	حیات	ممات	حیات	ممات
حیات	ممات	حیات	ممات	حیات
ممات	حیات	ممات	حیات	ممات
حیات	ممات	حیات	ممات	حیات
ممات	حیات	ممات	حیات	ممات

فمن يكفر بآيات الله فان الله سريع الحساب

كرمه واعلى شأنه سبحانه ما اجل نيله واعظم احسانه بعث الانبياء

ليبين عدله ونصب الاوصياء ليظهر طوله وفضله وجعلنا من امة

سيد الانبياء وخير الاولياء وافضل الاصفياء واعلى الازكياء محمد صلى

الله عليه وآله آمنا به وبما دعانا اليه وبالقرآن الذى انزل عليه وبوصيه

الذى نصبه يوم الغدير واشار بقوله هذا على اليه واشهد ان الائمة الا

برار والخلفاء الاخيار بعد رسول المختار على قامع الكفار ومن بعده

سيد اولاده الحسن ابن على ثم اخوه السبط التابع لمرضات الله الحسين

ثم العابد على ثم الباقر محمد ثم الصادق جعفر ثم الكاظم موسى

ثم الرضا على ثم التقى محمد ثم النقى على ثم الزكى العسكرى الحسن

ثم الحجة الخلف القائم المنتظر المرجى الذى ببقائه بقيت الدنيا و

بيمنه رزق الورى وبوجوده ثبتت الارض والسماء وبه يملأ الله الا

رض قسطا وعدلا بعد ما ملئت جورا وظلما واشهد ان اقوالهم

حجة وامتثالهم فريضة وطاعتهم مفروضة ومودتهم لازمة

مقضية والاقتداء بهم منجية ومخالفتهم مردية وهم سادات

اهل الجنة اجمعين وشفعاء يوم الدين وائمة اهل الارض على اليقين

وافضل الاوصياء المرضيين واشهد ان الموت حق والقبر حق و

مسائلة منكر ونكير فى القبر حق والبعث حق والنشور حق والصراط حق

والميزان حق والحساب حق والكتاب حق والجنة حق والنار حق وان

الساعة آتية لا ريب فيها وان الله يبعث من فى القبور اللهم فضلك

رجائى وكرمك ورحمتك املى لا عمل لى استحق به الجنة ولا طاعة لى استو

جب بها الرضوان الا انى اعتقدت توحيدك وعدلك وارتجيت

احسانك وفضلك وتشفعت اليك بالنبى وآله من احبتك وانت ا

كرم الاكرمين ويا ارحم الراحمين وصلى الله على نبينا محمد وآله

اجمعين الطيبين الطاهرين اللهم يا ارحم الراحمين انى اودعتك

يقينى هذا وثبات دينى وانت خير مستودع وقد امرتنا بحفظ

الودايع فرده على وقت حضور موتى برحمتك يا ارحم الراحمين

آيات عظيم الشأن من كتبها وشربها شفى من كل داء وهى هذه

بسم الله الرحمن الرحيم ويشف صدور قوم مؤمنين وشفاء لما فى الصدور يخرج من بطو

يا ذا الجود والسخاء يا ذا الآلاء والنعماء ١٠ اللهم انى اسألك باسمك يا صانع يا دافع

يا رافع يا مانع يا نافع يا سامع يا جامع يا شافع يا واسع يا موسع ١١ يا صانع

كل مصنوع يا خالق كل مخلوق يا رازق كل مرزوق يا مالك كل مملوك يا

كاشف كل مكروب يا فارج كل مهموم يا راحم كل مرحوم يا ناصر كل مخذول يا

ساتر كل معيوب يا ملجأ كل مطرود ١٢ يا عدتى عند شدتى يا رجائى

عند مصيبتى يا مونسى عند وحشتى يا صاحبى عند غربتى يا ولى عند نعمتى

يا غياثى عند كربتى يا دليلى عند حيرتى يا غنائى عند افتقارى يا ملجأى عند

اضطرارى يا معينى عند مفزعى ١٣ يا علام الغيوب يا غفار الذنوب يا ستار

العيوب يا كاشف الكروب يا مقلب القلوب يا طبيب القلوب يا منور القلوب يا انيس

القلوب يا مفرج الهموم يا منفس الغموم ١٤ اللهم انى اسألك باسمك يا جليل

يا جميل يا وكيل يا كفيل يا دليل يا قبيل يا مديل يا منيل يا مقيل يا محيل ١٥ يا دليل

المتحيرين يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين يا جار المستجيرين يا امان

الخائفين يا عون المؤمنين يا راحم المساكين يا ملجأ العاصين يا غافر المذ

نبين يا مجيب دعوة المضطرين ١٦ يا ذا الجود والاحسان يا ذا الفضل

شراب مختلف الوانه فيه شفاء للناس ... من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنين

واذا مرضت فهو يشفين قل هو للذين آمنوا هدى وشفاء ذلك تخفيف من

ربكم ورحمة الآن خفف الله عنكم قلنا يا نار كوني بردا وسلاما على ابراهيم وارادوا

به كيدا فجعلناهم الاخسرين الم تر الى ربك كيف مد الظل ولو شاء لجعله ساكنا

ثم جعلنا الشمس عليه دليلا وله ما سكن في الليل والنهار وهو السميع العليم

بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم يا حي يا قيوم يا الله

در بیان جوشن کبیر و آن هزار اسم است هر اسمی مشتمل است بر اسم اعظم و صد

فصل است و هر فصل از ده اسم است و خواندن آن این است که در آخر هر فصل بگوید

سبحانك يا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار يا رب

١ اللهم اني اسئلك باسمك يا الله يا رحمن يا رحيم يا كريم يا مقيم

يا عظيم يا عليم يا حليم يا حكيم يا قديم ٢ يا سيد السادات يا مجيب الدعوات

يا رافع الدرجات يا ولي الحسنات يا غافر الخطيئات يا معطي المسئلات يا قا

بل التوبات يا سامع الاصوات يا عالم الخفيات يا دافع البليات ٣ يا خير الغافرين

يا خير الذاكرين يا خير الفاتحين يا خير الناصرين يا خير الحاكمين يا خير

الرازقين يا خير الوارثين يا خير الحامدين يا خير المنزلين يا خير المحسنين

٤ يا من له العزة والجمال يا من له القدرة والكمال يا من له الملك والجلال

يا من هو الكبير المتعال يا من هو منشئ السحاب الثقال يا من هو شديد المحا

ل يا من هو سريع الحساب يا من هو شديد العقاب يا من هو عنده حسن

الثواب يا من هو عنده ام الكتاب ٥ اللهم اني اسئلك باسمك يا حنان

يا منان يا ديان يا برهان يا سلطان يا رضوان يا غفران يا سبحان يا مستعا

ن يا ذا المن والبيان ٦ يا من تواضع كل شيء لعظمته يا من استسلم كل شيء

لقدرته يا من ذل كل شيء لعزته يا من خضع كل شيء لهيبته يا من انقاد كل شيء

من خشيته يا من تشققت الجبال من مخافته يا من قامت السموات بامره يا من

استقرت الارضون باذنه يا من يسبح الرعد بحمده يا من لا يعتدي على اهل

مملكته ٧ يا غافر الخطايا يا كاشف البلايا يا منتهى الرجايا يا مجزل العطايا

يا واهب الهدايا يا رازق البرايا يا قاضي المنايا يا سامع الشكايا يا باعث البرايا يا مطلق الاسا

رى ٨ يا ذا الحمد والثناء يا ذا الفخر والبهاء يا ذا المجد والسناء يا ذا العهد و

الوفاء يا ذا العفو والرضاء يا ذا المن والعطاء يا ذا الفضل والقضاء يا ذا العز والبقاء

والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس والسبحان يا ذا الحكمة والبيان

يا ذا الرحمة والرضوان يا ذا الحجة والبرهان يا ذا العظمة والسلطان يا ذا الرأ

فة والمستعان يا ذا العفو والغفران ١٦ يا من هو رب كل شيء يا من هو

اله كل شيء يا من هو خالق كل شيء يا من هو قبل كل شيء يا من هو بعد

كل شيء يا من هو فوق كل شيء يا من هو عالم بكل شيء يا من هو قادر على كل شيء يا

من هو يبقى ويفنى كل شيء ١٧ اللهم اني اسئلك باسمك يا مؤمن

يا مهيمن يا مكون يا ملقن يا مبين يا مهون يا ممكن يا مزين يا معلن يا

مقسم ١٨ يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم

يا من هو في جلاله عظيم يا من هو على عباده رحيم يا من هو بكل شيء عليم يا من هو

بمن عصاه حليم يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو في صنعه حكيم يا من هو

في حكمته لطيف يا من هو في لطفه قديم ١٩ يا من لا يرجى الا فضله يا من لا يسأل

الا عفوه يا من لا ينظر الا بره يا من لا يخاف الا عدله يا من لا يدوم الا ملكه

يا من لا سلطان الا سلطانه يا من وسعت كل شيء رحمته يا من سبقت رحمته غضبه يا من احا

ط بكل شيء علمه يا من ليس احد مثله ٢٠ يا فارج الهم يا كاشف الغم يا غافر

الذنب يا قابل التوب يا خالق الخلق يا صادق الوعد يا موفي العهد يا عالم السر يا فالق

الحب يا رازق الانام ٢١ اللهم اني اسئلك باسمك يا علي يا وفي يا غني يا ملي

يا حفي يا رضي يا زكي يا بدي يا قوي يا ولي ٢٢ يا من اظهر الجميل يا من ستر

القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم يهتك الستر يا عظيم العفو يا حسن التجا

وز يا واسع المغفرة يا باسط اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى

كل شكوى ٢٣ يا ذا النعمة السابغة يا ذا الحكمة البالغة يا ذا القدرة الكاملة

يا ذا الحجة القاطعة يا ذا الكرامة الظاهرة يا ذا العزة الدائمة يا ذا القوة المتينة

يا ذا العظمة المنيعة ٢٤ يا بديع السموات يا جاعل الظلمات يا راحم العبرات

يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا محيي الاموات يا منزل الآيات يا مضعف

الحسنات يا ماحي السيئات يا شديد النقمات ٢٥ اللهم اني

اسئلك باسمك يا مصور يا مقدر يا مدبر يا مطهر يا منور يا ميسر يا مبشر يا منذر

يا مقدم يا مؤخر ٢٦ يا رب البيت الحرام يا رب الشهر الحرام يا رب البلد

الحرام يا رب الركن والمقام يا رب المشعر الحرام يا رب المسجد الحرام يا رب

الحل والحرام يا رب النور والظلام يا رب التحية والسلام يا رب القدرة في الا

يا اظهر الظاهرين

۲۷ يا احكم الحاكمين يا اعدل العادلين يا اصدق الصادقين يا اطهر الطاهرين
يا احسن الخالقين يا اسرع الحاسبين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين
يا اشفع الشافعين يا اكرم الاكرمين ۲۸ يا عماد من لا عماد له يا سند من لا سند
له يا ذخر من لا ذخر له يا حرز من لا حرز له يا غياث من لا غياث له يا فخر من لا فخر
له يا عز من لا عز له يا معين من لا معين له يا انيس من لا انيس له يا امان من لا امان له ۲۹ اللهم اني اسئلك
باسمك يا عاصم يا قائم يا دائم يا راحم يا سالم يا حاكم يا عالم يا قاسم يا قابض يا باسط
۳۰ يا عاصم من استعصمه يا راحم من استرحمه يا غافر من استغفره يا ناصر من
استنصره يا حافظ من استحفظه يا مكرم من استكرمه يا مرشد من استرشده
يا صريخ من استصرخه يا معين من استعانه يا مغيث من استغاثه ۳۱ يا عزيزا
لا يضام يا لطيفا لا يرام يا قيوما لا ينام يا دائما لا يفوت يا حيا لا يموت يا ملكا
لا يزول يا باقيا لا يفنى يا عالما لا يجهل يا صمدا لا يطعم يا قويا لا يضعف
۳۲ اللهم اني اسئلك باسمك يا احد يا واحد يا شاهد يا ماجد يا حامد
يا راشد يا باعث يا وارث يا ضار يا نافع ۳۳ يا اعظم من كل عظيم يا اكرم
من كل كريم يا ارحم من كل رحيم يا اعلم من كل عليم يا احكم من كل حكيم يا اقدم من كل

قديم

قديم يا اكبر من كل كبير يا الطف من كل لطيف يا اجل من كل جليل يا اعز من كل عزيز
۳۴ يا كريم الصفح يا عظيم المن يا كثير الخير يا قديم الفضل يا دائم اللطف يا لطيف الصنع
يا منفس الكرب يا كاشف الضر يا مالك الملك يا قاضي الحق ۳۵ يا من هو في عهده وفي
وفي يا من هو في وفائه قوي يا من هو في قوته علي يا من هو في علوه قريب يا من هو في
قربه لطيف يا من هو في لطفه شريف يا من هو في شرفه عزيز يا من هو في عزه
عظيم يا من هو في عظمته مجيد يا من هو في مجده حميد ۳۶ اللهم اني اسئلك
باسمك يا شافي يا كافي يا وافي يا معافي يا هادي يا داعي يا قاضي يا راضي يا عالي يا باقي
۳۷ يا من كل شيء خاضع له يا من كل شيء خاشع له يا من كل شيء كائن له يا من كل شيء موجود به
يا من كل شيء منيب اليه يا من كل شيء خائف منه يا من كل شيء قائم به يا من كل شيء صائر اليه
يا من كل شيء يسبح بحمده يا من كل شيء هالك الا وجهه ۳۸ يا من لا مفر الا اليه
يا من لا مفزع الا اليه يا من لا مقصد الا اليه يا من لا منجا منه الا اليه يا من لا يرغب
الا اليه يا من لا حول ولا قوة الا به يا من لا يستعان الا به يا من لا يتوكل الا عليه
يا من لا يرجى الا هو يا من لا يعبد الا اياه ۳۹ يا خير المرهوبين يا خير المرغوبين
يا خير المطلوبين يا خير المسئولين يا خير المقصودين يا خير المذكورين

يا خير الشاكرين يا خير المحبوبين يا خير المدعوين يا خير المستانسين ۴۰ اللهم
اني اسئلك باسمك يا غافر يا ساتر يا قادر يا قاهر يا فاطر يا جابر يا ذاكر يا ناظر يا ناصر
۴۱ يا من خلق فسوى يا من قدر فهدى يا من يكشف البلوى يا من يسمع
النجوى يا من ينقذ الغرقى يا من ينجي الهلكى يا من يشفي المرضى يا من اضحك و
ابكى يا من امات واحيى يا من خلق الزوجين الذكر والانثى ۴۲ يا من في البر
والبحر سبيله يا من في الافاق اياته يا من في الايات برهانه يا من في الممات
قدرته يا من في القبور عبرته يا من في القيامة ملكه يا من في الحساب هيبته
يا من في الميزان قضاؤه يا من في الجنة ثوابه يا من في النار عقابه ۴۳
يا من اليه يهرب الخائفون يا من اليه يفزع المذنبون يا من اليه
يقصد المنيبون يا من اليه يرغب الزاهدون يا من اليه يلجأ المتحيرون يا من به يستانس المريدون
يا من في عفوه يطمع الخاطئون يا من اليه يسكن الموقنون يا من عليه
يتوكل المتوكلون ۴۴ اللهم اني اسئلك باسمك يا حبيب يا طبيب
يا قريب يا رقيب يا حسيب يا مهيب يا مثيب يا مجيب يا خبير يا بصير ۴۵ يا اقرب من
كل قريب يا احب من كل حبيب يا ابصر من كل بصير يا اخبر من كل خبير يا اشرف

من كل

والقوى يا من لا تدركه الابصار يا اعلى ۷۰ اللهم اني اسئلك باسمك يا عفو يا غفور
يا صبور يا شكور يا رؤوف يا عطوف يا مسئول يا ودود يا سبوح يا قدوس ۷۱ يا من في
السماء عظمته يا من في الارض اياته يا من في كل شيء دلائله يا من في البحار عجائبه
يا من في الجبال خزائنه يا من يبدء الخلق ثم يعيده يا من اليه يرجع الامر كله
يا من اظهر في كل شيء لطفه يا من احسن كل شيء خلقه يا من تصرف في الخلائق
قدرته ۷۲ يا حبيب من لا حبيب له يا طبيب من لا طبيب له يا مجيب
من لا مجيب له يا شفيق من لا شفيق له يا رفيق من لا رفيق له يا مغيث من لا
مغيث له يا دليل من لا دليل له يا انيس من لا انيس له يا راحم من لا راحم له
يا صاحب من لا صاحب له ۷۳ يا كافي من استكفاه يا هادي من استهداه يا كالي
من استكلاه يا راعي من استرعاه يا شافي من استشفاه يا قاضي من استقضاه
يا مغني من استغناه يا موفي من استوفاه يا مقوي من استقواه يا ولي من
استولاه ۷۴ اللهم اني اسئلك باسمك يا خالق يا رازق يا ناطق يا صادق
يا فالق يا فارق يا فاتق يا راتق يا سابق يا سامق ۷۵ يا من يقلب الليل والنهار
يا من جعل الظلمات والانوار يا من خلق الظل والحرور يا من سخر الشمس والقمر

من كل شريف يا ارفع من كل رفيع يا اقوى من كل قوي يا اغنى من كل غني يا اجود من
كل جواد يا ارأف من كل رؤف ٤٦ يا غالبا غير مغلوب يا صانعا غير مصنوع يا خالقا
غير مخلوق يا مالكا غير مملوك يا قاهرا غير مقهور يا رافعا غير مرفوع يا حافظا
غير محفوظ يا ناصرا غير منصور يا شاهدا غير مشهود يا قريبا غير بعيد ٤٧
يا نور النور يا منور النور يا خالق النور يا مدبر النور يا مقدر النور يا نور كل نور
يا نورا قبل كل نور يا نورا بعد كل نور يا نورا فوق كل نور يا نورا ليس كمثله
نور ٤٨ يا من عطاؤه شريف يا من فعله لطيف يا من لطفه مقيم يا من
احسانه قديم يا من قوله حق يا من وعده صدق يا من عفوه فضل يا من عذابه عدل
يا من ذكره حلو يا من فضله عميم ٤٩ اللهم اني اسئلك باسمك يا مسهل يا مفصل
يا مبدل يا مذلل يا منزل يا منول يا مجزل يا مفضل يا مجمل ٥٠ يا من يرى ولا
يرى يا من يخلق ولا يخلق يا من يهدي ولا يهدى يا من يحيي ولا يحيى يا من
يسئل ولا يسئل يا من يطعم ولا يطعم يا من يجير ولا يجار عليه يا من يقضي ولا
يقضى عليه يا من يحكم ولا يحكم عليه يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد ٥١ يا نعم الحسيب يا نعم الطبيب يا نعم الرقيب يا نعم القريب يا نعم المجيب

يا من قدر الخير والشر يا من خلق الموت والحياة يا من له الخلق والامر يا من لم يتخذ
ولدا يا من ليس له شريك في الملك يا من لم يكن له ولي من الذل ٥٢ يا من يعلم مراد
المريدين يا من يعلم ضمير الصامتين يا من يسمع انين الواهنين يا من يرى بكاء الخائفين
يا من يملك حوائج السائلين يا من يقبل عذر التائبين يا من لا يصلح عمل المفسدين
يا من لا يضيع اجر المحسنين يا من لا يبعد عن قلوب العارفين يا من اجود الا
جودين ٥٣ يا دائم البقاء يا سامع الدعاء يا واسع العطاء يا غافر الخطاء يا بديع يا حسن
السماء يا قديم السناء يا كثير الوفاء يا شريف الجزاء ٥٤ اللهم اني اسئلك باسمك
يا ستار يا غفار يا قهار يا جبار يا صبار يا بار يا مختار يا فتاح يا نفاح يا مرتاح ٥٥
يا من خلقني وسواني يا من رزقني ورباني يا من اطعمني وسقاني يا من قربني وادناني
يا من عصمني وكفاني يا من حفظني وكلاني يا من اعزني واغناني يا من وفقني
وهداني يا من آنسني وآواني يا من اماتني واحياني ٥٧ يا من يحق الحق
بكلماته يا من يقبل التوبة عن عباده يا من يحول بين المرء وقلبه يا من
لا تنفع الشفاعة الا باذنه يا من هو اعلم بمن ضل عن سبيله يا من لا معقب
لحكمه يا من لا راد لقضائه يا من انقاد كل شيء لامره يا من السموات مطويات

بيمينه

بيمينه يا من يرسل الرياح بشرا بين يدي رحمته ٥٨ يا من جعل الارض مهادا
يا من جعل الجبال اوتادا يا من جعل الشمس سراجا يا من جعل القمر نورا يا من جعل الليل
لباسا يا من جعل النهار معاشا يا من جعل النوم سباتا يا من جعل السماء بناء يا من
جعل الاشياء ازواجا يا من جعل النار مرصادا ٥٩ اللهم اني اسئلك باسمك
يا سميع يا شفيع يا رفيع يا منيع يا سريع يا بديع يا كبير يا قدير يا خبير يا مجير ٦٠
يا حيا قبل كل حي يا حي الذي لا يحتاج الى حي يا حي الذي ليس كمثله حي
يا حي الذي لا يشاركه حي يا حي الذي لا يميت كل حي يا حي الذي يرزق كل حي
يا حيا لم يرث الحيوة من حي يا حي الذي يحيي الموتى يا حي يا قيوم لا تاخذه
سنة ولا نوم ٦١ يا من له ذكر لا ينسى يا من له نور لا يطفى يا من له
نعم لا تعد يا من له ملك لا يزول يا من له ثناء لا يحصى يا من له جلال لا
يكيف يا من له كمال لا يدرك ولا يرد يا من له صفات لا تبدل يا من له
نعوت لا تغير ٦٢ يا رب العالمين يا مالك يوم الدين يا غاية الطالبين
يا ظهر اللاجين يا مدرك الهاربين يا من يحب الصابرين يا من يحب التوابين
يا من يحب المتطهرين يا من يحب المحسنين يا من هو اعلم بالمهتدين ٦٣

يا نعم الحبيب يا نعم الكفيل يا نعم الوكيل يا نعم المولى و يا نعم النصير ٦٤ يا سرور العارفين
يا منى المحبين يا انيس المريدين يا حبيب التوابين يا رازق المقلين يا رجاء المذنبين
يا قرة عين العابدين يا منفس عن المكروبين يا مفرج عن المغمومين يا اله الاولين والآخرين
٦٥ اللهم اني اسئلك باسمك يا ربنا يا الهنا يا سيدنا يا مولينا يا ناصرنا يا
حافظنا يا دليلنا يا معيننا يا حبيبنا يا طبيبنا ٦٦ يا رب النبيين والابرار
يا رب الصديقين والاخيار يا رب الجنة والنار يا رب الصغار والكبار يا رب الحبوب
والثمار يا رب الانهار والاشجار يا رب الصحارى والقفار يا رب البراري والبحار
يا رب الليل والنهار يا رب الاعلان والاسرار ٦٧ يا من نفذ في كل شيء امره يا من
لحق بكل شيء علمه يا من بلغت الى كل شيء قدرته يا من لا يحصي العباد نعمه
يا من لا تبلغ الخلائق شكره يا من لا تدرك الافهام جلاله يا من لا تنال الاوهام
كنهه يا من العظمة والكبرياء رداؤه يا من لا ترد العباد قضاءه يا من لا ملك الا
ملكه يا من لا عطاء الا عطاؤه ٦٨ يا من له المثل الاعلى يا من له الصفات
العليا يا من له الآخرة والاولى يا من له الجنة المأوى يا من له الآيات الكبرى
يا من له الاسماء الحسنى يا من له الحكم والقضاء يا من له الهواء والفضاء يا من له العرش

والثرى

يا محيط

اللهم اني اسئلك باسمك يا شفيق يا رفيق يا حفيظ يا مغيث يا مقيت يا معز يا مذل يا مبدئ
يا معيد ٧٠٤ يا من هو احد بلا ضد يا من هو فرد بلا ند يا من هو صمد بلا عيب يا من
هو وتر بلا كيف يا من هو قاض بلا حيف يا من هو رب بلا وزير يا من هو عزيز بلا ذل
يا من هو غني بلا فقر يا من هو ملك بلا عزل يا من هو موصوف بلا شبيه ٧٠٥
يا من ذكره شرف للذاكرين يا من شكره فوز للشاكرين يا من حمده عز للحامدين
يا من طاعته نجاة للمطيعين يا من بابه مفتوح للطالبين يا من سبيله واضح
للمنيبين يا من آياته برهان للناظرين يا من كتابه تذكرة للمتقين يا من
رزقه عموم للطائعين والعاصين يا من رحمته قريب من المحسنين ٧٠٦
يا من تبارك اسمه يا من تعالى جده يا من لا اله غيره يا من جل ثناؤه يا
من تقدست اسماؤه يا من يدوم بقاؤه يا من العظمة بهاؤه يا من الكبرياء
رداؤه يا من لا تحصى آلاؤه يا من لا تعد نعماؤه ٧٠٧ اللهم اني اسئلك
باسمك يا معين يا امين يا مبين يا متين يا مكين يا رشيد يا حميد يا مجيد يا
شديد يا شهيد ٧٠٨ يا ذا العرش المجيد يا ذا القول السديد يا ذا الفعل الرشيد
يا ذا البطش الشديد يا ذا الوعد والوعيد يا من هو الولي الحميد يا من هو فعال لما يريد

يا من هو قريب غير بعيد يا من هو على كل شيء شهيد يا من هو ليس بظلام للعبيد
٧٠٩ يا ذا الجود والنعم يا ذا الفضل والكرم يا خالق اللوح والقلم يا بارئ الذر
والنسم يا ذا البأس والنقم يا ملهم العرب والعجم يا كاشف الضر والالم
يا عالم السر والهمم يا رب البيت والحرم يا من خلق الاشياء من العدم
٨٠ يا من انعم بطوله يا من اكرم بجوده يا من جاد بلطفه يا من
تعزز بقدرته يا من قدر بحكمته يا من حكم بتدبيره يا من دبر بعلمه
يا من تجاوز بحلمه يا من دنى في علوه يا من علا في دنوه ٨٠١
اللهم اني اسئلك باسمك يا فاعل يا جاعل يا قابل يا كامل يا فاصل يا واصل يا عادل
يا غالب يا طالب يا واهب ٨٠٢ يا من يخلق ما يشاء يا من يفعل ما يشاء
يا من يهدي من يشاء يا من يضل من يشاء يا من يعذب من يشاء يا من يغفر لمن
يشاء يا من يعز من يشاء يا من يذل من يشاء يا من يصور في الارحام ما يشاء
يا من يختص برحمته من يشاء ٨٠٣ يا من لم يتخذ صاحبة ولا ولدا يا من
جعل الملائكة رسلا يا من جعل لكل شيء قدرا يا من لا يشرك في حكمه
احدا يا من جعل في السماء بروجا يا من جعل الارض قرارا يا من خلق من الماء

بشرا يا من جعل لكل شيء قدرا يا من جعل لكل شيء امدا يا من احصى كل شيء عددا
يا من احاط بكل شيء علما ٨٠٥ اللهم اني اسئلك باسمك يا اول يا آخر يا ظاهر
يا باطن يا بر يا حق يا فرد يا وتر يا صمد يا سرمد ٨٠٦ يا خير معروف عرف
يا افضل معبود عبد يا اجل مشكور شكر يا اعز مذكور ذكر يا اعلى محمود حمد
يا اقدم موجود طلب يا ارفع موصوف وصف يا اكبر مقصود قصد يا اكرم
مسؤول سئل يا اشرف محبوب علم ٨٠٧ يا حبيب الباكين يا سيد المتو
كلين يا هادي المضلين يا ولي المؤمنين يا انيس الذاكرين يا مفزع الملهو
فين يا منجي الصادقين يا اقدر القادرين يا اعلم العالمين يا اله الخلق اجمعين ٨٠٨
يا من علا فقهر يا من ملك فقدر يا من بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من
عصي فغفر يا من لا تحويه فكر يا من لا يدركه بصر يا من لا يخفى عليه اثر
يا رازق البشر يا مقدر كل قدر ٨٠٩ اللهم اني اسئلك باسمك يا حافظ يا
بارئ يا ذارئ يا باذخ يا فارج يا فاتح يا كاشف يا ضامن يا آمر يا ناهي
يا من لا يعلم الغيب الا هو يا من لا يصرف السوء الا هو يا من لا يخلق الخلق
الا هو يا من لا يغفر الذنب الا هو يا من لا يتم النعمة الا هو يا من

لا يقلب القلوب الا هو يا من لا يدبر الامر الا هو يا من لا ينزل الغيث
الا هو يا من لا يبسط الرزق الا هو يا من لا يحيي الموتى الا هو ٩١
يا معين الضعفاء يا حبيب الغرباء يا ناصر الاولياء يا قاهر الاعداء يا رافع
السماء يا انيس الاصفياء يا حبيب الاتقياء يا كنز الفقراء يا اله الاغنياء
يا اكرم الكرماء ٩٠٢ يا كافي من كل شيء يا قائم على كل شيء يا من لا يشبهه
شيء يا من لا يزيد في ملكه شيء يا من لا يخفى عليه شيء يا من لا ينقص
من خزائنه شيء يا من ليس كمثله شيء يا من لا يعزب عن علمه شيء
يا من هو خبير بكل شيء يا من وسعت كل شيء ٩٠٣ اللهم اني اسئلك
باسمك يا مكرم يا مطعم يا منعم يا معطي يا مغني يا مقني يا محيي يا مرضي يا
منجي ٩٠٤ يا اول كل شيء وآخره يا اله كل شيء ومليكه يا رب كل شيء
وصانعه يا بارئ كل شيء وخالقه يا قابض كل شيء وباسطه يا مبدئ كل شيء ومعيده يا منشئ
كل شيء ومقدره يا مكون كل شيء ومحوله يا محيي كل شيء ومميته يا خالق
كل شيء ووارثه ٩٠٥ يا خير ذاكر ومذكور يا خير شاكر ومشكور
يا خير حامد ومحمود يا خير شاهد ومشهود يا خير داع ومدعو يا خير مجيب

وَمُجَابٍ يَا خَيْرَ مَوْلًى وَأَنِيسٍ يَا خَيْرَ صَاحِبٍ وَجَلِيسٍ يَا خَيْرَ مَقْصُودٍ وَمَطْلُوبٍ
يَا خَيْرَ حَبِيبٍ وَمَحْبُوبٍ ٩٠٦ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ دَعَاهُ مُجِيبٌ يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ
أَطَاعَهُ حَبِيبٌ يَا مَنْ هُوَ إِلَى مَنْ أَحَبَّهُ قَرِيبٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنِ اسْتَحْفَظَهُ رَقِيبٌ
يَا مَنْ هُوَ لِمَنْ رَجَاهُ كَرِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ عَصَاهُ حَلِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي عَظَمَتِهِ رَحِيمٌ
يَا مَنْ هُوَ فِي حِكْمَتِهِ عَظِيمٌ يَا مَنْ هُوَ فِي إِحْسَانِهِ قَدِيمٌ يَا مَنْ هُوَ بِمَنْ أَرَادَهُ
عَلِيمٌ ٩٠٧ اللّٰهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ يَا مُسَبِّبُ يَا مُرَغِّبُ يَا مُقَلِّبُ
يَا مُعَقِّبُ يَا مُرَتِّبُ يَا مُخَوِّفُ يَا مُحَذِّرُ يَا مُذَكِّرُ يَا مُسَخِّرُ يَا مُغَيِّرُ ٩٠٨
يَا مَنْ عِلْمُهُ سَابِقٌ يَا مَنْ وَعْدُهُ صَادِقٌ يَا مَنْ لُطْفُهُ ظَاهِرٌ يَا مَنْ أَمْرُهُ
غَالِبٌ يَا مَنْ كِتَابُهُ مُحْكَمٌ يَا مَنْ قَضَاؤُهُ كَائِنٌ يَا مَنْ قُرْآنُهُ مَجِيدٌ يَا مَنْ
مُلْكُهُ قَدِيرٌ يَا مَنْ فَضْلُهُ عَمِيمٌ يَا مَنْ عَرْشُهُ عَظِيمٌ ٩٠٩ يَا مَنْ لَا
يَشْغَلُهُ سَمْعٌ عَنْ سَمْعٍ يَا مَنْ لَا يَمْنَعُهُ فِعْلٌ عَنْ فِعْلٍ يَا مَنْ لَا يُلْهِيهِ قَوْلٌ
عَنْ قَوْلٍ يَا مَنْ لَا يُغَلِّطُهُ سُؤَالٌ عَنْ سُؤَالٍ يَا مَنْ لَا يَحْجُبُهُ شَيْءٌ
عَنْ شَيْءٍ يَا مَنْ لَا يُبْرِمُهُ إِلْحَاحُ الْمُلِحِّينَ يَا مَنْ هُوَ غَايَةُ مُرَادِ الْمُرِيدِينَ
يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى هِمَمِ الْعَارِفِينَ يَا مَنْ هُوَ مُنْتَهَى طَلَبِ الطَّالِبِينَ

يَا مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ ذَرَّةٌ فِي الْعَالَمِينَ ٩١٠ يَا حَلِيمًا لَا يَعْجَلُ يَا جَوَادًا لَا يَبْخَلُ
يَا صَادِقًا لَا يُخْلِفُ يَا وَهَّابًا لَا يَمَلُّ يَا قَاهِرًا لَا يُغْلَبُ يَا عَظِيمًا لَا يُوصَفُ
يَا عَدْلًا لَا يَحِيفُ يَا غَنِيًّا لَا يَفْتَقِرُ يَا كَبِيرًا لَا يَصْغُرُ يَا حَافِظًا لَا يَغْفُلُ
سُبْحَانَكَ يَا لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ خَلِّصْنَا مِنَ النَّارِ يَا رَبِّ
يَا مُجِيرُ وَخَلِّصْ أَبِي وَأُمِّي وَآبَائِي وَأُمَّهَاتِي وَأَوْلَادِي وَأَجْدَادِي وَجَدَّاتِي وَأَعْمَامِي وَعَمَّاتِي
روایتست از عبد الله عباس که حضرت رسالت
صلی الله علیه وآله روزی بمسجد درآمد و گفت شبی که مرا بمعراج بردند چون از هفت آسمان
و از هفتاد حجاب گذشتم قدحی دیدم در هوا معلق ایستاده و خطی از نور بر گرد آن نوشته
و نور آن قدح جمله آسمانها را گرفته چون بعرش رسیدم حمد و ثنای حضرت عزت عز شانه بجای آوردم
ندا آمد که یا محمد از غرایبها که دیدی کدام ترا خوشتر آمد گفتم بار خدایا قدح حضرت بار عز شانه
یا محمد شرح قدح ... که از قدرت آفریده ام پنجاه هزار سال قبل از آنکه آسمان و زمین را بیافریدم
یا محمد آن نور ... در دریا قرار نیافت و آب روان نشد و در دعای ...
بجبرائیل علیه السلام رسیدم و شرح دعای قدح را از وی سوال کردم فرمود که یا محمد شرح دعای این دعا
... از آن روز باز منتظر بودم امروز جبرئیل ... آمد و گفت
حضرت بار ... ترا ... دعای قدح یا شرح آوردم یا محمد اگر ...

چون موم شود و اگر بر آتش خوانند سرد شود و اگر بر بیمار خوانند شفا یابد یا محمد آدم صفوت الله ...
ظلمنا انفسنا گفت تا دعا و قدح را شفیع نیاورد دعاء او مستجاب نشد یا محمد حضرت بار عز شانه میفرماید
من شرم دارم بنده را که این دعا بخواند یا با خود دارد که در روز قیامت او را عذاب کنم یا محمد اگر کسی را فرزند نشود
این دعا پیش خود ... و بگوید بار خدایا بحرمت این دعا مرا فرزندی کرامت فرمای حضرت خدای عز و جل
او را فرزندی ... کرامت ... و اگر در دنیا آفتی پیدا شود چون این دعا و قدح را شفیع آورد از آن
آفات او محفوظ ماند اگر کسی آفت دیو و پری ... این دعا را ... نوشته دارد از شر ایشان
در امان باشد و هر که در عمر خود یکبار این دعا را بخواند بهشت ... روز قیامت سر از گور بر آرد
روی او چون ماه شب چهارده چنانکه خلق عرصات گویند که کدام پیغمبرست ندا آید که این پیغمبر نیست بنده ایست
که در دنیا یکبار قدح را خوانده است از آنجهت بسعادت مشرف شده یا محمد اگر این دعا با آب ... خوانند و ...
کنند جمیع دردها را دوا باشد و از درد سینه و شکم و پشت و پهلو و دست و پا و گوش و دندان و چشم
و غیر آن ... آب را بر آن موضع مالند صحت یابد یا محمد این دعا بغایت بزرگ ...
قدر ... این دعا عاشقان و طالبان ... ترسایان ... مومن و هر که شک آرد کافر
خدا ... حرمت ... این دعا قدح ... این ...
... المؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات ... از خواب این دعا قدح ...

ظاهر باشد حواس ظاهره معطل ماند و خواب عبارت از آنست و سبب عدم توجه و تردد او بظاهر
یا از قلت او بود که بواسطه کثرت افعال متحلل شده باشد و طبیعت از برای اصلاح ...
مشغول گشته یا از برای انسداد او مجاری او چنانکه طعام یا شراب خورده باشد حاصل شود
زیرا که چون بخارات آن از معده بدماغ صعود کند و باعضاء فرو آید آن مجاری پر کرده و مجال
و تردد نماند و سبب دیدن چیزها در خواب بواسطه آن بود که نفس بواسطه تعطیل حواس ظاهر
... معطل شود و بعضی از غیبات مطلع گردد و چون مدرک نفس صورت جزوی نتواند
بود بلکه معنی کلی باشد متخیله از برای حکایت آن معنی کلی صورتی ترکیب کند و آن صورت چون در حس
مشترک منطبع شود برای نه مشاهده گردد یا نه اگر صورتی کند و خیال آن در حس مشترک محفوظ بود
... در بیداری بواسطه اشتغال بر ظاهر شود یا بواسطه آنکه قوت متخیله بسبب اشتیاق او
بچیزی از تألم او بخواب چیزی در وقت بیداری ترکیب صورتی کرده باشد و بحافظه سپرده باشد
و بوجود در بیداری بنا بر اشتغال حس مشترک ظهور آن صورت او را میسر نشده بوقت خواب بروز ظاهر
کرده یا بواسطه آنکه مزاج متغیر شده باشد چه بسبب آن تغیر افعال متخیله بگردد چنانکه اگر حرارت
مستولی شده باشد آتش بیند و اگر برودت مستولی شده باشد برف و سرما و اگر رطوبت مستولی شده باشد
باران و سیل و دریا و اگر یبوست مستولی شده باشد کوه و سنگ و هوا پریدن نماید و از این اقسام

قسم اول اعتباری ندارد و مستدرک قسم دیگر از قبیل اضغاث احلام اند و قسم اول بر دو قسم شود یکی صریح بتاویل
احتیاج ندارد و این از آثار رحمت الهی بود که بوقت فروماندگی بنده را بدان هدایت کنند جالینوس در کتاب
آورده که مرا در میان دو کتف ورمی پدید آمد بهر علاجی که دانستم کردم هیچ سود نداشتم چون امید صحت نماند
در شب بخواب دیدم که شخصی پیش من آمد گفت رگی که در میان خنصر و بنصر است از دست چپ بگشاید و بگذار
تا چندان خون از وی برود که شفا یابی چون روز شد فصاد را طلب کردم و آن رگ را بگشودم و آن مقدار که
گفته بود بگرفتم شفا حاصل شد و هم در کتاب ... آورده که شخصی را زبان بزرگ شده بود چنانکه
در دهان نمی گنجید و هر علاجی که اطبا کردند سود نداشت بخواب دید که شخصی او را گفت آب برگ خس
مضمضه کن بیچاره او شفا یافت و سبب آنکه صریح نباشد و بتاویل احتیاج دارد و خوابهای انبیا و اولیا
بیشتر ازین دو قسم باشد و ازینجاست که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود که رؤیا المؤمن جزء من ست و اربعین جزء
من النبوت و سر نبوت بچهل و شش جزو کردن رؤیا ... را یک جزو ازان نهاد آنست که مدت پیغمبر
و آله بعثت بیست و سه سال بود و ازانجمله مدت شش ماه ابتدا رؤیا معلوم میکرد و بعثت دو سال و نیم بطریق
وحی بود پس بعثت دو سال و نیم را قسمت کنند چهل و شش جزو شود و در بعضی تعابیر آورده اند که شرایط
صحت رؤیا آنست که مزاج بیننده متغیر نباشد و با طهارت بخسپد بپهلوی راست بخسپد بوقت
سوره والشمس و اللیل و التین و قل یا ایها الکافرون و سوره اخلاص و معوذتین نیز بخواند و بگوید

اللهم انی

اللهم انی اعوذ بک من شر الاحلام و استجیر بک من ملاعب الشیطان فی الیقظة
و المنام و باید که راست گو باشد و هر چه گوید سنجیده و پسندیده گوید چه اگر گوید و بسیار دروغ
در عبارت آورد خواب او را اعتباری نبود و ازینجاست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرموده اند
اصدقکم حدیثا اصدقکم رؤیا و ازینجاست که خواب جماعت شعرا و خواب ... را اعتباری نباشد و خواب
در اول بهار و بوقت رسیدن میوه ها درست باشد اگرچه زودتر پدید آید و حکمت در آنکه خواب نیک اثر ش
دیرتر ظاهر میشود و خواب بد زودتر آنست که حق تعالی از کمال عنایت که به بنده دارد نخواهد که ...
در رنج انتظار بماند و باید که خواب با معبر دانا و نیکخواه گوید چه رسول صلی الله علیه و آله فرمود که لا تقصص الرؤیا
کما اسرت الیک و اگر در اول روز گوید بهتر باشد و در خواب هیچ زیاده و نقصان نکند چه رسول صلی الله
علیه و آله فرموده من کذب فی الرؤیا کلف یوم القیمة عقد شعیرة و باید کسی گوید که عاقل و مشفق
و نیکخواه او باشد چه تعبیر او قوت و در خبر است زنی بخدمت حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله
آمده گفت یا رسول الله بخواب دیدم که ... زاده ام و ستون خانه ام شکست رسول صلی الله علیه
و آله فرمود که ترا پسر شود و شوهرت از سفر بسلامت باز آید و همچنان واقع شد که آنحضرت فرموده بود
بار دیگر آن زن همان خواب را دید و باز آمد بخدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله را در خانه نیافت در حجره رسول صلی الله
یکی از زنان او پرسید آن زن گفت ترا دختر شود و شوهرت بمیرد و چون رسول صلی الله علیه و آله ...

از و سوال کرد آن زن رسول صلی الله فرمود از دیگری پرسیدی گفت یا رسول الله بلی گفت تعبیر همان باشد و باید که چون کسی
خواب بیند طغیانیا ورد و دو شکر و خیرات فرماید اگر خواب بد دیده باشد چون از خواب در آید بگوید اعوذ بالله من
الشیطان الرجیم و آیت الکرسی بخواند و بگوید اللهم انی اعوذ بک الوذ و الیک افر و علیک
اتوکل فاصرف عنی شر ما رایت و قنی شر ما قضیت یا دافع البلاء و دافع القضاء و
شامل العطاء و اظهار نکند و با کس نگوید و صدقه بدهد و در دعا و عبادت کوشد تا حق تعالی بلا را دفع
کند و معبر باید که عالم و عاقل و پرهیزکار و راست گو باشد و افشاء سر نکند و پیوسته از خدای تعالی هدایت
طلبد تا از اسرار غیب خبر دهد بر منهاج حق و سخن و صواب و چون بیننده خواب بر وی عرضه کند بگوید
خیر لنا و شر لاعدائنا و نام او پرسد چه بسیار خواب آن باشد که بنام تعبیر باید کرد همچو محمد و محمود
و احمد و سعد و سعید و سالم و مانند آن و صنعت او هم پرسد تا تعبیر بقدر همت و منزلت و پیشه
و اندیشه او کند و حال او کند و باز پرسد که خواب در روز دیده یا در شب چه اگر بروز دیده باشد
روزا اثر آن زود پیدا شود و احوال مزاج و غذا و هوا و مسکن و جای خواب او بالین همه سوال کند و عادت
قدما عرب چنان بود که چون کسی خواب دیدی و برایشان عرضه کردی چهره در نظر ایشان داشت آن جان آشنای
از بهایم و طیور و امتعه آن ... اگر قصد اندیشه تعبیر ... کفتندی اگر کسی بیند که نور حق
جل ... را در دین و دنیا نیکو شود و در ... از فیض کبریای خواب دیده باشد عدل و انصاف ...

نعمت پدید آید

نعمت پدید آید و اگر بیند که حق تعالی با و خطاب میکند شادی باو رسد و اگر عتاب باشد بسلامت و خوشی بو
رسد و اگر بیند که با حق تعالی مناجات میکند نام او در دین و دنیا بزرگ شود و پیش ملوک کرمی شود اگر بیند که حق تعالی
بر او خشم گرفته و از وی اعراض کرده او را از گناه توبه کند و رضای پدر و مادر باید جست اگر بیند فرشتگان
مقرب را مثل همچو جبرئیل و میکائیل و اسرافیل اگر ایشان را در نیکوی و شادی بیند در دین و دنیا شرف و عزت یابد
و در علم و حقیقت بروی گشاده شود و از آفات ایمن شود اگر بیمار بود شفا یابد اگر ترس و غمی داشته باشد
نجات یابد اگر بیند که با یکی از ایشان خصومت میکند خصوصا با میکائیل و عزرائیل اجل او نزدیک باشد
توبه باید کرد و بحق رجوع کند و حکم عامه فرشتگان هم بدین قیاس بود اگر بیند با فرشتگان
در دنیا شرافت و کرامت یابد و عاقبت شهادت یابد و اگر شهری یا محله بیند که فرشتگان بسیار جمع شده اند
یا عابدی و یا کسی را بظلم هلاک کند اگر فرشتگان بصورت زنان بیند در دین مسلمانان دروغی گوید و اگر
بیند که فرشتگان در جواب او در می آیند خانه از دزدان باید داشت و اگر زنان بیند دیگران
بیند از غنا با اهل شر اجتناب باید کرد اگر انبیا و اولیا بخواب بیند تعبیر آنست که اگر او را
در حالتی نیکو بیند و با جمال و شکل پسندیده بیند دلیل کند که بر نیکوی حال بیننده ...
یا ... شرف و جاه و اگر ترش روی و حال خشم بیند برخلاف این باشد و معلوم باید کرد که حال
آن نبی و ولی ... همه ... از ایشان ... دنیا ...

و بر خصمان ظفر یابد و اگر حضرت مصطفی را در خواب بیند در لباس و جمال نیکو اگر در حقی بخیر مشتغل
شود اگر درویش باشد توانگر شود و در آن زمین فراخی نعمت پدید آید و حج کند و اگر حضرت علی را ... بیند
دوازده تن را در دین منفعتی پدید آید و دیدار او فی الجمله دلیل رحمت باشد دیدن صحابه و اولیا و بزرگان
دین دلیل خیر و برکت باشد و راه یافتن در دین شریعت اگر مرده را زنده بیند در سوم از آن پادشاه
ملک پدید آید و اگر در پادشاه افزونی بیند ولایت و ملک او زیاده شود و نقصان او زیاده ...
اگر بیند پادشاهی در خوانی نشسته چیزی میخورد و آن خوان از پیش او برداشتند دلیل زوال ملک
بود و اگر کسی خود را پادشاه بیند و اهل آن نباشد اگر بیمار بود اجل نزدیک باشد اگر بیمار نباشد
از خویش و پیوند جدا ماند و اگر بیند خود را پادشاه را بنده کی آزاد شود اگر پیری در خواب بیند
که حکم فرشته دارد اگر کسی دیو بیند دشمن و مکار بود اگر بیند که شیطان او را فریفت
از مال و یا از ولایت جدا ماند اگر بیند که شیطان را قهر کرد بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که در بهشت
میوهها او میخورد ... علم شود و از علم برخورداری یابد در دنیا و آخرت مکرم شود
اگر بیند دوزخ است اگر ... باشد از جمله معاصی باز ایستد و اگر از متصرفان دنیا باشد سفر کند
اگر بیند که اندر دوزخ بیرون آمده است دلیل بیداری و بر چیزی کاری بود یا باز ایستد اگر بیند که
در ... رنج و مشقت دنیا باشد اگر قیامت بیند دلیل عدل پادشاه بود در آن ولایت

و تعبیر مقالات او نیز از نفخ صور و غیر آن ... اگر بیند که او را بی تشدید ... دلیل
باشد مقصود بود از دنیا که در آن تشدید کنند و در غرور توقف مراد باشد دیدن کودک خورد
معروف بیند دلیل بشارت است اگر بیند که کودک او را بزرگ ... ساز کار ...
بزرگ شود اما کودک کوچک مجهول اندیشه و غم و دشمن ضعیف باشد اگر مرد بزرگ را کودکی
بیند که بحد بلوغ نارسیده کاری کند که موجب ملامت بود و گفتهاند اگر درویش بیند نعمت رسد
و راحت رسد و اگر توانگر بیند بر او مال مسلط شود اگر مخنثی خوب بیند که از مادر ...
می آید از گناه توبه اگر دختر بیند نعمت و راحت در حصن بود اگر کودک بالغ بیند نیکوی حال
جاه و مال بود اگر غلام بیند رنج و اندیشه و اگر بیند که کنیزک خرید مقصود رسد
اگر غلام نابالغ بیند که بالغ شد از شهوت آزادی یابد اگر بیند جوانی مجهول دشمن باشد دیدن جوان
با جمال نعمت و شادی دیدن زن بکر تجارتی سودمند یا بر صنایع عتق رسد دیدن مرد پیر دوست
و شفیق اگر جوانی بیند که در خواب پیر شد حرمت و علم و ادب باشد که زیاده شود و عاقبت محمود باشد
دیدن پیر خود را جوان و با طراوت و جمال بسیار خوب بیند سعادت و مهتری یابد و عیش تازه گردد
دیدن مرد لشکری که موی او سفید شد مخدوم او متغیر گردد دیدن برنا از مرد خطر بود
اگر جامه فروشد ... خصومتی کند دیدن ... شناسنده کارهای نیکو بود

دیدن صیاد مردی باشد که روزی بمکر و حیله جست دیدن مرد مجهول با قوت باشد دیدن قصاب مجهول
ملک الموت باشد دیدن دلال راه نماینده باشد در کارها و همچنین بهر صنعت دیدن سر آدمی
رئیس و مقدم و مخدوم شود دیدن سر از تن جدا شده از مخدوم باز ماند اگر بیند که سر او بزرگ شد
بزرگی و جاه یابد و اگر بیند که کوچک شد از مرتبه بیفتد اگر بیند که سر خود مثل سر بهایم و سباع و طیور است
از آن نوع حیوانات کند در قوت و ضعف و تردد و طیران مانند آن اگر بیند که مردم پیش او روند مهتر آن ...
بود و تقرب جویند اگر بیند که از آن سر میخورد منفعت یابد و اگر توانگر باشد خویشی با او خصمی کند
دیدن موی سر اگر بر اندازه بود که او را از زیب زینت گیرد اگر دراز بود اندیشه و غم بود دیدن
افزونی همه موی جوانان و زنان و لشکریان را دلیل افزونی مال و درازی عمر بود و دیگران را اندیشه و تردد خاطر
اگر بیند که بعضی از موی میریزد ... عیبی ظاهر شود و اگر وام دارد ... اگر رنجی و غمی باشد فرج یابد
... موی سیاه سفید بیند دلیل فرزند مقبل باشد و اگر زن باشد شاید از شوهر اندیشه و رنج بیند
... اگر بیند که موی او میتراشند امانتی بگذارد اگر درویشی بود از قرض خلاص شود اگر بیند
... خویش میتراشد پرده او دریده شود و از مخدوم جدا ماند و اگر ماههای حرام بیند که ... او بود
اگر ... موی ... پراکنده ... مال بود و حاکم را پراکنده شدن ...
... و کسی که موی ... بود ... اگر زنی بیند که موی خود ...

اگر شوهرش غایب باشد باز آید و اگر شوهر ندارد شوهر کند اگر زن بیند موی میتراشد اگر شوهر داشته باشد او را طلاق
... و اگر تراشد شوهر او ... شوهرش باشد اگر کسی موی ... خود را بریده بیند ...
... دیدن وحده مرد درازی باشد و زن را جمال مال دیدن گردن امانت و دین باشد و زیاده و نقصان وی
نقصان و زیاده در مال و امانت باشد و اگر طوق در گردن بیند که زینت باشد حقی در گردن او باشد اگر روی
یا پیشانی یا ابرو کسی را بزرگ بیند دلیل جاه و منزلت باشد اگر زشت و نقص بیند بخلاف این اگر در روی
غبار بیند دلیل ... بود اگر بیند که چشمی در دست دارد و مال نقد یابد و تاریک چشم دلیل ... بود
در دین و دنیا یا بیمار ... فرزند و محبوب ... روشن را نابینای در خواب خلاصی بود ... دیدن کسی عزم
سفر کرده ... خود را نابینا بیند آن ترک کند که باز نیاید اگر کسی خویش را یک چشم یا زیاده بیند اگر در سفر باشد راه گم کند
و اگر مقیم باشد در حفظ مال بیش احتیاط کند و اگر مکری اندیشد کسی بر آن اطلاع یابد اگر سرمه در چشم کشد در
در دین کوشد و در چشم مردم عزیز گردد و اگر کسی در دست سرمه بیند مال یابد دیدن پلک چشم و مژه اگر ... بود
دین و مال و فرزند و معتمد باشد و اگر ... بیند ... اگر بیند که بینی او زیاده شد ...
مال جاه و فرزند باشد نقصان بخلاف اگر بوی خوش شنود امید از فرزندی دارد فرزند یابد اگر ...
شنود خبر ناخوش شنود اگر کسی را دو بینی بیند میان او و فرزندان اختلاف افتد دیدن ... کلید کار ...
گشاده شدن ... اگر کسی بیند چیزی بدهان ... دور ... یابد اگر بیند ...

چیز نیک باشد بگفتن نیکی و صلاح و رشد شود و اگر بد باشد بخلاف دیدن لبها دوست و معتمد و زن و فرزند و خویش نزدیک باشد
و صلاح و فساد آن بدین جمله بازگردد دیدن زبان ترجمان دولت و تدبیرکننده صلاح و فساد دیدن [illegible] سخن
بسیار گوید کار او بزرگ شود اگر کسی زبان خویش دراز بیند سخن بسیار گوید و اگر زبان فراخ و بسته بیند زبانش از کار
افتاده دلیل آفت و رنج بود اگر بیند که بر زبان موی بر آمده همچنین اگر بیند که عضو دیگر سخن میگوید آن
سخن کسی باشد که بدان عضو منسوب است اگر بیند که مار از زه فرو آمده باشد چنانکه حلق فرو میگیرد دلیل رنج
یا قرب اجل بود دیدن دندان دلیل اهل بیت بیننده و چهار دندان پیشین دو زبر و دو زیر که آنرا
ثنایا خوانند فرزندان و برادران و خواهران باشند و رباعیات که پیوسته اند بثنایا عم و خال و ابنا ایشان باشند
و رباعیات مهتران قبیله و طواحین که بدان طعام نمایند بالا خویشان پدر و پایین خویشان مادری و بعضی گفته اند که
جانب راست خویشان پدر و جانب چپ خویشان مادر اگر بیننده اهلیت نباشد مردم کهتران و مشفقان و نزدیکان
بدین منزلت باشند و تواند و غایب شدن آنکس که شد و افتادن بدرد و رنج اما اگر کسی بیند که دندانها از او [illegible]
بدست آورده فرزندش شده یا برادری یا مالی و منفعتی و هر خللی که در دندانها بیند خلل باشد در آنکه بدان
منسوب است و اگر بیند که جمله دندانها او که بیفتاد دلیل درازی عمر او باشد اگر بیند که دندان او زرد است
دلیل بیماری و گفتگوی بود اگر بیند که از نقره است یا از زیر یا ماننده آن دلیل مضرت و زیان مال
بود اگر از چوب و آبگینه و موم باشد دلیل وفات [illegible] [illegible]

گوش زن دلیل جلالت دختر شوهر برد یا زن را طلاق دهد اگر گوش باکسی میکند خبر ناخوش شنود و اگر خویشتن را کر
بیند نقصان علم و دین بود اگر بیند که مورچه بگوش او میرود دلیل مرگ بود اگر بیند که گوش او چون گوش
بهایم است و سباع است خبر غریب شنود بر وفق طبع آن حیوان دیدن زنخ مهتر قبیله باشد که همگنان روی با او
کنند دیدن ریش عز و جاه و حرمت بود و هر زیاده و نقصان که در آن بیند باندازه آن گر از ناف بگذرد و زیاده در این
معانی چون از ناف بگذرد دوام و اندیشه شود و نقصان او نقصان جاه و مال بود الا اگر نقصانش نیم باشد که بیننده
از دوام و اندیشه فارغ شود و کنده ریش اسراف باشد در مال [illegible] اگر زن خویشتن را با ریش بیند اگر
شوهرش غایب باشد باز آید و اگر حاضر باشد غایب شود اگر بیوه باشد شوهر کند و اگر آبستن بود پسر زاید و اگر
زن را پسری بود مهتر قبیله شود و اگر کودک نابالغ ریش خود را دید اگر بیند پیش از بلوغ بمیرد و اگر بعد از بلوغ
بیند کدخدای شود و خضاب کردن اگر بچیزی بود که معهود باشد چون حنا و مانند آن نیکو باشد و اگر بچیزی نامعهود بود
همچو گل و گچ پوشیده یا مستتر نشود و سپید ریش جاه و حرمت و وقار بود و سیاه بیش سیاست و عزت و جمال بود و موی بسیار
بر تن توانگری و مال باشد و در تنگی زیادتی وام دیدن بازوی راست را برادر و فرزند و معتمد باشند
و چپ خواهر و زن دیدن ساعد دوست و شریک و خویش نزدیک باشد و ساعد برهنه اگر مرد بیند [illegible]
همچو خوار [illegible] که ساعد برهنه باشد دنیا بود چه در خبر آمده است که رسول علیه السلام شب معراج زنی را دید
برهنه [illegible] این کیست گفت این دنیاست دیدن دست برادر یا شریک

یاران باشد و درازی آن سعادت و درازی معاش بود و بریدگی و قطع آن دلیل معصیت بود و [illegible] از معصیت باز ایستد
یا سوگند [illegible] بخورد اگر بیند که دست او بسته است بیکار شود یا [illegible] و اگر خشک یا سست شده بیند
یاران او را فرو گذارند اگر بیند که دست او بسیار شده کارها نیکو کند اگر بیننده مصلح بود و اگر مفسد باشد
در فتنه افتد اگر بیند که دست او خضاب کرده است خونی کند و اگر هر دو دست را خضاب بیند در طلب معیشت رنج
و زنان نیک بود و نقش در دست مرد حیله و دشمن کامی بود و [illegible] دیدن فرزندان و برادران او و دوست و مشفق
باشد و اگر انگشتان در هم افکنده بود [illegible] از بلا و موافقت [illegible] انگشتان دست
پنج نماز نیز باشد ابهام نماز بامداد و سبابه نماز پیشین و همچنین بترتیب و کم شدن خدم نیز باشد و [illegible]
دلیل عطلت و بیکاری بود و زیادتی انگشت از معهود عوایق و موانع باشد دیدن ناخن اگر باندازه بیند
قوت باشد و اگر دراز یا قوی بود لیکن نه با فراط برخصمان حجت و قوت و ظفر یابد و افراط آن خلل کار
بود و اگر ناخن خود را چیده بود در سنت تقصیری کرده باشد و اگر ناخن شکسته بیند در طلب مقصود
خللی پدید آید دیدن سینه اگر فراخ بود و بیند تنگ دلیل بخل [illegible] دیدن پستان زن باشد و دختر
دیدن شکم مال و فرزند و قبیله و تهی شدن شکم [illegible] دلیل [illegible]
[illegible] در دین دیدن احشا مال مدفون و متاع خانه بود دیدن جگر [illegible]
باشد دیدن [illegible] متکا و معتمد بود دیدن [illegible] دیدن پهلوی [illegible] باشد [illegible]

کننده ها بود دیدن پشت کسی بود استظهار بدو باشد و چیزی که اعتماد بدان دارد دیدن ذکر شرف
مرد بود و افزونی که در آن باشد افزونی صفت و شرف او بود و نقصان بخلاف و اگر بیند که ذکر آن بسیار
شده فرزندانش بسیار شوند اگر ذکر خود بریده بیند یا فرزندی وفات رسد یا از عمل معزول شود
و اگر زنی بیند که او را ذکر است اگر آبستن باشد پسر باشد و آن پسر مهتری یابد اگر آبستن نباشد [illegible]
او بگیرد دیدن خصیه دختر باشد یا زیادتی قوت اگر خویشتن را [illegible] بیند از مردان
رنج یابد و فرج یابد از غم و اگر مردی بجای ذکر خود فرج بیند دو کار ضعیف کرده و اگر
با ذکر فرج بیند از همه غمها فرج یابد دیدن موی زهار چون اندک بیند مال حلال بود و
بسیار حرام [illegible] دیدن ران خویشان او باشد دیدن زانو اگر زانو قوی بیند زیادتی جهت
در طلب معیشت و اگر ضعیف بیند بخلاف دیدن ساق عمر و معیشت باشد هر چند آن قوی تر
بیند عمر دراز بود و اسباب معیشت بیشتر و ضعف بخلاف دیدن کعب فرزند مقام بود [illegible]
اگر کعب خود را افتاده و شکسته بیند در رنج و مصیبت افتد دیدن قدم زینت و مال
و معتمد او باشد در کارها دیدن انگشتان دختران و کنیزکان بود و غلامان دیدن [illegible] قدم [illegible]
دائم در اندیشه بود و بر ساق همچنین چون از اندازه بیرون باشد دیدن [illegible] فراهم
[illegible] کارهای حرام [illegible] مال حرام [illegible] معیشت [illegible]

دیدن خون مال حرام باشد اگر بیند که در خون مغلطه در میان خون افتد و اگر جامه خون بیند وبال گناه از
کجا دروغی بروی بندند اگر بیند که مال حرام میخورد خون کسی بپوشید از گناه باز ایستد دیدن
ریم همین حکم دارد و گوشت آدمی مال حرام باشد اگر بیند که گوشت کسی میخورد غیبت او کند دیدن
منی مال نقد باشد دیدن حیض اگر زنی خویشتن حایض بیند کم باشد گناهی اگر بیند که غسل کرد
از گناه پاک شود اگر زنی نومید شده باشد از حیض خود را حایض بیند فرزند باشد و شادی اگر مردی
خود را حایض بیند با محرمی زنا کند دیدن غایط مال باشد منسوب بحرام غایط کردن از غم خلاص شدن است
دیدن بر جامه غایط کند بر زن خشم گیرد و مراد او بدهد و اگر کسی بیند که در برابر مردم غایط میکند یا بول
… خشم خدا باشد و حدث جمله حیوانات مال باشد دیدن بول مال حرام باشد اگر بیند که بول میکند
اگر در رنج و غمی باشد راحت یابد و اگر وام دارد وام خود را اگر حاقن بیند غلبه شهوت بود گویند شخصی از ابن سیرین
بپرسید که در خواب دیدم زنی از خانه من در پیش من نشسته بود من جام شیر باو میدادم … جام
باستیدی بنهادی و در خواستی تا بول کند ابن سیرین گفت آن زن … و … صلاح میل
داده او را بشوهر ده تفحص کردند همچنان بود … حکم در خواب دید که در محراب بول کرد از سعید
… بپرسید که گفت فرزندان تو خلفا شوند پدر داده شیر … که سفیان بود دید که
دید بول کرد و بخاری از بول او برخاست که همه مکان و همه جهان را بپوشانید … برفت

بپرسید که

و بپرسید که بابک گفت از من قبول کن که اگر ترا فرزندی شود نسبت بمن کند تا تعبیر کنم قبول کرد گفت
ترا شود که پادشاه جهان شود از دو شیر بابک در وجود آمده همه جهان بگرفت اگر کسی خواب بیند در جای بول
خون می آید فرزند او در شکم مادر هلاک شود اگر بیند که بقصد بادی از وی جدا شد از اندیشه و غم برون
آید و اگر بقصد باشد سخنی بر زبان او رود و بیکاری کند که از آن خجل ماند اگر آن آواز از وی … زیاده
باشد اندیشه بود اگر بیند که قی میکند از گناه توبه کند یا از کاری کرده پشیمان شود هر چه قی
تعبیرش آنچه بود ولادت و مال باشد اگر بیند که خیو تف بر سر کسی انداز در آنکس را جفا کند
اگر بیند که لعاب از دهن او میرود مال بسیار بدست آورد و ضایع کند اگر بیند که گوش پاک میکند اخبار
خوش بشنود اگر بیند که از بینی خون میرود مال حرام یابد اگر پادشاه بیند از گناه باز ایستد دیدن
عطسه بحقیقت در نسق کاری باشد که در آن بشک دیدن مرفه شکایت بود دیدن اشک با گریه
شادی بود و با خنده غم دیدن اشک سرخ بود کاری نیک بود و اگر گرم بود بخلاف دیدن عرق اگر بوی
ناخوش دارد سخن ناخوش شنود اگر بیند که از همه تن وی عرق میرود اگر حاجتی داشته باشد بحاجت
برآید ختنه کردن از گناه بیرون آید و سنت نگاه دارد و سوالف همچنین غسل کردن … حاجت
شود و از غم بیرون آید وضو ساختن مهم باشد تیمم نزدیک آمدن فرج از غم اگر بیند که
جنابت در طلب حاجت که بدشواری آید … اگر بیند که … او بطول میکشاید …

که از آن کرده خواهد شود اگر بر بهشت نگاه کند از خویشان او یکی بمیرد و اگر کشتی دراز و بالا بیند بزیاده از مقدار
آدمی اجل او نزدیک شده باشد اگر شهر را دیوانه بیند مال از او بشود … وجب القتل کند … بهتر قومی گردد
اگر خود را … بیند دلیل رنج و محنت بود … بیماری در خواب … اگر عزم سفر دارد
باطل کند دیدن گرسنگی حرص باشد در دنیا تشنگی بد حالی در کار دین دیدن سیری جمع مال باشد و سیری آب
صلاح کار باشد گریستن در شب خندیدن غم بود اما اگر بوسط شکفتگی بود دلیل … مرکب مقیم
سفر و … باز آمدن از سفر و محبوس خلاص شدن و زن نیز باشد کسی را از … و کسی را دار …
خواند شدن است … از آنچه ترسد … بیمار را دلیل مرگ … در خواب مرده … شهرت یافتن بمعصیت
دست در کردن و یا در کنار گرفتن مرده دلیل درازی عمر بود اما اگر مرده در کنار گیرد … اگر زن مجهول در کنار
مقصود … بوسه دادن و دست گرفتن ایمن بود اگر دست دشمنی گیرد یا او را بوسه دهد دشمنی
از میان برخیزد کشتی گرفتن و دشنام دادن و بر دو گشتن دلیل باشد بر … آنکس که مظلوم و مقهور باشد اما اگر باطل
کار زار … شیر و پلنگ و مار و کژدم دلیل قهر کردن دشمن بود و … کردن در کاری
اسب تاختن دلیل پادشاهی مراد باشد دلیل گوی زدن طلب مال یا جاه یا زن باشد یا اندیشه … بهتان
باشد تیر انداختن سخن گفتن باشد اگر بر نشانه زند بمقصود رسد اگر بیند پیشتر جنگ میکند دلیل درازی عمر باشد
اگر بیند که مردمان او را با هم جنگ میکنند در آن کار غلط افتد اگر بیند که با پادشاه جنگ میکند فراخی قوت باشد

ابراهیم

با مرد مجهول بیماری و جنگ در اغلب اوقات دلیل اضطراب و فتنه بود و جنگ در شهر و ده دلیل طاعون و وبا باشد و صلح
درازی عمر دیدن لشکر پادشاه و مبارزت دیدن خویش گریختن دشمن قتل مراد باشد اما گریختن بی ترس و دشمنی دلیل
مرگ بود اگر کسی با ترس و بیند دشمن شود نامه خبر خوش باشد یا منع میراث و کسی که دیدن مال حرام و
نامه پیچیده خبر مستور بود و نامه گشاده خبر آشکارا اگر مهر شد خبر صحیح بود … نتواند خواندن مطلت بود
و اگر نامه خواند معنی آن نداند در کاری افتد که مشاورت و معاونت محتاج شود و کتاب را نیز تعبیر همین دارد
برده خرید شادی بود و فروختن غم یا گواهی بدروغ دیدن هلال … هر چه در خواب کم در بیداری بیند … بود
در خواب نیز همین باشد اگر کسی بیند که او را میفروشند اگر درویش بود منفعتی یابد و اگر توانگر بود در رنج
افتد چیزی خریدن آنچه در خواب بیند که میخرد تعبیرش آن باشد که بخرد در خواب مزاح کردن خادم کردن کار دین
مکر سخن معنی او گوید و تعبیرش معنی آن سخن باشد دیدن پای مصیبت دیدن مجامعت اگر در بیداری اثر شهوت
ظاهر شود آن باطل بود اگر با زن مجهول صحبت کند اثر شهوت در ظاهر نیاید منفعتی یابد اگر زن او طلاق دهد
توانگری یابد اگر با خویشتن مجامعت کند توانگری و باشد که از زن جدا باشد اگر بیند با مادر و یا خواهر صحبت میکند
اگر قطع رحم کرده باشد باز پیوند و اگر مسافر بود بوطن آید اگر بیمار بود شفا یابد و باشد که از شهر خویش
بکسی نزد و یا فرزندی بمیرد و اگر با زنی مدتی صحبت میکند کاری که مناسب نباشد طلب میکند اگر فرزند در …
بیند دیگر دو شفقت بود اگر بیند که با … مجامعت کند اگر … باشد نبیند … منفعت یابد

واگر شاه بود مقصود که از وام نام یا همه را طلب بیابد یا بیند معروف همچو اسب و اشتر و شتر بود
بجای کسی که مستحق آن نشسته باشد نیکوی کند و اگر بیند مجهول باشد بر دشمن ظفر یابد اگر بیند چیزی
بیند که شهوت او غالب شد اگر بیمار باشد شفا یابد اگر درویش بود توانگر شود و اگر جوان بود بخلاف
این اگر بیند که زن خواسته است بقدر جمال آن زن حرمت و قوت یابد اگر بیند که کارت زن بست و بعضو برسد
اگر بیند که زن با زنی مجامعت میکند بر اسرار واقف شود اگر بیند که او را بند میکنند اگر عزیمت سفر دارد باز ماند
اگر معتدین بیند در کار شرع ثابت قدم شود و یاری کند دیگر بخیر و فعل نیک باشد اگر زنجیر در گردن بیند زینه
بد سیرت کند اگر بیند که دست او با گردن بسته باشد از معاصی باز ایستد یا مالی دارد که حق آن نمیگذارد
دیگر جراحت بر تن مالی باشد که حاصل آید چون خون برود و بر هر عضوی که باشد آنکس که بر آن عضو منسوب است
منفعت یابد اگر بیند که حق الیشان از گناه توبه کند و اگر بیند او را میکشند درازی عمر بود و اگر کسی
او بکشد کاری عظیم بکند و مقتول از و منفعت یابد اگر بیند که کسی را گردن زدند و سر او جدا شد
اگر بیمار باشد شفا یابد اگر وام دارد گذارده و حج کند اگر بیند که سر بریده در دست دارد چندان درم و دینار
یابد اگر بیند که مرد و خود کردند و زن کنند این را ستوان داشتن طلاق داده ضرورا دلیل که بیند
بر که حق ایست و ما قتلوه و ما صلبوه و لکن شبه لهم مرد را زنده دیدن اگر مرد مجهول بود چیزی
از آن قطع شده که است باز یابد و اگر مرده بود خبر آن در حال و نیکو دیدن نیکو حال آن مرده بود

اگر مرده بیمار بیند دلیل بد حالت او بود و اگر آن مرده را از عضوی از اعضای خود بنالد آنکس که آن عضو
بدان منسوب است شکی باشد اگر از سر بنالد از مخدوم پدر و مادر و اگر از دست از برادر یا شریک غایب القیاس
اگر جماعت کشکان را بیند این گمراهان و اصحاب بدعت باشند اگر بیند که با مرده صحبت میکند از عقاب او
منفعت یابد اگر خود را بیند که با مرده در یک جامه خفته است دلیل درازی عمر او باشد اگر مرده خفته
برای مرده در آخرت
یا برهنه بیند دلیل راحت است اگر بیند که مرده را میشوید فاسقی در دست او توبه کند اگر کور مرده را
تازه کند طریقه و رسم او را تازه کند اگر بیند که کور میکند سرای بنا کند اگر بیند که زنده را در کور
میکند او را از گناه باز دارد اگر بیند که خویشتن را از جای در آویزد از آنجا غایب شود اگر بیند که
او را کشند از مردمان ثنا و حرمت یابد اگر بیند که مرده بر جنازه نهاد این کسی منزلتی و حرمتی یابد
اگر کسی مادر و پدر را زنده بیند از هر غم فرج یابد اگر ایشان چیزی بدو دهند منفعتی بدو رسد
دیدن با خوردن و بر خوان نشستن که در آن طعام باشد دلیل درازی عمر باشد اگر بیند که طعام در کوی مقصود
دلیل بیماری بود و مرگ و با مرده که چیزی خوردن نیک باشد و از ایشان چیزی شنیدن یا قتن
بود که امید از آن قطع کرده باشد اگر مرده را بر پشته ببرد مال حرام یابد اگر بیند که در بالین
دلیل یا قتن امراد اگر خود را بر زمین نزدیک بیند سفر نزدیک کند با فایده اگر بیند که در
نیک نا پدید شد دلیل نزدیک آمدن اجل بود و عروسی ماتم باشد و ماتم عروسی باشد

دست مشتق نومیدی باشد از کاری خلاف کردن خصومت کردن با خویشان قرآن خواندن
منتشر کردن آثار حکمت و امر و نهی و امن و عدل و انصاف بود اگر بیند که مصحف می نویسد حکمت
و دین و دنیا جمع کند اگر بیند مصحفی یا قدری ست یا مصحف با و دهند بر کارها نیک واقف شود
اگر بیند که مصحف میخورد اجل او نزدیک رسیده باشد مگر بیننده متعلم شود یا وراق اگر بیند که بانگ نماز
باشد نمد در تو یا در جایگاه دلیل ظلم و جور باشد و اگر بانگ شود او را بچیزی متهم کنند اگر بیند
بانگ میدهد و حج کند اگر بیند که نماز میکرد و شرایط و ارکان بجا آورد که در اعمی شهد از آن آت و
مقصودی که دارد بیابد اگر بیند که پیشنمازی میکند مقتدای قوم باشد اگر بیند که خفته نماز
میکند بی آنکه تکبیر بگوید اجل او نزدیک باشد و قوم او برو نماز کنند اگر بیند که بطهارت نماز میکند
یا در موضعی که جای نماز باشد یا قبله برو مشتبه گردد آنکس در حاجتهای خویش متحیر شود و بد شود
بدان رسد روزه داشتن حصین از آفات دنیا باشد زکوة دادن نام نیک حاصل کند
حج کردن یا فتن مقصود بود خود را در کعبه است از آفات ایمن شد دیدن قربانی از اندیشها و غمها فرج یابد
اگر زنی بیند که قربانی کند فرزندی شایسته یابد اگر بنده بیند آزادی یابد اگر بیماری قربانی
کند شفا یابد اگر محبوس بیند خلاصی یابد بوسیلتی چرا بود تقرب کردن باشد با ما هی برد
آب زمزم علم شریف باشد و منفعت دین و دنیا حاصل کند غزا کردن نام و دبدبه

اسب ولایت و دولت بود و زنان نیز باشد اگر خود را بر اسب سوار بیند دوستی یابد باندازه و نیکوی و
روای و بهر زیاده و نقصان که در اسب بیند زیاده و نقصان ولایت بود اگر بیند که بر اسب نشسته می برد
پادشاهی ماند باندازه همت و محل خویش و اگر بر اسب نخل نشسته باشد آنکس ولایت یابد و معصیت کند
و همچنین اگر بر اسب برهنه سوار شود اسب سیاه ولایت و سیادت بود و اگر کمیت بیند زیادتی فرح باشد
اگر اسب اشهب بیند صلاح کار دنیا باشد دیدن سمند یا زرده دلیل بیماری اندک باشد اگر ابلق بیند
دلیل شهرت بخنده بود دیدن اشقر بیند صلاح کار دنیا باشد ماده دیدن باشد دیدن شراب مال سلطان بود
و پالان خداوند کار بود اگر خود را بر اسبی بیند و دیف دیگر بود آنکس ولایتی یابد بنهایت او اگر بیند که
بر استر ماده نشسته دلیل درازی عمر باشد اگر بر استر یادین یا پالان نشسته بیند آنکس کنیزک خورد یا زن
کند اگر بیند که اسب با بادی در ره ای یا شهری آمد بزرگی آنجا رسد دیدن گوشت استر مال
زن باشد و شیر استر رنج بود و اگر بیند که بر استر کسی نشسته است بار آنکس خیانت کند
دیدن خر بخت بود اگر دیدن خر را با بار بیند از بخت خود منفعت بیند و شیر او بر خورداری باشد
اگر بیند که خری بکشد و اندیشه خوردن گوشت او ندارد و اسباب معیشت خود تباه کند اگر بیند که از خر
یا از اسب یا از بلندی بزیر آمد بمقصود رسد اگر اسب یا خر خود را گم بیند مال خود را در هیچ کیست
یا کسی میاید که باز نیاید اگر خود را بیند که استری شود از سفر قوت یابد و اگر ماهی شود از

منفعتی یابد اگر بشکافد از درون ترهی (؟) آرد واگر در پوست کیرد قوت یابد و مساعد بخت باشد

و بانک شتر و بول او پسندیده شود اگر بیند که کوهی را صید کرد نفع یابد شتری از بیشه بیند دلیل

جنازه باشد اگر بیند که او را شتری بیاد دلیل قوت است اگر بیند که از شتر شیر میدوشد و میخورد داد

ذنی و یا از ضیاعی مال یابد دیدن ناقه زن بود و شتر مرد بزرگ باشد اگر بیند که شتری در عقب او می آید

از بلا احتیاط میکند واگر شتری مجهول در شهری و یا در دهی فرود آید در آنجا بیماری یا از دشمن رنجی بد

دیدن گاو عمل سلطان و مال باشد اگر گاوی یابد یا بیند فربهی و نیکوی در آن سال نفع بسیار یابد او در سدو تحری

فراخی و نیکوی سال و تنگی در فربهی و لاغری گاو بود اگر بیند که گاوان در دو سرخ باز نهاده بی صاحب در شهری

یا دهی میرفتند در آن موضع بیماری افتد دیدن سرگین جمله بهایم فرزندان باشد دیدن گوسفند غنیمت

بود یا زن بزرگ اگر ماده باشد اگر بیند که گوسفندان بسیار نگاه میدارد فرمان دهی باشد دیگر بهایم نیز

خلاص

همین حکم دارد کشتن میش سلطان بود و پشم جمله بهایم مال باشد اگر بیند که خلی قربان کند یا اسیر را

کند بز کوهی و میش کوهی کنیز باشد منفعت بود از مردان اگر ماده بود از زنان دیدن آهو کنیزک بود

دیدن خرگوش زنی باشد که الفت نباشد دیدن پیل پادشاهی عجم بود اگر خود را بر پیل سوار بیند مخذول شود

اگر بیرون بیند زن را طلاق دهد دیدن شیر پادشاه باشد و یا مرد قوی اگر شیر مرو (؟) را مسخر خود بیند

و بر دشمن ظفر یابد و اگر بیند که از شیر هم ظفر بود و یا مقصود بیابد کوشت او خوردن یافتن مال باشد

از پادشاه

٤٩

از پادشاه و استخوان و موی همین تعبیر دارد و باندازه و قوت و مرتبه هر یک باشد دیدن خوک مرد

حرام خوار بود و شیر او مصیبت باشد و اگر کسی را که بخورد دو کوشت او معصیت بود دیدن سگ دشمنی

دشمن

ضعیف بود و بانگ او سخن فرومایگان اگر بیند که سگ جامه او بدرید یا او را بگزد قصدی باشد از

که بیند

وخصومت با او اگر بیند که کوشت گربه یا چیزی از وی خورد آنچه از وی دزدیده باشند باز آید واگر

دیدن

گربه او را بگزد یا بیمار شود و گربه دشتی در معنی زیاده از گربه اهلی بود گربه همچنین

کفتار زنی باشد بد سیرت اگر بیند که موش طعام او یا چیزی که تعلق بدو دارد زنی او را جادوی کند

واگر بیند شیر او میخورد این زن با او خیانت کند واگر کفتار نر باشد دشمنی مخذول بود دیدن

گرگ پادشاهی ظالم بود و مرد دلیر و کذاب و خصم نیز باشد اگر شیر او بخورد رنج بیند

دیدن روباه خویش مکار و فریبنده بود اگر با او بازی کند زنی که بسیار دوست دارد بیابد

دیدن کشف مردی عالم باشد واگر او را در منزل بیند علمی باشد ضایع اگر در موضعی عالی بیند

علمی عزیز بود دیدن مار دشمنی بود آنچه سفید بود ضعیف و آنچه سیاه باشد قوی و هرچه

در آن زیاده زیادتی کوشت بیند زیادتی و شوکتی دشمن بود اگر بیند که کوشت مار میخورد مال

دشمن یابد واگر او را در منقار خویش بیند پادشاهی یا گنجی یابد واگر مار سفید را مطیع

فرسد

بیند لشکر کشی کرده واگر او را مسخر خود بیند او را بیند از دشمن ایمن شود و همچنین

عجب باشد

عجب باشد و در مرغ خریده ماکیان خادم و خدمتکار بود اگر بیند که ماکیان بکشد کنیزک بکر را بکارت برد

کبوتر کنیزک باشد و بچه کبوتران زنان باشد واگر بیند که کبوتر بسیار بجای او می آیند نفع بسیار

یابد اگر کوشت کبوتر میخورد از زنان نصیب یابد دیدن کبک زن نیکو و نامهربان باشد اگر بیند که کبک را

بکشد حاجت نیابد دیدن فاخته زنی بیدین و نامعتمد بود و بلبل و قرغلام باشد دیدن خطاف دلیل بیمار

دار بود بوم دزد با شوکت دیدن هدهد مردی باشد که خود را بعلما مانند کند دیدن گنجشک مردم بزرگ

وکوشت و پر او مال بود و بچه او فرزند و بسیاری از بچگان او مهتری و مال یافتن بود آشیانه او قفص

کار زنان باشد دیدن خط خویش بود دیدن مرغابی مال حلال باشد و بهجه او ایشان زیاده بود در این

معنی زیاده بود اگر مرغ آبی بگیرد مال ملکی یابد باندازه بیننده واگر فربه باشد اما کوشت و بال او بهر سال ما

دو

بود او از خرچنگ ناخوش اما بانگ بط مصیبت بود خایه هر مرغی زن باشد ماهی چون یکی باشد یا

بسیار

زن بود اگر خرد باشد و بزرگ مال و ماهی خود اندیشه بود و آنچه در شکم او یابد مال باشد

نهنگ دشمن باشد و دزد و کوشت او خوردن مال بود اگر کسی از مرغی بجانوری دیگر مسخ شود

بیننده میراث وصیتی عظیم یابد و در آن دیار کارها عزیب بدید آید اگر کسی در خواب بیند که

هیبت

پادشاهی مهربان یا عالمی حکیم بود آنچه ایشان یا سخن آنچه ایشان یافته اند و منع باز عهد و بوق پادشاهی با

بود واگر بیند که از منع پاره بیافت واجوز دیا تصرفی کرد از حکمت بهره یابد و مالی بطریق حکمت کرد کند

٥٠

و آنرا بیند دلیل امنیت و فراغت باشد اگر بیند که از خانه فرو افتد از پادشاهی رنجی بدو رسد

ومادیکر در خانه خود بیند زن خود بود و دشمن او دیدن کژدم دشمن ضعیف بود که قصد او جز بزبان

نتواند کرد و گزیدن او در خواب غیبت بود واگر کژدمی در خانه خود بیند سخن بود دیدن زنبور

و مگس مردمان سفله باشد دیدن مور چه بسیار دیدن ایذا اهل آن سرای کم شوند و مور مال نیز باشد

بقرینه حال بیند دیدن ملخ لشکر باشد مردم بسیار منفعت باشند و کثرت ایشان مال باشد دیدن پشه

و سپش مردم ضعیف حقیر باشند کیک مردم سبک دل باشد دیدن پروانه مردم خسیس باشد که

خود را در مهلکه اندازد دیدن باز پادشاه قاهر باشد دیدن عقاب کرکس اگر آموخته باشد اما

اولاد

اگر از دین مرغان نیاموخته باشد دلیل فرزند بود اگر بیند که باین مرغان صید کند عمل عمال سلطان

منقاد شوند اگر از ایشان کزندی بیند باندازه آن از پادشاه رنجی بدو رسد و اگر یکی از این مرغان در دو

ان

پرواز شده در هوا بود در میان خلق معروف گردد و دیگری مرغان شکاری باندازه قوت و ضعف ایشان

شرعا

همچنین کلاغ و زاغ مردی فاسق و دروغگو باشد اگر بیند که کلاغ شکار میکند غنیمتی یابد بوجهی که

جمال

پسندیده باشد دیدن سیمرغ خلیفه باشد و زاد و دایلال دیدن طاوس پادشاهی عجمی بود یا مال و

با کسی شرکتی کند که از او منفعتی یابد دیدن لقلق مردی عادل بود و دیدن تذرو مردی غدار بود

مرد

دیدن عقعق مردی بی عهد و بی حفاظ بود اگر بیند که عقعق را بگیرد کابین طلب کنند که بدان برسد جز و

عجب باشد

اگر بیند که میغ چنگی هوا یا موضعی از آن فرو گرفت دهقی باشد از حضرت پادشاه مگر که آن باد تاریک و صاعقه
و بخلاف آن بود چون باران عام بود رحمت الهی باشد اما اگر در محلی آید در سرای باد و بیماری و فتنه بود اگر باران
عام بود تا ودتهای میر ... انان دیار ذلیل بود و اگر ناودان بود که در موضعی مخصوص یا خوفی بود اگر ...
ریخته شود اگر خاک و ریگ بیند که چنین باد و رحمت بود بر ضیعتی چون هنگام باد و فراخی نعمت بود و اگر
خلاف بود عقوبت و لشکر نیز بود و خوردن برف شادی باشد تگرگ و یخ دلیل رنج باشد اگر بیند که یخ
میخورد و دلیل شادی و یافتن مراد و بازگشتن بحق بود و رعد هرچه میخورد از دلالات کند بر رحمت و علا
تابع آن باشد و اگر رعد برف باشد آن اثر دفعه پدید آید اما اگر در بیماری رعد یا باران بیند و ام بگذارد
و اگر وام دار بیند و اگر محبوس بیند خلاص شود و برق مسافر را بد باشد و مقیم را طمع حل و دلیل فتنه
و بلا باشد سیلاب دشمن باشد و غم اگر بیند که از آن بگذرد از دشمن و غم رهائی یابد و همه آبهای تیره
همین باشد و آب صافی چون غالب شود و سهمناک همین باشد باد چون با قوت بود دلیل ترس و غم باشد خصوصا
چون با آن تاریکی و گرد بود و اگر بناها خراب کند و درختها برکند دلیل معصیت بود در آن ولایت یا
حصبه یا طاعون باشد نعوذ بالله اما اگر بادی فرح بود و بی تاریک و غبار باشد دلیل نیکوی عیش
مردم بود نسیم دلیل شادی و عیش و راحت از غمها سرخی در هوا دلیل آفت بود و روشنای کرند
بود و امید فتنه یا فتنه باشد در دین چنانکه تاریکی بضد این و اگر باده بیابد ظلم بر کشتن بود و باشد

نیز مصیبتی افتد که بر آن قوت باید و اگر ... با آتش بیند که از آن آثار یکی از زبانه دزدی باشد جنگ و خصومت باشد
و اگر همچنین بود طالع و سر با دو جنگ و فتنه بود اگر بیند که از آسمان بر زمین می آید اثر آن بیشتر
و اگر دود اندک بیند ترس و تهدید باشد از جانب پادشاه و اگر بیند که از برای روشنای آتش افروزند
تحقیق کاری کند و بقوت پادشاهی یا عالمی بر آن واقف گردد و اگر می افروزد تا گرم شود کاری سازد
با آن از درویشی برهد و اگر آتش افروزد تا چیزی بپزد منفعتی یابد و اگر جامه سوخته شود با اندازه
مضرتی رسد اگر آتش سوختن باشد از جهت پادشاهی مضرت باو رسد و اگر آتش بر دارد مال حرام بود
از کار پادشاه و اگر آتش را در جای بیند همچنین و اگر از آتش تفی باو رسد در زبان خلق افتد و اگر
آتش بخورد مال یتیم یابد قوس و قزح فراخی سال و فرج از غم دیدن صاعقه تو انگر را درویشی باشد و اگر
بیند پنهانی آسمان سیر و سفری کند و بزرگی یابد و اگر از آسمان افتد گناه عظیم کند و اگر بیند که نزدیک
رسید در دین و دنیا بزرگ شود و اگر بیند که در آسمان دست و رسنی آویخته کاری بزرگ یابد و اگر
آسمان شکافته بیند با درهای باز فرج آید آفتاب پادشاه بود و والی هر موضع پادشاه آن ولایت باشد و اگر
آفتاب را در آسمان بی نور بیند و روشنای او بر جامه یا بر تن افتاده باشد از پادشاهی نصیب تمام
یا زنی خواهد دیدن سایه عالمی یا زاهدی بود ماه ملکی باشد عادل یا وزیر پادشاه یا عالمی بزرگ یا غلام نیکو
یا مرد یا درع یا زنی بود اگر بیند که روشنی ماه در زمین افتاده اهل آن زمین از وزیر پادشاه نفع

و اگر ماه را تاریک بیند وزیر را رنجی رسد و اگر درست چون بیند یا در کنار خویش یا در خانه خود زنی بزرگ
بخواهد با اندازه که نور گردیده و اگر بی نور بود ضد این اگر زنی بیند که ماه در کنار او فرود آمد شوهر
آفتاب و ماهتاب مادر و پدر دبیر باشند ماه نو که در آن ماه ببیند دلیل ولایتی نو یا فرزندی یا بخشد یا از سفر
آمدن مرد بزرگ باشد ستاره دیدن همین حکم دارد و اگر ستارگان در شب را مجتمع بیند کار بر آن
ولایت منتظم یابد اگر مجتمع بیند تاریک ضد این بود اگر بیند که ستاره را بخورد مال مردم
بخورد اگر بیند آفتاب یا ماه یا ستاره در زمین فرو میرود دلیل باشد بر آنکه کار او بر خیر و شر با پایان
دیدن عطارد دبیر پادشاه بود دیدن زهره زن پادشاه باشد و سطرب مریخ سپهسالار و امیر حرب
باشد مشتری خازن و امین پادشاه زحل صاحب عذاب بود در آثار علوی دیدن زمین دلیل نعمت بود
اگر بیند بر زمین بنای میکند نعمتی یابد که بدان کار دنیا سازد یا علمی که کار دین بسازد اگر لرزید
زمین بیند آفتی باشد اگر بیند که از آن جای که دیدن و بود در زمین فرو رفت سفری کند از جانب پادشاه
اگر بیند که زمین و خاک آن میخورد دیگر حیله مال حاصل کند بخورد اگر بیند زمین در می نوردد دلیل
معیشت و اگر گسترانند بضد این اگر بیند که او را در زمین پنهان میکنند دلیل و فات او بود یا سفری
بود اگر بیند زمین میکند و آب بیرون می آورد معیشتی حلال بدو رسد یا علمی مفید بود
اگر خود را در صحرای فراخ مجهول بیند سفری دراز کند و اگر صحرای معروف بیند سفری نزدیک کند بیابان

فیروزی یا قیش بود از رنج دیگر اگر اندک باشد مال بود ... اگر بسیار بود مشغول خاطر کوه
پادشاه بزرگ بود و سخت دل اگر خود را بر سر کوه بیند بر پادشاه بزرگ قادر شود اگر بر پشت بلند
از دهد بحد آن و باز پیوند اگر بیند که بکوه میرود همت آینده بود که بدان رسد و همچنین هر بلند
بلند و فرود آمدن از بلندی ضد این بود اگر بیند که کوهی بیفتاد رنج از آن ولایت را آفتی رسد و بر
اهل آن ولایت ظلم رسد اگر بیند که کوه بلرزد باز مستقیم شود رئیس آن ولایت را رنجی رسد تا عاقبتش
باشد دیدن راه شارع دین و مسلمانی بود و هر نیکی و روشنی که در وی بیند در کار دین و دیانت باشد و
بخلاف این دیدن دریا پادشاه بزرگ بود اگر از دریا آب خورد یا بر دارد از پادشاه مال یابد اگر
بیند که جمله آب دریا بخورد پادشاهی یا مثل مال پادشاهی مال یابد اگر خود را در کشتی بیند در کار پادشاه
خوض یابد یا از آفت نجات یابد و اگر بر خشکی بیند دلیل بیماری و فرهنگ بود اگر بیند که از کشتی بیرون
آمد دلیل سلامتی بود اگر بیند که بر آب دریا میرود بر پادشاه بزرگ مستولی شود و اگر بیند که از
کنار دریا آمد بر دشمن ظفر یابد و از آفت بیرون آید و اگر بیند که در دریا غرق شد در حساب
کتاب و مال پادشاه بماند و زحمت یابد دیدن موج رنج و مشقت باشد دیدن آب صافی و آب خوش
عیش باشد و عمر دراز و ناخوش بضد بود دیدن جوی آب اگر بزرگ بود دلیل جیحون و دجله
و فرات ... بود اگر بیند که بدان گذر کرد از آفتی و هولی بیرون آید و اگر از آن آب بخورد از مالی ...

... نیز بدین دلیل و مرد عالم نیز بود دیدن حوض و بِرکه جوانمرد و عالم باشد و از آن بسیار خیر و بابرکت و منفعت یابد آب شوریده اندیشه بود چشمه خیر و برکت و نعمت بود اگر مرد عفیف پیند و اگر تاجری بیند در محل آید یا در سرای او بدید آید مصیبتی باشد که از آن بگریند دیدن آب چاه زن باشد مردم عالم مال حلال و اگر زن بیند هر در با منفعت بود دیدن کاریز همچنین اما آب چاه چون انبا کاری بیند مال مجموع بود دیدن شهرستان و قلعه و حصار اهل دنیا را ایمن بود و اهل دین را زیاده پرهیز دیوار مرد باشد دیدن محوطه کسی که جمع در پناه او باشند دیدن سرای دنیا باشد اگر بزرگ و نیکو بود توانگر شود و فرج یابد اگر تنگ و ناخوش بیند بخلاف این دیدن کوشک فاسق را زندان بود و پارسا را بلندی و کوشک دار دو ور دیدن ملک بود اگر بیند که در کوشک میرود به سلطان بزرگ پیوند دیدن ایوان مرد بلند قدر بود دیدن برج جای خطر و آفت بود دیدن غرفه زن دیندار بود دیدن منظره مردی معاص دیدن خانه از گل و خشت به از آنکه از گچ و آجر و اگر کسی خود را در خانه بیند که در بند است باشد از توبه کند اگر خانه را زرین بیند با آتش بسوزد و اگر خانه از آهن بیند دلیل درازی عمر بود دیدن بام و سرای زن بود و مرتبه و مکر نیز باشد از جهت زن دیدن ناودان همسرای بود و منفعت اندک دیدن دهلیز دنیا باشد دیدن پیل مرد بزرگ بود که بوسیله او به مقصود رسد دیدن ستون زن باشد و همسرای و دیدن خشت پخته مرد منافق باشد دیدن خشت خام مردم ... باشد و سرای نیز باشد دیدن کل

مرد مکار باشد اگر بیند که در خانه نقش میکند در آن خانه گفتگو و خصومت باشد دیدن سقف مرد ... اگر بیند که سقف بر او افتاد از مرد بزرگ برتری برسد یا غایبی که به منزله همسرای بود باز آید یا نعمتی حاصل شود جو خانه همسرای بود دیدن بردبان کارها خیر بود چون نماز و روزه و صدقه اگر بیند که بر میرود درجه بزرگ یابد دیدن دکان بر در سرای دولت بود اگر خود را در دکان نشسته بیند عزتی و مرتبه عظیم یابد دیدن طاق زن باشد و سراج و مرد همچنین دیدن تنور عزیم و زن باشد نیز اگر کسی بیند بر سرای میرود و بر خصم غالب شود دیدن حلقه در حاجت و سول بود و اگر کسی در سرای خود بیند زنش نابکار بود دیدن آستانه در زن بود دیدن کلید در آن کس بود که دخل و خرج سرای بدست او باشد دیدن دروازه مرد بزرگ باشد مصالح شهر بدو تعلق دارد دیدن بازار دنیا بود و تنگی و فراخی آن بهمان نسبت دیدن گرمابه اگر بیند که در و آب خوش از غم و اندوه بیرون آید اگر گرمابه بی آب بیند و غسل نکند از جهت زنان رنج ... آب گرم خوشتر دیدن اهل تندرستی و خوب عیش بود اگر بیند که کسی در گرمابه ... میکند حاجتی دارد روا نگردد دیدن تون مرد بزرگ و ولایت بود دیدن اصطبل مردی باشد بسیار و نیک حمیت و جمال دیدن آسیا مردی باشد ... آسیا که مصالح مردم بدست او باشد و زبان او و سفر نیز باشد اگر آسیا را بی آب و دانه بیند گفتگوی بی فایده بود اگر بیند که آسیا را به آب میگرداند اجل او نزدیک شده است دیدن کعبه خلیفه باشد و وزیر و در جامه و میراث حلال هر که کعبه را بیند در خیر و رحمت بر وی گشاده شد یاد رنج و شدت تمام از او بگیرد

توان دانست اگر خود در کعبه بیند از جمله آفت در امان باشد اگر بیند که کعبه میرود از غیب که معدول خدمت باز آید علی آید و اگر مسافر است بسلامت بخانه رسد اگر بار کافت بود کند و بهر انزهه یشیند برآید دیدن مسجد جامع دیگر مسجد کعبه بود اگر بیند که در مسجد جامع نماز میکند سفر کند که در آن مال و نعمت یابد اگر بیند که خطبه میخواند اگر از اهل خطبه است سید در خطیب باشد و ولایت و بزرگی یابد و خلق مطیع و منقاد او گردند اگر بر هیچ وجه از اهل این نیست به هم نام او باز گردد رنجی افتد اگر نماز کند که در وقت رکوع رود قبله رخ کند و اگر روی به قبله دارد حاجات او بطریق صواب برآید دیدن محراب امام و رئیس قوم باشد دیدن مکتب دل مشغول بود و اندیشه مند باشد که عاقبت بخیر شد دیدن مناره مردی باشد که خلق را باصلاح و خیر دعوت کند و خلق که در آن بیند که خلق در دین باشد دیدن صومعه نیز همچنین دیدن منبر اگر خود را در منبر بیند اگر اهل آن باشد سخن و وعظ و حکمت گوید و انگشت نمای گردد و نام نیک و اگر اهل آن نباشد کاری کند که فضیحت شود اگر آتشخانه و آتشکده بیند که آنرا پرستند از حاجت پادشاه مال یابد اگر خود را بیند در کاری افتد از قبیل ... باطل باشد اگر اهل او ... چیزی باطل منتشر شود اگر خود را در کنشت یا در کلیسا بیند هم در کارها باطل افتد دیدن زنار فرزند باشد دیدن کفش بسیار در جواب بال باشد دیدن کفر توانگری بود و فرق شود دیدن بت صورت باطل باشد اگر بیند پرستد در دین سخن دروغ گوید دیدن گورستان کارها فوت بود و بیم و اندیشه و صحبت داشتن با قومی کرد دیدن منفق یابد اگر خود را

در گورستان بیند در کاری افتد که مردم از آن عبرت گیرند دیدن مرده مال حلال دیدن تابوت ملک بزرگ باشد و این ضعیف شبی در خواب دیدم از پس تابوت میرفت جمعی که رفتند در پیش داشتند و یکینه حمل روز شد جهت ختم و تهنیت جلوس طغا تیمور خان حکم او طلب داشتند و این کمینه در آنجا با دیگران ... بجای خود ملازم میبودند و وقت تهنیت بسیور عامش و عاطفت مخصوص گشت اگر خود را در تابوت بیند اگر از دشمن ترسد بر وی ظفر یابد اگر غایبی دارد به سلامت باز آید دیدن باغ و بوستان و درختان میوه‌ها دیدن باغ دنیا باشد و زن و زر بود و آبادانی و خرابی آن حال نیکی و بدی زن دیدن درختان مردان باشند و تفاوت ایشان به تفاوت بزرگی و خوردی آن اگر خود را در سر درختی بیند ناگهان به مقصد رسد یا بد دیدن شکوفه درم و دینار باشد درخت خرما فرزند باشد و مال حلال باشد و مردی عالم بسیار منفعت و زن شریفه و هر آفتی که بدان درخت بیند آفتی بود در مردم آن دیار اگر کسی از درخت مال حلال یابد سخن خوش با او گویند یا میخورد روزی حلال باشد یا سخنی خوش شنود و اگر بیند که خرما از خرماستان بهایش او وی خرما با علم عالم نیز باشد و اگر بیند که خرما بشکافت و استه او بیرون آن میکند او را فرزندی باشد واسته خرما سفر باشد رطب خوردن فرمان داد باشد در شهری آبادان اما اگر نه در وقت بیند بیماری بود و بادر کار ناتجارتی سودمند نی شکر خوردن سخنی باشد که مردم را خوش آید دیدن نی شکر مال باشد حلال و سخن خوش اگر برنی تکیه کند اجلش نزدیک باشد دیدن انجیر مال بود و

حلال بود اگر انجیر بخورد یا بیابد هزار درم باشد دیدن درخت انجیر مردم بسیار مال و منفعت باشد
دیدن بادام مثل بدین تعبیر نزدیک بود دیدن زیتون مرد بسیار خیر و منفعت یابد دیدن انگور هرچه سفید
در هر وقت بیند منفعت بود و انگور سیاه اگر در غیر وقتش بیند اندیشه و پشیمانی بود از کار و در وقت
مال حلال مویز همچنین اما مالی بود که بعد از آن رنج بیند سیاه و سفید یکسان بود دیدن خرما مال حرام
باشد درخت سیب مرد مؤمن بود دیدن شفتالو و زردالو و خیار و خربزه و هرچه زرد باشد
جز ترنج دلیل بیماری بود درخت شفتالو مردی توانگر و شجاع بود که مال بسیار جمع کند و در
جوانی ... فوت شود درخت زردالو مرد معلول و بیمار بود خربزه مردمان با همت باشند
اگر بیند که خیار و بادرنگ میخورد اگر زنش حامله باشد دختر آورد ترنج اگر بسیار بیند مال و نام
نیکو بود اگر یکی یا دو بیند فرزند بود و آلی سفر بود دیدن نارنج نیک باشد و اگر این چیزها را سبز بیند
دلیل روزی حلال بود و صلاح دین و دنیا باشد و چون آنها یعنی میوهها ترش بود اندیشه بود دیدن
درخت توت مرد بسیار نفع بود و یا او و مال حلال بود دیدن انار مال مجموع باشد و ترش او اندوه و غصه باشد
درخت انار مرد بسیار مال باشد اگر انار یابد هزار دینار یابد درخت سنجد مردی عجمی باشد و با مردی
باشد که مال بدست آورد درخت چنار مال اندک بود و مردم اهل حرمت بود و درختان بی میوه همین
تعبیر دارد درخت صنوبر و سرو مردم نیکو سیرت باشند و فرزند دیدن چوب مردم نیکنام

و فرزند نیک سیرت درخت مازو مالی بود که در افزایش بود و درخت ... مرد عالم و طبیب بود
و مرد بسیار منفعت و اندک مؤنت و مبارک نفس بود و درخت او خوردن دلیل خوشدلی بود
حلال بود دیدن سوغران و هر گیاه سبز که مجهول باشد دین و مسلمانی بود و خبر خوش کشت زار علم و نعمت
اگر کشت در موضعی بود که نه جای کشت بود دلیل کند که بر مردمانی که برای خصومت جمع شده باشند
اگر بیند که او را میدروند دلیل قتل بود و هرچه از آن سبز بود دلیل نعمت بود و خشک آن دلیل تنگی
دیدن خوشها اگر بر ساق استاده بیند و عدد آن دانها سالها بود و اگر در خرمن دهال بود مال مجموع
اگر بیند که کشت میکند از مرد بزرگ منفعت یابد و اگر بیند میدرود و در خرمن می نهد منفعت تمام
از جای که امید ندارد حاصل کند دیدن گندم مالی باشد که برنج بدست آورند و جاورس همچنین ارزن مالی
باشد بی مؤنت اگر بیند که از این حبوب خشک یا پخته میخورد اندیشه بود جو نعمت مهیا بود
کنجد مالی نیکو بود از جای که امید دارد کاه مال بود پنبه مالی باشد که در خانه یا جیبی در
در جایگاه بوقت دلیل شادی و خوشدلی بود نرگس زن و کنیزک بود اگر در بوستان باشد
فرزند بود و گل همچنین یاسمن شادی و خیر باشد بنفشه کنیزکی پارسا بود خار سرد زشت
و بد سیرت باشد و وام نیز باشد هیزم نفاق بود و مردم منافق تره زار مردمان بیابانی
بودند اگر دسته تره بیند دلیل خصومت بود و اگر شاخ تره در دست دارد از ... فتنه ...

باید کرد گزر بوقت خود مال و شادی و غیر وقت بدروی جوانمرد و اندیشه شلغم زن روستای
و اندیشه بود چغندر چیزی نفع بود ترب مرد بدروی بود و جز روزی حلال کرفس همچنین
بادنجان بوقت خود روزی بود و اندیشه و غیر وقت نیکو نبود باقلی خشک شادی و فراخی سال بود
پیاز و سیر فراخی نعمت بود با رنج و کشکوی خشک و پشیمانی و بدنامی و مال حرام و چون پخته بیند
که خورد از ناشایست توبه کند عدس همین تعبیر دارد بذر و حبوب که داروها بکار برود و سخنها
سودمند و حکمت و علم خشخاش مال دنیا بود انگبین روزی حلال بود دیدن معدنیات
زر غم و غرامت بود اگر بیند که در دستی از فت فرزند بود اگر بیند باشد علم و حکمت و قوت در
در کار دین و دنیا دیدن پاره زر بزرگ یابد دلیل پادشاهی و مهتری بود اگر بیند که زر میریزد
آفت و بلا بود و اگر بیند که زر با امانت بکسی بدهد آنکس با وی خیانت کند نثار زر سخن مکروه باشد
که شنود دیدن نقره مال مجموع بود پاره نقره کنیزک اگر بیند نقره از کان بیرون می آورد
یا زنی عقد کند اگر نقره گداخته در خصومت افتد دیدن درهم درست دیدن باشد و علم و قضای حاجت
و شادی و گواهی درست دین باشد و علم و قضای حاجت شادی و گواهی درست و فرزند نیز باشد
نثار شنیدن سخن نیک بود اگر بیند که درمی ضایع کرد جاهلی را نصیحت کند و نشنود و گنج
علم باشد و نفع در تجارت و ولایت با عدل باشد که بیند و بعضی گفته اند یافتن گنج غم و اندوه

بود و دلیل و قاش نیز باشد و عالم را زیادتی علم و پادشاه را زیادتی جاه و بازرگان را زیادتی مال و یاقوت نیز همچنین و لعل
مردی شجاع و مهذب بیدار بود و مال حلال نیز باشد زمرد و زبرجد منظوم قرآن باشد و علم و فرزند و غلام مروارید را
سوراخ کردن تفسیر قرآن کردن بصواب اگر بیند که میفروشد ثمره علم بمردم رساند مروارید خورده شد زن و کنیزک نیز
و مروارید منثور مال بسیار بود و خدام میراث و اگر بیند که مروارید بچوب سوراخ میکند با محرمی صحبت میکند چنان گفته اند
مال بسیار بود فیروزه فتح و نصرت و عمر دراز بود و فرزند نیز عقیق عزت و نعمت بود جزع همچنین و بعضی
جزع خصومت بود شبه مال بود از وجه شبهه و دوستی نه درست و زن آبستن را فرزند بود آهن مال و
قوت باشد برنج مال ترسایان بود دیدن روی مال جهودان ارسیس مال کافران بود و عوام خلق اگر بیند از نیز میگدازد
در خصومتی افتد آبگینه اندیشه سهل بود سرمه مال بود زیادتی بصیرت در صلاح سرمه دان زن باشد
و چوب سرمه فرزند اگر بیند در دست سیماب دارد وعده خلاف نفط زن زناکار و مال حرام خار نگهبانی باشد از آفتها
درم باشد ... مال تاج ملک و پادشاه و بزرگی بود مرد را زنی توانگر بود و زن را شوهر توانگر بود و فرزند در
دین و علم قرآن و نام نیک زیادت شود اگر زن آبستن در گوش خود مروارید بیند پسر زاید زن نیکوی ... از شوهر
و مرد را ظفر و بهتری و بازرگان را سود و منفعت اگر چه بیند باشد افزون دیدن دست برنجین اگر مرد بیند از دست خیر
دست یکی بیند اگر بسیار باشد بر دشمن ظفر یابد اگر بیند که پادشاه رعیت را در دست میکند آن رعیت از پادشاه
عدل بیند اگر پادشاه بیند که در دست میکند فتح و بزرگی از دست او برآید و زن را فرزند نرینه و نیکو بود

بانند زینت وجمال ونفع بود انکشتری فرزند باشد وزن وکنیزک وسرای چهارپایان ومال وولایت اکر زر
باشد بی نکین مردانرا پسندیده نبود وکفته اند انکشتری بزرک سلطان بود وحلقه اهل ملک ونکین هیبت ومهر
نفاذ امر وفرمان ونقش مهر ومراد اکر بیند که از آهن یا نقره انکشتری در دست دارد باشد از خود بزرکی یابد یا زنی
توانکر کند یا فرزند شایسته واکر بیند که نکین از انکشتری بیفتاد خللی باشد در معانی اکر انکشتری خود را بفروشد
از زن جدا شود اکر بیند که انکشتری از انکشت به انکشت میبرد زنش با وخیانت میکند دیدن نکین فرزند باشد
ومهتری کم بود باشد وعم وفرزند وبرادر ورئیس قوم کرید ومستظهر باشد واکر از آهن یا نقره باشد بهتر بود
واکر بیند کمری برمیان بست استظهاری وقوتی تمام یابد وکویند نیمه عمر او مانده باشد وتا عمر در این کذارند
یا ودنجن فرزند باشد اکر دزنسپاری بود وزر ایمنی از خوف وشوهر کردن بند زنان را جمال وزینت بود ومردانرا
پرهیزکاری وحفظ قران مورش ومهرهای بها مال حرام بود فلوس سخن باشد وعیش وخیانت نیز بود
قلم حکمت وعلم وامر ونهی وولایت دوات کنیزک وزن آبستن باشد ومنفعت از زنی ه لالاد مجری دنی عالم
باشد دینار با منفعتی از جهت زنان مصحف میراث وامانت وروزی حلال وقوت وبخت باندازه
لوح دیانت علم وحکمت بود باندیشه بارامت برقوی جهال مداد سیاد وسروری بود اکر بیند که
مداد بر جامه او چکد واو اهل قلم نبود انکس با برص یا جوب یا آبله بیند آید دیدن دیلتخوان یکی بود دوم
سرای چهارم بود محکار دیکپایه هم سرای بود آتشدان وتنور محتشم بود یا کدخدای شمع وچراغ

مهتران قبیله باشد ومهتران عالم وعابد وسال نیز باشد چراغ یا قوت آدمی بود وچراغدان وروغن
وفتیله رطوبت او واکر چراغ افروخته باشد دلیل شد رمستی ودراز عمر بود انکشت وخاکستر وغبار مانند پیشه
باشد بیفاید وخصومت وبیماری نیز هرچه از آلات وادوات چون از آهن بیند قوت باشد وچون از جوهری
دیکر بود بر آن چیز تعبیر کنند آینه دولت یا مهتر یا منکار بود اکر در آنجا نکرد وصورت خود بیند او را پسری شود واکر
عامل باشد معزول شود وبجای او دیکری همچو او بنشیند ویا زن را طلاق دهد اکر کودک بیند او را برادری آید
شانه یاران موافق باشد اکر بیند که موی بشانه میکند بمعونت یاران از اندیشه بیرون آید شانه کهنه اکر ضایع
از غم نجات یابد مرحم خدمتکاری آسایش رساننده بود ودامی وغرم در دست مقراض دو مرد باشند در
ولایتی یا شهری همچو قاضی ورئیس که قطع وفصل خصومتها کنند وفرزند ویار وبرادر نیز باشد طبق
باشد کدکار ها مردمان بسازد کاسه ها خدمتکاران باخیر وبرکت ظروف سکره وطاس وجام دوست بود
دیدن سبو وکوزه ودیه زنان باشند وخدمتکار غربال مانند آن خدمتکار متمیز بود بیل وتبر فرزند باشد
وخدمتکار قوی وکلنک همچنین کلید دان مزدور بود کلید پادشاه ومال وجاه واکر بدان دری
بکشاید کاری بزرک از دست او کشاده شود وقوتی تمام یابد خصوصا چون از آهن بود ومال
نیز باشد خوان معیشت بود واکر بر خوان نان خورد چیزی خوردی بیند عمر او دراز بود
وشهر نیز باشد اکر جهی بادبان خاصان باشد سماد پادشاهی یا حکیمی که مردم بقوت او بمقصود رسند

میخ کاری باشد که محکم دردین او پادشاه یا ماندن آن اکر بیند که میخ آهنین از پشت او فرو میرود از پشت او فرزند آید
که مهتر قوم کردد وعالم نیز بود واکر میخ بر دیوار زند مردی بزرک را دوست دارد ومیخ دلیل اندیشه بیجا
وعشق نیز بود قفل خدمتکار امین باشد از زنان یا عزم کاری وسفری وکشودن وبستن آن شادی وغم
زنجیر اکر در دست بیند کناه بود اکر در زنجیر بیند خدمتکار بود دیدن سوزن وجوال دوز آلتی که باشد دیدن
کار خود با صلاح آورد واندکی از آن در خواب بجهه کر بسیار باشد تخت بی جامه زنی منافقه باشد وزنی بجمال
ومال اکر خود در او خفته بیند نیک باشد واکر نشسته بیند سفری کند کرسی همچنین اکر تخت وکرسی
بزینت وجامه بیند زیادتی وحشمت بود بساط دنیا باشد وعمر دراز چون آن تعبیر کنند اکر بیند که بساط
باز میکند دلیل درازی عمر او باشد اکر بیند که در هم نوردد دلیل نزدیک آمدن اجل بود وهمچنین حال اکنده معالی
همین حکم دارد پرده ترس واندیشه بود که خود نکرد صندوق زن خدمتکار ومعتمد بود وغلام وکنیزک
باشد نردبان چون بر رود دلیل سفر وزیادتی درجه بود وچون فرود آید دلیل با نامراد آن عهد بود
رسن دین باشد اکر بیاید سفر کند اکر بیند که رسن در کردن کسی کند انکس با زن دید ورسن
نیز باشد جوال وانبان وغراره صاحب سر باشد دیدن بالا زن اعجمی بود وهودج زن باشد که هواداره عیش
خویش وآسایش وزن مهربان بود علم مرد عالم باشد یا امام وقت یا شجاع وتوانکر وجوانمرد نیز باشد
علم سرخی از مردی کمال او اولی باشد شادی بیند اکر علم سیاه بیند مهتری یابد وعلم سفید حجی

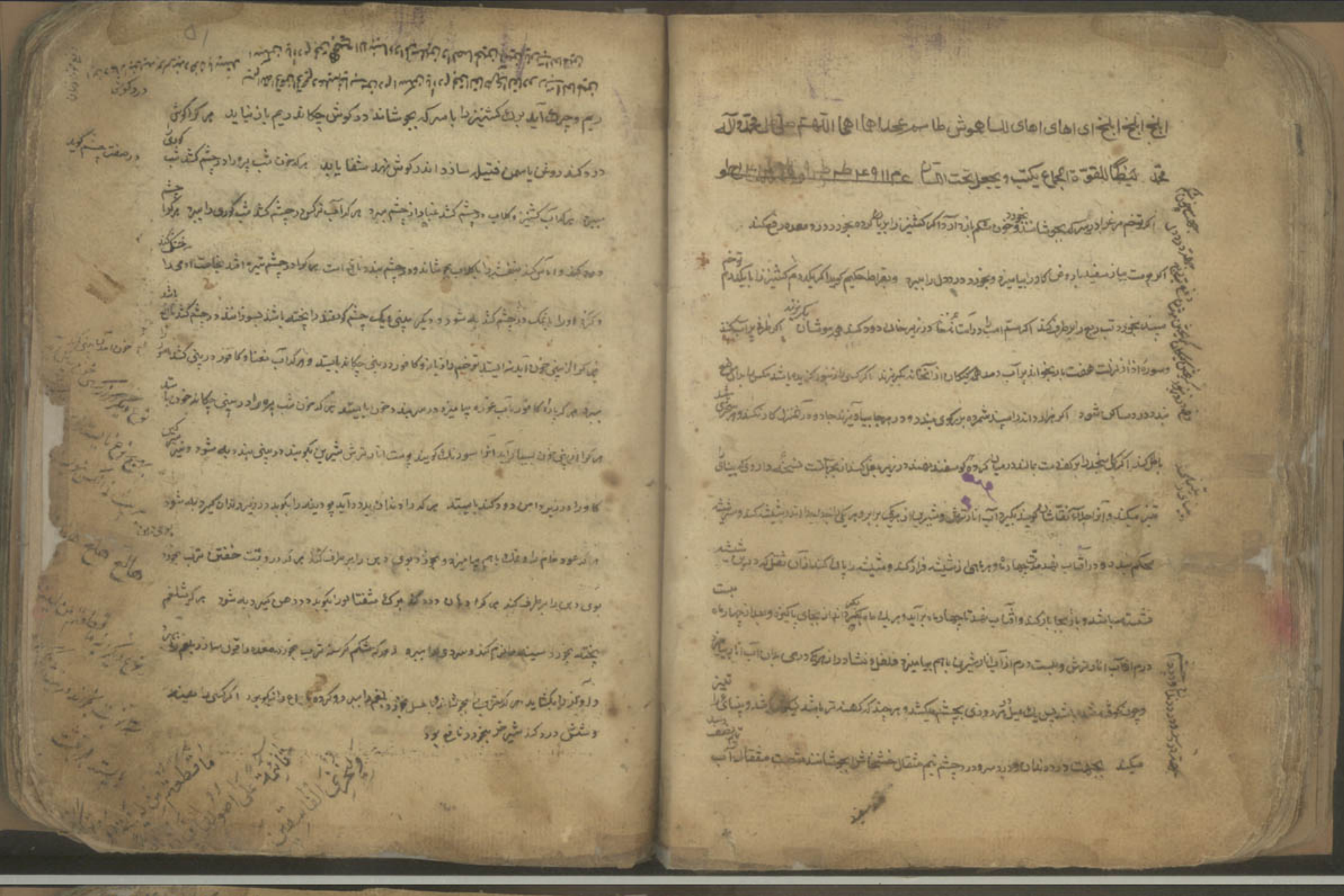
غیور باشد وزن بیماری وسبز سفری باشد بخیر وسلامت ودر میان قوم مذکور شود چتر پادشاهی ومرتبه باشد
طبل خبر دروغ باشد اکر پادشاه بخواب بیند طبل او بدرید ویا کم شد یکی از مهتران او هلاک شود دهل
مرد توانکر نظر کرشه باشد ولاف زنان واوازه وازصبح بود بدیه اخبار مختلف ونا خوش بوق
اکرکسی بانک بوق شنود او را حادثه خوانند اکر خود بوق زند در حادثه افتد منجنیق بها وسخن باشد
کمان زن باشد وبرادر وفرزند وسفر وولایت وقرب جستن بحق تعالی اکر بیند که کمان میتراشد یا کلفتی
زنی کند واکر زن آبستن پسری زاید اکر کمان بکشد سفری کند در حرمت وبزرکی وبخوبی که در کمان
بیند خلل باشد در این معانی تیر دلیل رسول وپیغام ونامه نیزه سفر وزن وولایت وفرزند باشد سپر
برادر ویار وقوت باشد سنا ودیکر سلاحها آهنین که با آن ماند عمر دراز وبرادر وولایت وظفر ومنفعت باشد
باندازه وقیمت وصلاح ومقداری بیند جعبه زن وکنیزک وشهر نیز کنند مرد باشد که در کاری
قوی واستعانت جوید شمشیر پادشاه باشد وزن وولایت اکر بیند که حمایل کند ولایت یابد یا زنی کند یا فرزند
آید اکر بیند که حمایل بکسلد از ولایت معزول شود یا فرزندش بمیرد ویا زن را طلاق دهد زره حصنی باشد
یا شهری حصین وولایت ودین ودیانت بود پوشیدن خود امن بود از آفات وزن نیز بود هرکه خود را
باسلاح تمام بیند در میان جماعتی که سلاح ندارند مهتر ومقدم ایشان بود دیدن لشکر یاران خیل ذنب زین باشد
لجام دین ودیانت بود دیدن خیمه وخرکاه پادشاه وولایت بود وحمود وسرای وکنیزک یکی نای مصیبت بود

دف چون ازنی زند خبر باشد اگر مردی بیرون زند ظاهر شدن بخت اگر جوان زند ظاهر شدن دشمن و کام باشد که
شادی بود دیدن شطرنج غرور و کارهای باطل بود و اگر بر حریف غالب شود در کارهای باطل مستولی شود
نان پاکیزه عیش خوش و مال حلال و شهر آبادانی بود و نان خشکار بضد آین دیدن کرده هزار درهم و یا صد
درم بعد از پینه و پادشاه شهری یا ولایتی نان بسیار در خواب یاران و دوستان باشند و عمر دراز
گوشت خام مال حلال بود و پخته و بریان مال پادشاه و صلوح و اندیشه و غم ترید روزی مهیا انگبین
مال حلال باشد و خیر و منفعت و شفا بود شکر و جملگی حلواها سخنهای خوش و مال بسیار بود و فرزند
و هر خوردنی که در آتش پخته باشند از اطعمه و اشربه مال باشد بخصوص اما حلواها دیدن آب صاف عیش
و عمر دراز حلاوت سخن خوش و مال و علم ادب دین باشد و بیشتر شربتهای شیرین همین حکم دارد و شراب
و سیب و انار و به همچنین دیدن شیر هر حیوانی که گوشت او حلال بود روزی و کار نیک بود و شیر ترش نحیف
و شیر بچه گوشت او بخورند اندیشه و بیداری و بیماری و ترس و هر چه از شیر شود همچو دوغ و تف
بیشتر غم و اندیشه بود و مسکه پنیر مال باشد روغن مال باشد و علم و خیر و منفعت خمر مال حرام بخصوص
و نفاق و اگر بیند عصیر میکند بخدمت پادشاه پیوند سرکه مالی باشد با خیر و برکت و در بعضی اوقات و بلا بود
پیمانی و اندیشه دیدن مستی اگر از شراب بود توانگری مال بود از مال حرام اگر خیل شراب بود و آفت
جو شاب سخن خوش اگر از جانب پادشاه شود با منفعت ... خون خوردن مال حرام بود بناحق

رنج خورده تخم فرو خوردن و مال حرام خوردن و پشیمانی و توبه از گناه فقاع مال با نقصان دیدن
مشک و عنبر و کافور و صندل و گلاب و زعفران و هر چه آن خوشبوی باشد ثنا و عز و نام نیک
و علم شریف و دین پاک و خلق پسندیده و مال با نفع و زن ستوده و سیرت بود و بوی ناخوش بضد
این و بوی زعفران نیز همین حکم دارد جامه نیکو و پاکیزه جاه و حرمت و منفعت و دین و دل و ولایت
و زن نیز باشد مرد را و مرد زن را جامه نیکو شرف و حرمت و دولت باشد دستار و کلاه عز و ریاست
و مهتری بود پیراهن نیز همچنین اگر پیراهن ناپاک باشد غم و اندیشه و خلل در کار دین بود شلوار زن
باشد و بند آن خدمتکار سرای جامه سبز مرد دیندار باشد جامه سیاه رنگ و سیاه جامه
سرخ جنگ و خصومت و ظلم جامه زرد علت و بیماری جامه کبود مصیبت و اندیشه و بیشتر
جامه‌ها که نیس زنان را نیک باشد مقنعه قوت با منفعت باشد که از پدر یا برادر یا شوهر بدو رسد
و شوهر نیز بود زن را و زن مرد را جاده همچنین بالانی خیر و برکت دیدن نهالی و نطع خدمتکار
و زن باشد و عز و شرف و مرتبه نیز موزه زن بود و عیش و منفعت و قوت کفش زنی و کنیزک
و خدمتکار و مال نیز باشد از جهة زنان دیدن نعلین سفر باشد و زن و کنیز و جملگی چیزهای
پوشیدنی چون کهنه باشد و نیز غم و اندیشه و درویشی بود اما موزه که مستعمل آید بهتر
از نو باشد گویند منوچهر در خواب دید که تاجی در سر داشت که صد بیت کنگره داشت و از جها

نسخه طوطیای غوده توتیای قلمی آب غوده کداخته چند روز بگذاشته بعد
از آن بیرون آورده داخت دارفلفل توتیا سلایه کرده بکار دارند دندانی
کرم خورده جگر و زنخ بر سر دندان نهند کرم بیفتد نوع دیگر اگر قدری عاقرقرحا یکماه
در سرکه شد یکسال بگذارند تا مثل خمیر شود و بدندان نهند اگر بدندانها دیگر رسد کرم بیفتد
اگر پیاز با قدر مشک خالص بساید و بر قضیب و خصیتین و عانه مالد و روغن
نیز بدان چرب کند چندانکه خواهد مجامعت و آب برادر یخته شود و چون فارغ شود قضیب
همچنان استاده باشد تا آزرده شود نوع دیگر زهره کرگ دو دانگ و روغن نرگس
یکدرم نیم و با هم بیامیزد و بر زهار و خصیتین و ذکر مالد چندانکه خواهد مجامعت کند و قضیب
همچنان استاده باشد مگر با آب سرد بشوید تا فرو نشیند هر کس تخم ترب با زرده
تخم مرغ نیم برشته کند بخورد کرده را قوی کند و مجامعت را قوت دهد در تقویت باه
و فربهی خوردن ماهی که باشد شود اگر سینه را از نقش خلط ساده کند و دبود داده
آرد قوت باه را زیاده کند از جهة دفع سرعة انزال در کاغذ نویسد و در دهن گیرد تا
نیاید انزال شود ... یکتب فی حال الانزال ولا یرفع الجماع مادام الکتاب
عنده ... لیفلا القوة للجماع تعلیقه

انگشت او چهار جوی آب بیرون رفت اخیار عصر او تعبیر کردند که صد بیت سال پادشاهی کند
و حکمای بزرگ در عهد او بدید همچنان بود که گفته بودند حضرت موسی علیه السلام در عهد او
آمد نوشیروان بخواب دید که از جام زرین آب میخورد و خوکی با او در آن جام همی خورد بوذرجمهر
پرسیدند گفت بفرمای تا همه زنان که در شبستان تو اند برهنه پیش تو آیند همچنان فرمود یکی از ایشان
در برهنه شدن تعلل و ابرام می نمود چون بصد ابرام برهنه کردند مردی بود گفت
جام زرین سرای تست و خوک این مرد که خیانت میکرد گفت در خواب دیدم که سوره
اذا جاء نصر الله میخواندم از ابن سیرین پرسیدم گفت در خانه رو و وصیت کن که این
آخرین سوره‌هاست که خدا تعالی فرموده مردی در خواب دید که سوره ی با وسین میکرد
از ابن سیرین پرسید گفت توبه کن که اجل تو نزدیک شده است آنکس بخانه رفت توبه کرد همان
روز فوت شد مردی در خواب دید که روغن زیت در بن درخت میریخت از ابن سیرین
پرسید گفت در یاب که با مادر خود صحبت میکنی اگر مرد چون تفحص کرد مادر خود را کنیز کی دید
بود خبر نداشت مردی در خواب دید که ستاره‌ها همه فرو ریخت چون روز شد موی سرش
ریخت و بعلت داء الثعلب گرفتار شد شخصی بخواب دید که جامه ابریشم پوشیده
بمرد و ملک او بمیراث با او رسید شخصی بخواب دید که از ماه چراغ میگرفت آنکس نابینا شد



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي احل النكاح وحرم السفاح والصلوة والسلام على سيدنا ونبينا وخاتم النبيين محمد واله الطيبين فان الله تبارك وتعالى امرنا بالنكاح والطهور ونهانا عن السفاح والفجور حيث قال في سورة النور وانكحوا الايامى منكم والصالحين من عبادكم وامائكم ان يكونوا فقراء يغنهم الله من فضله والله واسع عليم وقال رسول الله صلى الله عليه واله وسلم النكاح سنتي فمن رغب عن سنتي فليس مني اقول قولي هذا واستغفر الله العظيم لي ولكم ولسائر المؤمنين اجمعين انه هو ارحم الراحمين اللهم صل على محمد النبي والوصي والبتول والسبطين والسجاد والباقر والصادق وموسى وعلي والتقي والنقي والعسكري والحجة القائم صاحب الزمان صلوات الله وسلامه عليه وعليهم اجمعين

صورة صيغه عقد دوام طرف ايجاب انكحت موكلتي موكلتي زينب من موكلي موكلك محمد على الصداق المعلوم

قبلت

قبلت النكاح لموكلي موكلي محمد على الصداق المعلوم زوجت موكلتي موكلتي زينب من موكلي موكلك محمد على الصداق المعلوم
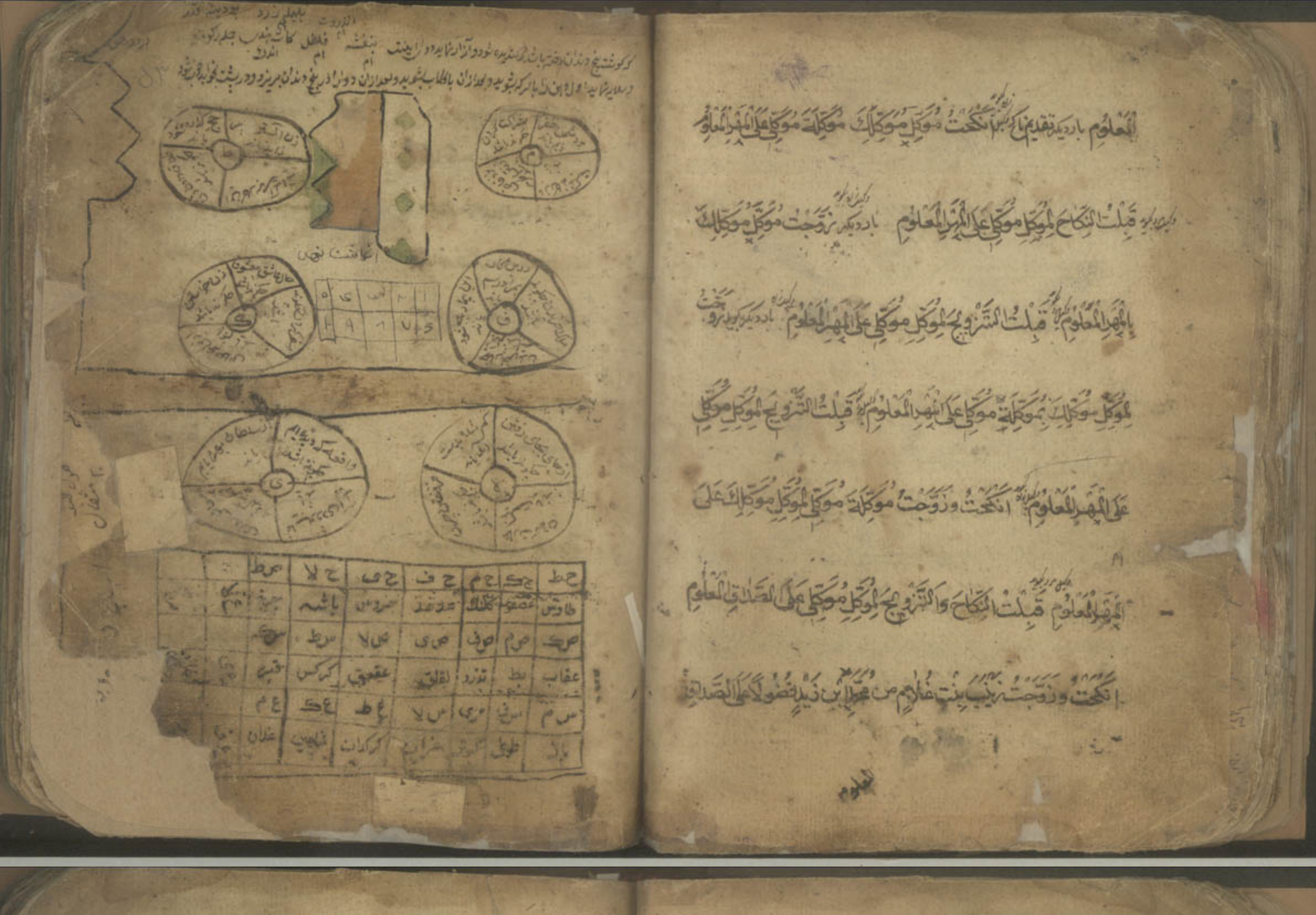
قبلت التزويج لموكلي موكلي محمد على الصداق المعلوم انكحت

وزوجت موكلتي موكلتي زينب من موكلي موكلك محمد على الصداق المعلوم

قبلت النكاح والتزويج لموكلي موكلي محمد على الصداق المعلوم

تقديم صداق على الصداق المعلوم انكحت وزوجت موكلتي موكلتي

موكلي موكلك قبلت النكاح والتزويج لموكلي موكلي على الصداق



المعلوم بار دیگر تقدیم ... انکحت موکل موکلک موکلة موکلی علی المهر المعلوم

قبلت النکاح لموکل موکلی علی المهر المعلوم بار دیگر زوجت موکل موکلک

بالمهر المعلوم قبلت التزویج لموکل موکلی علی المهر المعلوم بار دیگر بگوید زوجت

لموکل موکلک بموکلة موکلی علی المهر المعلوم قبلت التزویج لموکل موکلی

علی المهر المعلوم انکحت و زوجت موکلة موکلی لموکل موکلک علی

المهر المعلوم قبلت النکاح والتزویج لموکل موکلی علی الصداق المعلوم

انکحت و زوجت زینب بنت غلام من محمد بن زید فضولاً علی الصداق

المعلوم

۵۵

طاوس

سوال کرده بخانه عدد قهردو — ازجای بجای رفتن نیکست

خوابی که دیده بغایت نیکست — این ملک را بخر که بتو فایده دادد

نزد قاضی برو که ظفر ترا باشد — ازین غم خلاصی یابی دل خوش دار

زن را طلاق مده حال صبر کن — این عمارت کردن مبارکست

از سلطان عزت جاه یابی — درین نیت صبر باید کردن

عصفور

سوال کرده بخانه عدد قهردو — این کار بزودی بر آید

ازجای بجای رفتن صبر کن — خوابی که دیده بتو فرح میرسد

ملکی که بخری فایده خواهی یافت — نزد قاضی برو که ظفر ترا باشد

ازین غم بزودی فرج یابی — از طلاق دادن حذر کن

عمارت کردن تعجیل کن — نزد سلطان برو که مراد بر آید

کلنک

سوال کرده بخانه عدد قهردو — درین سفر عزم کن فایده یابی

بشارت باد ترا که این کار بر آید — نقل کن ازان فایده یابی

... آشکار مکن — این ملک بخر که فایده است

٥٤

نزد قاضی مرو که ظفر از دشمنست — بشارت باد ترا که ازین غم خلاص یابی

زن را طلاق مده که پشیمان شوی — این عمارت را باز کن مبارکست

هدهد

سوال کرده بخانه عدد قهردو — درین وقت با دشمن معامله مکن

درین ادم بسفر مرو که پشیمان شوی — این کار بدشواری کند صبر کن

نقل مکن که دران فایده نیست — بشارت باد ترا که تعبیر خواب نیکست

این مقام وقت دیگر خریده شود — نزد قاضی برو ظفر ترا باشد

ازین غم خلاص باید صبر کن — ببازرگانی برو که فایده دارد

خروس

سوال کرده بخانه عدد قهردو — این بیمار بزودی شفا یابد

محافظت کن که ظفر ترا باشد — بسفر برو که سعادت یابی

این کار بزودی بر آید — نقل حرکت مکن پشیمان شوی

این خواب را کس مگو — این را بخر که فایده است

نزد قاضی مرو که ظفر او را باشد

باشه

بشارت باد که ...

سوالکه دبخانه عدد قرعه رو   این غایب چند روز دیگر میرسد
این رنجور چند روز دیگر به شود   از دشمن حذر کن که ظفر او را باشد
سفر رفتن موقوف دار   این مراد دل تو بر آید
مهم جا میروی برو که فایده هست   خوابی که دیده بغایت خوبست
این را مجو که فایده ندارد   نزد قاضی برو که ظفر ترا باشد

چرخ

سوالکه بخانه عدد قرعه رو   این گم شده بتو خواهد رسید
این غایب کار بدیر کشد   این بیمار بعد شفا یابد
از دشمن حذر کن البته   سفر رفتن را موقوف دار
این کار دیر بر آید صبر کن   درینوقت جای مرو صبر کن
ازین خواب حذر باید کردن   این ملک را مجو که فایده ندارد

عقاب

سوال کرد بخانه عدد قرعه رو   این زن آبستن پسر زاید
[illegible] بتو میرسد   این غایب بزودی میرسد

از برای رو بیست
[illegible] چهل [illegible] عدد حبیب سازد یک عدد شب یک [illegible] او بخورد
رو بیست [illegible]

رنجور دیر کشد اما شفا یابد   بشارت باد ترا بر دشمن ظفر یابی
صبر مرو که صلاح نیست   این کار درینوقت بهم نمیرسد
درینوقت جای مرو صبر کن   تعبیر این خواب نیکست

بط

سوالکرده بخانه عدد قرعه رو   دوست بتو میرسد دل قوی دار
زن آبستن پسر آورد   این گم شده بتو خواهد رسید
این غایب [illegible] میرسد   این بیمار شفای خیر یابد
این کار دیر بر آید   ازین سفر دو هفته صبر کن
از جای بجای رفتن نیکست   این نیت بغایت خوبست

تذرو

سوالکرده بخانه عدد قرعه رو   این تجارت بخیر خواهد بود
دوست بزودی بتو خواهد رسید   این زن پسر آورد
گم شده بزودی پیدا شود   غایب [illegible]
این بیمار بزودی شفا یابد   ازین دشمن [illegible]

درین سفر خود فایده نیست   این کار چند روز دیگر بر آید

لقلق

سوالکرده بخانه عدد قرعه رو   چهار پا را بخر که فایده دارد
بازرگانی برو که فایده دارد   معشوق زود بتو خواهد رسید
زن دختر زاید   گم شده بتو خواهد رسید
غایب بزودی میرسد   این بیمار بعد از یک هفته شفا یابد
بر دشمن ظفر یابی جهد کن   درین [illegible] که فایده دارد

عقعق

سوالکرده بخانه عدد قرعه رو   روزی بتو میرسد بخوبی
سفر برو که بغایت نیکست   این چار پا را بخر که خیر دارد
مطلوب میرسد غم مخور   زن پسر آورد
گم شده بتو میرسد   غایب بتو میرسد
بیمار چند روز دیگر شفا یابد   بر دشمن ظفر یابی غم مخور

کرکس

سوال

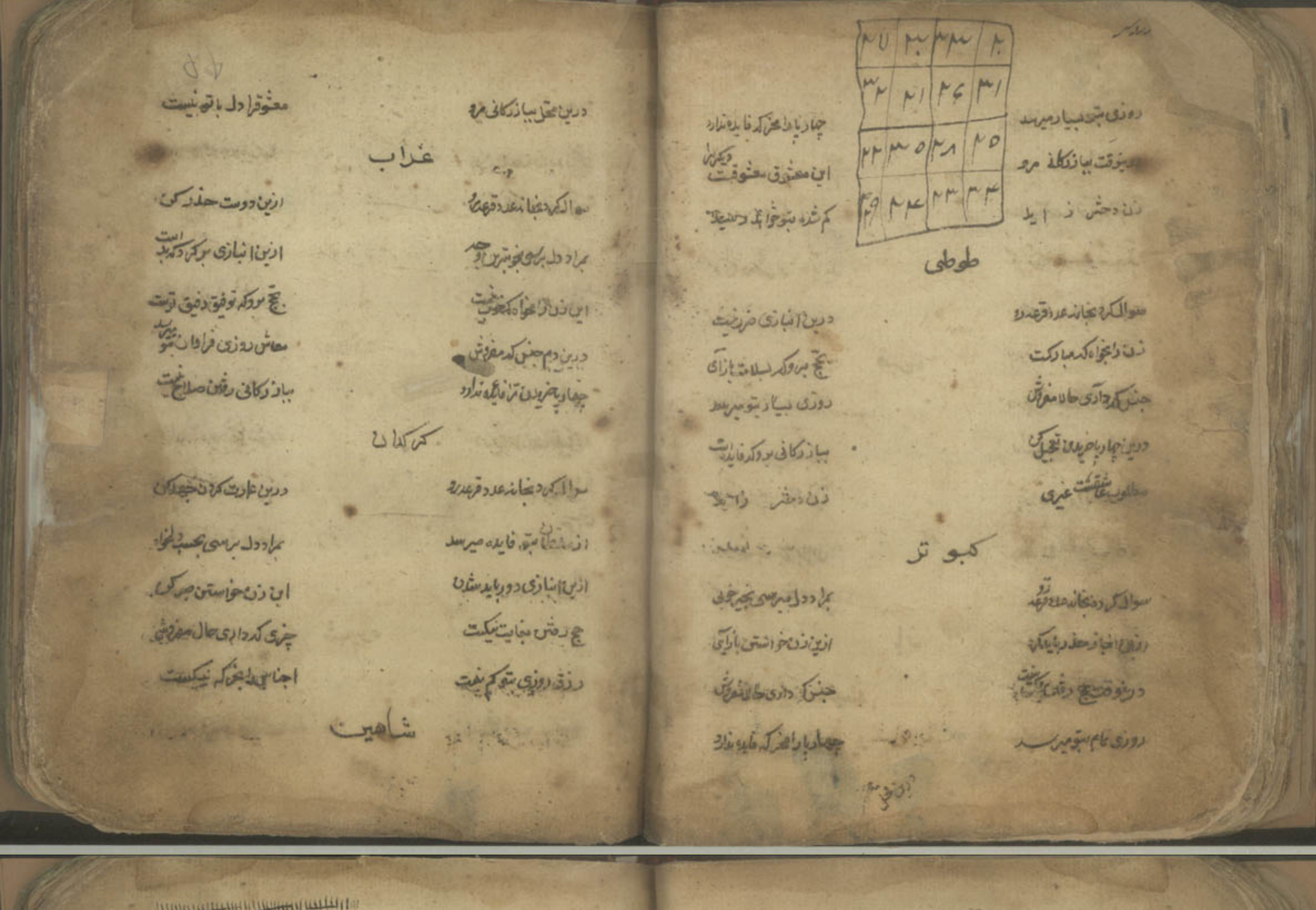
سوالکرده بخانه عدد قرعه رو   درینوقت چیزی مفروش
بشارت باد ترا که بمقصود [illegible] رسی   چهار پا را بخر که پشیمان شوی
بازرگانی برو که فایده دارد   مطلوب [illegible] با تو یکدست
زن دختر زاید   گم شده بتو میرسد
غایب بزودی خواهد رسید   رنجور بزودی شفا یابد

قبره

سوالکرده بخانه عدد قرعه رو   درین بیع جهد کن که مبارکست
در فروختن چیزی صبر کن   رزق بتو بسیار میرسد
این چهار پا را بخر که فایده است   تجارت برو که فایده دارد
دوست بتو میرسد مراد دل   زن پسر زاید
گم شده میرسد [illegible] بسیار   غایب میرسد بسلامت

باز

سوالکرده بخانه عدد قرعه رو   این زن را بخواه که خیر ندارد
درینوقت گنج بر بیاید   چیزی داری حالی مفروش



۲۷	۳۰	۳۳	۲۰
۳۲	۲۱	۲۶	۳۱
۲۲	۳۵	۲۸	۲۵
۲۹	۲۴	۲۳	۳۴

روزی بتو بسیار میرسد — چهار پا را مخر که فایده ندارد

درین وقت بیاز دکانی مرو — این معشوق معشوقت دیگرست

زن دختر زاید — کم شده بتو خواهد رسید

طوطی

سوالکرده بخانه عدد قرعه دو — درین انبازی ضرر نیست

زن را بخواه که مبارکست — هیچ برو که بسلامت باز آی

جنس که داری حالا مفروش — روزی بسیار بتو میرسد

درین چهار پا خریدن تعجیل کن — بیاز دکانی برو که فایده است

مطلوب عاشقت عزیزی — زن دختر زاید

کبوتر

سوالکرده بخانه عدد قرعه دو — مراد دل میرسی بخیر و خوبی

درین انباز حذر باید کرد — ازین زن خواستن باز آی

درین وقت هیچ رفتن نیکست — جنس که داری حالا مفروش

روزی تمام بتو میرسد — چهار پا مخر که فایده ندارد

درین محل بیاز دکانی مرو — معشوق را دل با تو نیست

غراب

سوالکرده بخانه عدد قرعه دو — ازین دوست حذر کن

مراد دل برسی بخوبتر وجه — ازین انبازی بر کن که بد است

این زن را بخواه که خوب بخت است — هیچ برو که توفیق رفیق تست

درین دم جنس که مفروش — معاش روزی فراوان بتو میرسد

چهار پا خریدن ترا فایده ندارد — بیاز دکانی رفتن صلاح نیست

کرکدان

سوالکرده بخانه عدد قرعه دو — درین عمارت کردن جهد کن

از سلطان بتو فایده میرسد — مراد دل برسی بحسب دلخواه

ازین انبازی دور باید شدن — این زن خواستن صبر کن

هیچ رفتن بغایت نیکست — چیزی که داری حالا مفروش

رزق و روزی بتو کم نیست — اجناس را بخر که نیکست

شاهین

سوالکرده بخانه عدد قرعه دو — زن را طلاق بده که صلاحست

درین عمارت جهد باید کرد — از سلطان دور شو

مراد دل میرسی چنانچه خواهی — انبازی کردن بسیار نیکست

این زن را بخواه که مبارکست — هیچ رفتن را جهد کن

جنس را مفروش پشیمان شوی — معاش روزی بسیار بتو میرسد

غلان

سوالکرده بخانه عدد قرعه دو — ازین غم فرح یابی

زن را طلاق مده پشیمان شوی — درین عمارت تعجیل کن

از سلطان بتو فایده میرسد — مراد دل میرسی و خوشدل

انبازی مکن که فایده ندارد — بشارت باد ببین زن خواستن

هیچ برو که فایده بتو میرسد — جنس که داری مفروش

شب پره

سوالکرده بخانه عدد قرعه دو — نزد قاضی برو که نصرت یابی

ازین غم فرح خواهی یافت — زن را طلاق مده صبر کن

این عمارت کردن مبارکست — از سلطان عزت جاه یابی

مراد دل میرسی خاطر جمع دار — درین شرکت نفع یابی

زن خواستن را جهد باید کرد — هیچ برو که توفیق رفیق تست

هزار دستان

سوالکرده بخانه عدد قرعه دو — در خریدن این ملک تقصیر مکن

نزد قاضی برو که نصرت یابی — ازین غم فرح و شادی خواهی یافت

زن را طلاق مده صبر کن — عمارت و املاک خریدن نیکست

از سلطان دور شو — مراد دل میرسی بخیر و خوبی

ازین انباز حذر باید کرد — زن را بخواه که خدا راضی است

شتر مرغ

سوالکرده بخانه عدد قرعه دو — این نیت را عاقبت خیر باشد

این ملک را مخر که فایده ندارد — نزد قاضی برو که ظفر ترا است

ازین غم فرح بینی صبر کن — در طلاق دادن جهد کن

این عمارت کردن صبر باید کرد — از سلطان عزت جاه یابی

مراد دل میرسی چنانچه خواهی — درین انبازی صبر باید کرد

اما بعضی چیزها در مسئله بدا از انواع عظیم میان علما خاصه و عامه بهم رسیده و منشا
تشنیع مخالفان بر شیعه گردیده و در اکثر مسایل توحید امامیه در تنزیه جناب مقدس ربوبی
اهتمام نموده اند و برایشان تشنیعات و الزامات کرده اند مانند رؤیت و زیادتی صفات و جبر و امثال اینها
و در این مسئله بر شیعه افترا بسته اند و بکمال ناسپاسی خود ندانسته بعضی این تشنیعات کرده اند لهذا
ضرور شد که چند کلمه در تحقیق مذهب امامیه رضوان الله علیهم در این باب نوشته شود که موجب تبصره اقوام مومنان
و سبب فهم خواص و عوام گردد باید دانست که بدا در لغت بمعنی ظاهر شدن است و اطلاق میکنند بر ظاهر شدن
رای بعد از آنکه بخلاف آن ظاهر شده باشد مثلا اگر کسی اراده امری کند بگمان مصلحتی بعد از آن
خلاف آن مصلحت بر او ظاهر شود و آن را ترک کند و در فارسی تعبیر از آن پشیمانی کنند و اهل سنت بدا
بمعنی حمل کرده اند و بشیعه نسبت داده تشنیع ساخته اند و شیعه از این تبری نموده اند و احادیث
در خلاف این متواتر از ائمه معصومین علیهم السلام وارد شده و اعتقاد ایشان آنست که هیچ امری بر حق تعالی
امری [illegible] مخفی بر او ظاهر شود یا اراده [illegible] پشیمان شود اما در تحقیق بدا اختلاف کرده اند بعضی گفته اند که
بدا بمعنی فسخ است که حق تعالی در زمانی حکمی مقرر فرماید و بعد از آن در زمان دیگر آن حکم را بر طرف کند
بمصلحتی بعضی [illegible] انکار کرده اند و این معنی متضمن پشیمانی و اختلاف علم نیست بلکه در هر زمانی حکمی [illegible]
مثلا چون مصلحت متبدل شد حکم نیز بهم بدل میشود مثل آنکه در امت حضرت موسی علیه السلام

شکار

شکار در روز شنبه حرام بود برای مصلحتی و در زمان حضرت عیسی علیه السلام چون آن مصلحت بر طرف شد
حکم نیز متغیر گشت و شکار شنبه حلال شد و بعضی گفته اند که بدا در امور تکوینی مانند نسخ است در احکام
شرعی چنانچه نسخ آنست که حکمی از شارع برسد و گمان کنیم که آن حکم مستمر خواهد بود بعد از آن منسوخ
کرده و حکم دیگر مقرر شود همچنین در امور تکوینی اگر امری بحسب علل و اسباب و قراین احوال چنان نماید
که مستمر خواهد بود بعد از آن بر طرف شود و نوع دیگر شود آن را بدا گویند مثل آنکه اسماعیل فرزند بزرگ حضرت
امام جعفر الصادق ع بود و مردم بظاهر حال گمان داشتند که بعد از حضرت او امام خواهد بود و بعد از آنکه او در حیات
والد فوت شد مردم دانستند که امامت او که گمان کرده بودند بر طرف شد و امامت برای امام موسی کاظم ع ثابت شد
و میگویند که این بدا است یعنی که برای ایشان ظاهر شده که پیشتر ظاهر نبود و معانی دیگر نیز گفته اند که ذکر آنها
چندان فایده ندارد و آنچه از احادیث اهل بیت علیهم السلام بر این منکشف ظاهر شده آنست که چون یهود و بعضی از
اهل سنت قایل بوده اند بآنکه حق تعالی هر چیزی که در روز اول مقدر و مقرر فرموده تغییر نیابد چنانچه
که [illegible] در روز اول کرده میگفتند یدالله مغلولة یعنی دست خدا بسته است دیگر کاری نمیتواند کرد
و بعضی از حکما میگفتند که حق تعالی جمیع مخلوقات را یکدفعه خلق کرد و ما کرده در زمان [illegible]
و مستقبل و حال ایشان [illegible] و اما پیش خدا [illegible] اینها [illegible] و تشبیه میکنند [illegible]
انواع مختلفه [illegible]

نوشته شده است که عمر زید سی سال است یعنی اگر عالی و متوسط باشد و کارهای بسیار زیاد و کارهای
بسیار بکند مصلحت در آنست که عمر او سی سال باشد پس اگر تصدقی کند و یا صله رحم کرد خدا
امر میفرماید که ملائکه آن سی سال را محو کنند و چهل سال بجای آن بنویسند یا اگر قطع رحم کرد یا قسم
دروغ خورد امر میفرماید که سی سال را محو کنند عمر او بیست سال بنویسند مثل آنکه بلا تشبیه طبیبی ملاحظه
مزاج شخصی کرده حکم کرد که موافق این مزاج پنجاه سال عمر کند بعد از آن آن شخص بعضی
[illegible] ما نیاید از عرق چینی خورده و طبیب بعد از آن اگر بگوید که پنجاه سال عمر خواهد کرد یا اگر
بیجا و تفرقات ناموافق کرده مزاج او ضعیف گردد و حکیم بعد از آن حکم کرد که عمر او زیاده از سی سال
بود [illegible] حکیم را بدروغ نسبت نمیدهند زیرا که حکم اول موافق ظاهر او بود اما در لوح محفوظ اگر خدا
داند که او تصدق یا صله رحم خواهد کرد عمر او چهل سال نوشته شده بود و اگر داند که قطع رحم کند یا قسم
ناحق خورد عمر او سی سال نوشته شده خواهد بود اما فایده این دو لوح بقدر عقل قاصر ما چند
امر است اول آنکه ملائکه مطلع شوند بر لطف خدا نسبت بعباد و تاثیر اعمال خیر و شر در زیادتی اعمار و ابطال آن
[illegible] وجه زیادتی معرفت ایشان گردد دوم آنکه مردم باخبار انبیا و رسل و اوصیا [illegible]
[illegible] ایشان [illegible] امور بتقدیر [illegible] هست پس [illegible] شود و [illegible] ایشاد [illegible]
و صحبت ایشان از شرور و سیئات و لهذا مروی است که ما عبد الله بشیء مثل البداء یعنی

[illegible]

و کمی خارج از تسمیات است همه نزد او حاضر است و باین سبب قایل شده اند که دیگر امر تغییر ممکن نیست
و عالم را بالذات قدیم میدانند و بعضی از ایشان قایل شده اند که حق تعالی عقل اول را آفرید و عقل اول
عقل دویم و فلک اول را همچنین تا عقل دهم و عقل دهم مدبر عالم است لهذا ائمه علیهم السلام رد
قول ایشان کرده اند چنانکه حق تعالی فرموده است کُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ تا بدانند که خدا مدبر عالم است
انواع تصرفات در هر مخلوقی مینماید و بدعا و تصدق و خیرات و مبرات و صله ارحام عمر و دولت و سایر تقدیرات
تغییر مییابد و لهذا وارد شده است که ما عظم الله بمثل البداء یعنی تعظیم نشده است حق تعالی
مانند قایل شدن ببدا زیرا که خدا را صاحب اختیار در ملک خود میدانند و مدبر و متصرف در خلق
خود میدانند و در امور رجوع بجناب او و متوسل شوند و از آیات و اخبار ظاهر میشود که حق تعالی دو
لوح دارد یکی لوح محفوظ که مطابق علم خداست و در آن تغییر و تبدیل نمیشود و دیگری لوح محو و اثبات که در آن بعضی از امور
مطلق [illegible] و بعضی مشروط میشود چنانچه فرموده است یَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثْبِتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ یعنی محو میکند
خدا آنچه را میخواهد و ثابت میکند آنچه را میخواهد و نزد اوست ام الکتاب یعنی [illegible] که اصل [illegible]
نامها و کتابهاست که لوح محفوظ باشد یا لوح محو و اثبات و فرموده است [illegible]
[illegible] و اجل [illegible] نزد او [illegible] و یکی اجل [illegible]
که در لوح محفوظ است و دیگری اجلی است که [illegible] لوح محو و اثبات است مثل آنکه در لوح محو

نوشته شده

خدا را چیزی ثابت نمیشود مثل بدا سیم آنکه گاهی انبیا و اوصیا خبر میدهند از کتاب محو
و اثبات برای مصلحتی چند اول ترغیب عباد بخیرات مثل آنکه حضرت عیسی خبر داد که در این شب
داماد خواهد مرد و بعد از آن در زیر فراشش ماری ظاهر شد که سگی در دهان داشت برای تصدقی که
کرده بود حضرت رسول صلی الله علیه و آله خبر از مردن یهودی داد و نمرد مثل این حدیث بتصدق ظاهر شد
دوم امتحان بندگان و تشدید کردن تکلیف ایشان تا ثواب ایشان عظیمتر باشد مثل آنکه پیغمبری یا امامی
خبری از کتاب محو و اثبات دهد و بعد از آن تغییر یابد و فرماید که بدا شد تا آنکه ضعیف الایمان و قوی الایمان
ممتاز شوند و از احادیثی که واقع شده است که خبری که با انبیا و اوصیا رسیده در آن بدا نمیشود
و شاید مراد آن باشد که آنچه بعنوان حتم با ایشان رسیده و ایشان بحتم خبر میدهند و در آن بدا نمی شود
و خبر ایشان دو باب است بعضی را تقیید بحتم میفرمایند و بعضی را نه چنانچه فرموده اند که ظهور
قائم علیه السلام از امور محتوم است و سفیانی از امور محتومست و صیحه آسمانی از امور محتوم است
لهذا حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که اگر نه آیه یمحو الله ما یشاء و یثبت بود
هر آینه خبر میدادم از آنچه واقع شود تا روز قیامت و هر گاه ایشان خود فرموده باشند
که بعضی از خبرهای ما احتمال بدا هست و از احادیث ایشان ظاهر میشود که اخبار محتوم
محتوم میدارد اگر خبری فرمایند و فعل نیاید یا تاخیری در آن شود متضمن کذب نخواهد بود

که

بلکه خبر ایشان مشروط خواهد بود یا مراد آن خواهد بود که در کتاب محو و اثبات چنین نوشته شده است
از فضیل منقولست که بحضرت امام محمد باقر علیه السلام عرض کردم که خروج قائم را وقتی هست حضرت سه مرتبه فرمود که
دروغ گفتند آنها که وقت قرار میدهند بدرستیکه موسی علیه السلام چون بنزد خدا رفت ایشان را سی روز وعده کرد
پس چون ده روز اضافه شد قوم او گفتند که موسی وعده ما را خلف کرد و کردند آنچه کردند پس اگر حدیثی با شما
بگوییم و چنان شود که گفتیم بگویید راست گفت خدا و اگر خلاف آن بشود بگویید راست گفت خدا تا
دو بار ثواب داده شوید سیم از مصالح تسلی شیعیان و عدم یاس اهل ایمانست چنانچه در قصه نوح علیه السلام
خبر دادند ایشان را بفرج بعد از زمانها و چند مرتبه در آن تاخیر شد و چنانچه ائمه علیهم السلام شیعیان را
امیدوار میساختند و جراحتها که در سینه های ایشان از جور مخالفان بهم میرسید بمرهم وعده ها دوا
میکردند که در این زودی ایشان را خبر میدادند که قیام قائم علیه السلام و انتقام از مخالفان بعد از هزار سال یا زیاده
خواهد بود اکثر ما یوس میشدند بلکه اکثر ایشان از دین برمیگشتند و لهذا در زمان حضرت صادق علیه السلام
شیعیان اصحاب ما و سایر ائمه علیهم السلام منتظر فرج بودند و ثواب مییافتند و امیدوار بودند و بر دین ثابت می بودند چنانچه
ابن یقطین روایت کرده که حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرموده اند که دویست سال است که شیعه را باور
و تربیت میکنند و یقطین پدر علی چون از شیعیان بنی عباس بود و علی پسرش از شیعیان اهل بیت بود یقطین
پسر را گفت که چرا دولت بنی عباس که خبر دادند واقع شد با و فرج شما که خبر میدهند واقع نمیشود

علی بن یقطین گفت که آنچه بما و شما گفتند هر دو از یکجا بود و امر شما چون وقتش نزدیک
شما رسیده بود شما را که خبر دادند زود واقع شد و وعده فرج ما هنوز نرسیده است ما را بآرزو دلخوش میدارند
و راضی میسازند که اگر میگفتند که فرج شما نخواهد بود مگر بعد از دویست سال یا سیصد سال هر آینه دلها سنگین
میشد و اکثر مردم از اسلام برمیگشتند و لیکن گفتند بسیار نزدیکست و زود خواهد شد برای تالیف دلهای
مردم و برای نزدیک کردن امید فرج و در توحید و عیون الاخبار روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام
گفت که یا سلیمان چرا انکار میکنی از بدا و حال آنکه حق تعالی میفرماید که اولا یذکر الانسان انا خلقناه من
قبل و لم یک شیئا آیا نمی بیند آدمی که ما خلق کردیم او را پیش و نبود هیچ چیز و میفرماید هو الذی یبدؤا
الخلق ثم یعیده اوست که ابتدا کرد خلق را پس اعاده میفرماید آنرا و فرمود که بدیع السموات
و الارض پدید آورنده آسمانها و زمینها و فرموده که یزید فی الخلق ما یشاء زیاده میکند در خلق
آنچه میخواهد و فرمود که بدا خلق الانسان من طین ابتدا کرد آفریدن آدمی را از گل و فرمود که
و آخرون مرجون لامر الله اما یعذبهم و اما یتوب علیهم و دیگران هستند که تاخیر
شده است کار ایشان برای امر خدا که یا عذاب کند ایشان را یا قبول کند توبه ایشان را و فرموده که و ما
یعمر من معمر و لا ینقص من عمره الا فی کتاب و عمر هیچ عمر دراز یابنده کم نمیشود از عمر او
مگر در کتابی که نوشته است سلیمان گفت آیا در بدا چیزی از پدران خود روایت کرده حضرت گفت بلی

بلی پدرم از پدرانش روایت کرده از حضرت رسول صلی الله علیه و آله که خدا را دو علم است یکی علم مخزون پنهان نمیداند آنرا بغیر از خود او
و از آن علم بدا ناشی میشود و علمی هست که تعلیم کرده است ملائکه و رسولان پس دانایان از اهل بیت پیغمبر
آنرا میدانند سلیمان گفت میخواهم که از کتاب خدا چیزی بمن آوری که دلالت کند بر بدا گفت خدا بپیغمبرش
گفت فتول عنهم فما انت بملوم یعنی اعراض کن از ایشان و پیغمبر رو از ایشان بگردان پس تو ملامت نیستی
و این در وقتی فرمود که اراده کرد که ایشان را هلاک کند پس تغییر داد و فرمود و ذکر فان الذکری تنفع
المؤمنین سلیمان گفت زیاده فرما فدای تو شوم حضرت فرمود که خبر داد مرا پدرم از پدرانش که رسول خدا
صلی الله علیه و آله گفت خدا وحی کرد بسوی پیغمبری از پیغمبران که خبر ده فلان پادشاه را که در فلان وقت او را
قبض روح خواهم کرد و آن پیغمبر آمد و او را خبر داد و آن پادشاه بر روی تخت بدعا مشغول شد و تضرع چندان
کرد که از تخت بزیر افتاد و گفت پروردگارا مرا آنقدر مهلت ده که کودک من بزرگ شود و امور خود را انجام
بدهم پس خدا وحی کرد بسوی آن پیغمبر که برو نزد آن پادشاه و او را اعلام کن که من اجل او را تاخیر کردم
و بر عمرش پانزده سال افزودم پیغمبر گفت پروردگارا تو میدانی که من هرگز دروغ نگفته ام خدا وحی کرد که
تو بنده مأموری و آنچه میفرمایم باو اعلام کن برو پیام مرا باو برسان و خدا سوال کرده نمیشود از آنچه میکند پس
امام رضا علیه السلام با سلیمان گفت که گمان دارم که در باب انکار بدا شبیه یهود باشی گفت پناه میبرم
بخدا از اینکه شبیه ایشان باشم مگر یهودان چه میگویند فرمود که ایشان میگویند که دست

ومراد ایشان آنست که از امر عالم فارغ شده است دیگر چیزی احداث نمیکند خدا در رد ایشان گفت غُلَّتْ أَیْدِیهِمْ

وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بسته شده است دستهای ایشان و ملعون شدند بسبب آنچه گفتند و شنیدم که از

پدرم موسی بن جعفر سؤال کرده شد از بدا فرمود که مردم چرا انکار میکنند بدا را و اگر خدا امری کرده بود وقوف

داده بود تا حکیم در حق ایشان بکند سلیمان گفت مرا خبر ده که سورهٔ اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِی لَیْلَةِ الْقَدْرِ در چه چیز نازل

فرمود که ای سلیمان خدا مقدر میفرماید در شب قدر آنچه میباشد از سال تا سال دیگر از زندگی یا مردن

یا خیر یا شر یا روزی پس آنچه خدا در آن شب مقدر فرماید محتوم است سلیمان گفت الحال فهمیدم

فدای تو شوم بیشتر بگو فرمود که ای سلیمان از امور امری چند هست نزد حقتعالی که آنچه میخواهد پیش

می‌اندازد و آنچه را میخواهد پس می‌اندازد ای سلیمان بدرستیکه امیرالمؤمنین عم میگفت علم دو علم است علمی که خدا

تعلیم کرده است بملائکه و رسولان پس آن البته میشود و خدا دروغ نمیگوید بملائکه و پیغمبران خود را ظاهر نمیکند و علمی

که نزد او مخزون است و احدی از خلق خود را بر آن مطلع نکردانیده است آنچه را میخواهد پیش می‌اندازد و آنچه

خواهد پس می‌اندازد و آنچه را میخواهد محو میکند و آنچه را میخواهد اثبات میکند پس سلیمان با مامون گفت که من بعد

از امروز انکار بدا و تکذیب آن نخواهم کرد ان شاء الله تعالی پس حضرت در اول این حدیث انکار بطلان

قول یهود و بعضی از حکما نمود که میگویند که همه چیز در روز اول شده و یک دفعه شده است

و تقدیم و تاخیر در ایجاد اشیاء نمیباشد زیرا که این قول مستلزم انکار بدا شده و اما آنکه حضرت فرمود که

علمی که بملائکه و رسل و انبیاء رسیده در آن بدا نیست و البته میشود شاید مراد آن باشد که آنچه

ایشان خبر داده شد بعنوان حتم و ایشان بحتم خبر دهند در آن تغییر نمیباشد و تغییر از علمی

ناشی میشود که در غیب مکنون است یعنی آنچه را بغیر حتم بایشان خبر دهند و اتفاق از ایشان

مستور است تا در وقتی که مصلحت باشد بایشان وحی نماید و تفصیل کلام در این مسئله مستدعی نقل

و ایراد و اخبار بسیار است و این رساله که بر سبیل استعجال مرقوم شد گنجایش ایراد آنها ندارد و در کتاب

بحار الانوار و شرح صحیفهٔ کامله فی الجمله بسطی داده شده والله یهدی من یشاء الی صراط مستقیم

والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی سید المرسلین و عترته الطاهرین

چنانچه از حضرت رسول صلی الله علیه و آله مرویست که فرمود که تعلیم کرد مرا ربّ من چیزی که

با وجود آن احتیاج بهیچ طبیبی نیست پس بعضی از اصحاب گفتند یا رسول الله میخواهیم اینکه آنرا تعلیم ما کنی

فرمود که بگیر آب نیسان را در ظرفی پیش از آنکه بر زمین رسد و بخوان بر آن هر یک از الحمد و آیة الکرسی و قل

یا ایها الکافرون و سبح اسم و معوذتین و قل هو الله احد هفتاد بار بخوان لا اله الا الله هفتاد

بار و الله اکبر هفتاد بار اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْاَوْصِیَاءِ الْمَرْضِیِّینَ

بافضل صلواتک و بارک علیهم بافضل برکاتک والسلام علیهم و علی ارواحهم و اجسادهم

و رحمة الله و برکاته و هفتاد بار سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ

بعد از آن تا هفت روز هر روز ناشتا قدحی از آن بیاشامید بدرستیکه دفع میکند خدای تعالی

از آنکس درد و مرا و آزار او را و نیز خوشبو میکند دهن او را و قطع میکند بلغم او را و حفظ میکند از بادها و از

خارش و از درد پشت و از درد سر و سرسام و حبس البول و از تاثیر برودت و از نزول آب بر چشم و غشاوه

دل ایمن میشود و از جنون و از ابلیس او بخدای تعالی بر وی هزار هزار رحمت بفرستد و آن آنست که از تربت حضرت امام

حسین علیه السلام قدری نخودی داخل سازند

نقل است که روزی حضرت

محمد المصطفی صلی الله علیه و آله در مسند شریعت با اصحاب نشسته بود در آن اثنا یکی گفت که در زمان

حضرت موسی علیه السلام وبا واقع شده بود و اطلاع نداشتیم در دو ماه آن علاج شده بود و حضرت پیغمبر فرمود

بچه هیئت بود یکی آن روز که ابتدا شد هفت هزار کس مردند حضرت پیغمبر سر بسجده نهاد و مناجات

کرد و گفت بار خدایا در میان امت من این وبا باشد یا نه جبرئیل عم آمد و گفت یا رسول الله خدای تعالی

ترا سلام میرساند و میگوید که این دعا را بامت خود بیاموز تا هفت مرتبه بر سر گوسفند بخوانند و آن گوسفند را

بکشند و هر کس که یک لقمه از گوشت آن گوسفند بخورد از شر وبا ایمن باشد و هر که نوشته بخورد

از وبا و طاعون ایمن گردد و هرکه هر روز یکبار بخواند و بازو بند خود کند و یا بر بازوی خود و یا بر گردن بندد

از شر وبا و طاعون ایمن گردد ان شاء الله تعالی

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاَسْمَائِکَ یَا مُؤْمِنُ یَا مُهَیْمِنُ یَا مُنْتَقِمُ خَلِّصْنَا مِنَ الْوَبَاءِ وَالطَّاعُونِ

یا الله

یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ الْاَمَانَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ یَا خَالِقُ یَا رَازِقُ یَا دَائِمُ خَلِّصْنَا مِنَ الْوَبَاءِ

وَالطَّاعُونِ یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ الْاَمَانَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ یَا جَبَّارُ یَا غَفَّارُ یَا سَتَّارُ خَلِّصْنَا

مِنَ الْوَبَاءِ وَالطَّاعُونِ یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ یَا اللّٰهُ الْاَمَانَ الْاَمَانَ الْاَمَانَ یَا ذَا النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ

یَا ذَا الْکَرَامَةِ الظَّاهِرَةِ یَا ذَا الْحُجَّةِ النَّاطِقَةِ خَلِّصْنَا مِنَ الْوَبَاءِ وَالطَّاعُونِ یَا قَاسِمُ یَا عَفُوُّ

یَا شَکُورُ یَا وَدُودُ یَا رَؤُفُ یَا عَطُوفُ یَا غَفُورُ یَا قُدُّوسُ یَا سَلَامُ یَا سَمِیعُ یَا بَصِیرُ یَا سَرِیعُ یَا رَفِیعُ

یَا شَفِیعُ یَا بَدِیعُ یَا وَاسِعُ یَا حَفِیظُ یَا مُقِیتُ یَا مُغِیثُ خَلِّصْنَا مِنَ الْوَبَاءِ وَالطَّاعُونِ یَا نُورَ

النُّورِ یَا نُورًا مِنْ کُلِّ نُورٍ یَا نُورًا قَبْلَ کُلِّ نُورٍ وَیَا نُورًا بَعْدَ کُلِّ نُورٍ یَا نُورًا فَوْقَ کُلِّ نُورٍ یَا نُورًا

مَعَ کُلِّ نُورٍ خَلِّصْنَا مِنَ الْوَبَاءِ وَالطَّاعُونِ یَا مَنْ هُوَ ذِکْرُهُ حُلْوٌ یَا مَنْ هُوَ شُکْرُهُ فَوْزٌ

یَا مَنْ هُوَ عَطَائُهُ شَرِیفٌ یَا مَنْ هُوَ اَمْرُهُ حُکْمٌ یَا مَنْ هُوَ عَذَابُهُ عَدْلٌ خَلِّصْنَا مِنَ الْوَبَاءِ

وَالطَّاعُونِ یَا مَنْ هُوَ فِی السَّمٰوَاتِ قُدْرَتُهُ یَا مَنْ هُوَ فِی الْقُبُورِ عِبْرَتُهُ یَا مَنْ هُوَ فِی الْقِیَامَةِ

حِکْمَتُهُ یَا مَنْ هُوَ فِی الْمَوْتِ هَیْبَتُهُ یَا مَنْ هُوَ فِی الْعُقُوبَةِ عَدْلُهُ یَا مَنْ هُوَ فِی النَّارِ عَذَابُهُ

یَا مَنْ هُوَ فِی الْجَنَّةِ رَحْمَتُهُ خَلِّصْنَا مِنَ الْوَبَاءِ وَالطَّاعُونِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ یَا اَوَّلَ الْاَوَّلِ

وَالْبَاقِی وَیَا آخِرَ الْآخِرِینَ یَا مَنْ هُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ بِحَقِّ الْاَسْمَاءِ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ

وَآلِ مُحَمَّدٍ یَا مَنْ هُوَ اَنْتَ الَّذِی اَنْجِدْ [illegible]

يا من هو انت الذي كشفت الضر عن ايوب ووهبت له اهله ومثلهم معهم
رحمة من عندك وذكرى للعالمين يا من هو انت الذي خلصت يونس من بطن الحوت
اذ نادى في الظلمات ان لا اله الا انت سبحانك اني كنت من الظالمين يا من هو انت الذي
سمعت نداء زكريا ووهبت له في الكبر غلاما زكيا يا من انت الذي مننت على موسى
وهرون ونجيتهما وقومهما من الكرب العظيم يا من هو انت الذي اخرجت يوسف
من الجب والسجن يا من هو انت الذي رددت على يعقوب بصره ان ابيض يا من هو
انت الذي نجيناه من شر الوباء والطاعون وآفات الدنيا والآخرة من عذاب القبر و
تنقذنا من سؤال القيامة وتسلمنا من عذاب النار وتدخلنا الجنة اللهم انت الها
وانا المقدور وانت الغفور وانا الخاطي وانت القوي وانا الضعيف وانت الغني وانا
الفقير وانت الخالق وانت الباقي وانا الفاني وانت المعطي وانا السائل وانت الباعث
وانا المبعوث وانت حي لا يموت وانا عبد سوف اموت اجرني من النار بعفوك
وادخلني الجنة برحمتك وارزقني النظر الى لقاء وجهك الكريم في الآخرة بكرمك
واصرف عنا القحط والوباء والطاعون في الدنيا والآخرة واغفر لنا ولآبائنا يا الله
يا الله [illegible] الامان الامان [illegible] الا يا عزيزا لا يضام يا قويا لا يرام

خلصنا من الوباء والطاعون يا الله يا الله يا الله الامان الامان يا حنان الامان يا ازليا لا يزول
يا عالما لا يخفى يا باقيا لا يفنى خلصنا من الوباء والطاعون يا الله يا الله يا الله الامان
الامان الامان يا حيا لا يموت يا صمدا لا يطعم يا غنيا لا يفتقر خلصنا من الوباء والآفات
والمفاجات يا ارحم من كل رحيم يا اعلم من كل عليم يا احكم من كل حكيم يا اقدم من كل قديم يا اعظم
من كل عظيم يا اكرم من كل كريم خلصنا من الوباء والطاعون يا من هو في سلطانه قوي
يا من هو في ذاته قديم يا من هو في علمه محيط يا من هو في عزته لطيف يا من هو
في لطفه شريف يا من هو في ملكه غني خلصنا من الوباء والطاعون يا من هو
اليه اوهب العاصون يا من هو اليه يتوكل المتوكلون يا من هو اليه يرغب الراغبون
يا من هو اليه يلجأ الملجئون يا من هو اليه يفزع المذنبون خلصنا من الوباء
والطعن والطاعون يا الله يا الله يا الله الامان الامان الامان اللهم اني اسألك
باسمائك يا مالك يا قاهر يا حاكم يا سبوح يا قدوس يا رب الملائكة والروح برحمتك يا ارحم
الراحمين بفضلك وكرمك واصرف عنا الوباء والطاعون اللهم اغفر لنا ولآبائنا و
لامهاتنا ولاولادنا ولازواجنا ولذرياتنا ولجميع المؤمنين والمؤمنات والمسلمين والمسلمات
انك على كل شيء قدير وبالاجابة جدير يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين

وبعد از آن فاتحه تا کتاب بخواند و بعد از آن گوسفند ذبح کند که مستجاب است و بعد از آن
گوسفند ذبح کرد
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم يا معطي
يا وهاب يا رزاق يا غني يا مغني من الذهب والدين والفضة والزيادة والبركة من
المال والزيادة في القسمة بحق هذه الاسماء العظام بحق محمد وآله اجمعين
شهد الله انه
این دعا را بنویسید در موم کیمه در شیر اندازد بسم الله الرحمن الرحيم
لا اله الا هو العزيز الحكيم ان الدين عند الله الاسلام لا اله الا هو الحي القيوم
برحمتك يا ارحم الراحمين
هر کس این منقل را بخواند دولت عظیم بی
نهایت روزی دهد و هر که شک آرد کافر گردد در روایت کرده اند که شخصی این منقل را هر روز
بخواند که روزی [illegible] بود این منقل را میخواند تا وقت سه بار
پیشانی [illegible] برابری او نقره کشیده اند باز داوند دکذ کها فکذی کابل کرا
کذی کنل کنو کنوها بیندی یندی بندی
اگر کسی [illegible] خواب [illegible]
[illegible]

هر که گلنار را خرما [illegible] بجوشاند و بخورد طبیعت نرم کند و قولنج را ببرد مفید بود هر که دو درم کشنیز با شکر بخورد
تب را ببرد هر که سپند [illegible] با شیر بخورد تب را ببرد هر که آب بنفشه با شکر بخورد تب را دفع کند
هر که [illegible] را بجوشاند و [illegible] بر بالای سپرز بندد به شود اگر شب خون [illegible] سپرز
بندد به شود هر که [illegible] بجوشاند بر سپرز بندد به شود هر که آب [illegible] در حمام بخورد
هر که زهره [illegible] را با [illegible] مرهم کند و بر ریش که بندد به شود [illegible]
[illegible] بخورد [illegible] و اگر این جمله را بکوبد و بر آنجا بندد به شود [illegible] سپرز [illegible]
ببندد به شود اگر [illegible] بخورد [illegible] کار نکند [illegible] سپند [illegible] در خانه دود کند [illegible]
هر که را [illegible] گندم را بجاود و بر آنجا بندد به شود فایده بخشد اگر کسی را [illegible] شیر [illegible]
[illegible] کار نکند دفع بواسیر هر که [illegible] بخورد [illegible]
هر که [illegible] بخورد [illegible] هر که کندنا [illegible]
[illegible] و هر که را [illegible] درد کند برگ [illegible] بجاود و بر آنجا بندد به شود [illegible]
دفع بواسیر را ببرد [illegible] و هر که پیاز را [illegible] بخورد [illegible]
ببرد و هر که [illegible] سوزن [illegible] بجوشاند و آبش را بستاند بخورد [illegible]
به شود هر که کشنیز را بکوبد بر [illegible] بندد به شود هر که [illegible] بسیار بخورد [illegible]

هرکو لغایه بیا ماسد کل دیها او بکوبد در بر زنا و بندد به شود اما کس خایم باد نجاز ابا صعبوت خند

بیاده و بانلف بالعربیه بخورد هرکه بعد از جماع ماهی بخورد شهوت زیاده کند هرکرا قضیب سست باشد

سیر را بروغن بریان کند و بخورد و بر قضیب مالد مفید بود اگر کسی گوشت بخورد شهوت زیاده شود و کرده

قوت دهد هرکه زردک را در آتش بریان کند و بپزد بخورد اگر صد زنش باشد جمله خوشنود گرداند هرکرا

قضیب سست باشد و جماع نتواند کرد تخم ترب بروغن بجوشاند و در قضیب مالد محکم شود چندانکه [illegible]

هرکرا بسته باشند نرگس بر دندان بیند و کشاده گردد اگر خواهی زن را در جماع خوشنود گردانی [illegible]

در ذکر بمالی جماع کنی زن ترا دوست گیرد هرکه شش گرگ را بروغن بریان کند و در ذکر مالد با هر زنی که

جماع کند او را دوست گیرد اگر روغن نرگس بر ذکر مالد محکم شود اگر تخم پودینه بروغن بریان کند [illegible]

هر دو یک مثقال بخورد سستی اندام را ببرد لقوه و فالج را سود دارد هرکه نان با سرکه بخورد درد

روی را ببرد و تشنگی را فرو نشاند هرکه نرگس بکوبد و بر ناف بندد تشنگی را ببرد زن را که حیضش

باشد یکدرم پودینه بر روغن گرم کند و بخورد حیضش روان شود هرکه زهره گرگ با بنفشه بیامیزد

در [illegible] کند در راه بچه گرفته شود دیگر حامله نشود هرزن را شیرش کم شود مارینا و توسم خیار

بکوبد شکم گرسنه بخورد زیاده شود اگر کسی دل خرگوش بخورد زنی بسته بود جماع با وی مقاربت

[illegible] در این آیه نوشته در پستان بندد فمن اهتدی [illegible] هر زنی که [illegible]

[illegible]

بکوبد و شاف کند و سه روز در فرج خود بکذارد در فرجش گرم شود اگر کسی را خون از جراحت

آید نایستد خون گاو را بد انجا مالند بایستد هرکه کند ناردانه بجاود و بر جراحت بندد خون بایستد

موی سرخ پیدا که کراهت طبیعت را گرم کند سودا را عکس سازد و سینه را نرم میدارد و اگر [illegible]

بخورد حفظ بسته را بگشاید و خاطر را تیز میسازد و جز بیت لطیف اگر کسی را دست و پای سرما

[illegible] شلغم را پخته سازد و بر آنجا بندد به شود اگر بچه را چشم کبود بود چهل روز تشیر

بر چشم کشند سیاه شود اگر زنی بچه نیاورد [illegible] اسب بخورد بچه در شکمش پیدا شود

باب اگر کسی [illegible] کند بارکی [illegible] بیار [illegible] باشد [illegible]

شود [illegible] را یکبار بخورند [illegible] انگشت در فی کند زبانش بسته شود هرکه [illegible] جنگ

[illegible] دارد [illegible] باب زن که فرزند ازین طلسم را بنویسد [illegible] جماع کند [illegible]

ها ها ها ها عا عا عا عا س س س س ره ره ره ره ره ره [illegible]

الوحا الوحا الوحا الوحا الوحا الساعة ۱۱۱۱۱۱۹۶۱۱۱۱۹۴۴۲۱۱۹۱۱۱۸

زن خواهد که شوهرش زن دیگر نخواهد این طلسم بنویسد در زیر بالین بندد بخسبند آنگاه [illegible]

شوهرش زن نخواهد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible] دوه طوطو طولاع ح [illegible] اشباح وسم [illegible]

[illegible] باهس ساعجوح بابا مرحی ماشنده [illegible] ضبططح یاجی با طفا بوح سیطح یاعلیح طلوح

[illegible] والالاع صفا صفاح یا علی یا واری [illegible] یا ملیح یا حرح یالوف [illegible]

سعدح یا سلطح ح یا مقصورنیاح یاس دو موح ح مم اگر کسی اسب را زیر [illegible]

[illegible] در گوش چکاند کری گوش را ببرد هرکه مغز استخوان شتر با پنبه بیامیزد و بخورد و در [illegible]

اگر قضیب گاو زندورا بخورد زن دهند شوهرش او را دوست ندارد در میان ایشان محبت پیدا شود

هرزن را اگر حیض باشد مغز خرگوش بخورد بردار و باردار شود اگر کسی موی گرگ [illegible]

بخورد بردارد [illegible] باشد اگر زهره کاو [illegible] با زن جمع شود زن

شود هرکه این کلمات را بر گردن اسب بندد [illegible] [illegible]

[illegible] که در رحم زن در ضرالت اسید عادا بطرف بنویس و بشوی و بخورد اثر [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم یا زکریا انا نبشرک بغلام اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیا هرکه سپند

بجوشاند [illegible] سردی را دفع کند هرکه سیر را با روغن بریان کند بخورد باد را و بلغم را ببرد

هرکرا ریح شکم بسیار باشد سپند را بریان کند بخورد دفع شود هرکرا [illegible] باشد

[illegible] بخورد برطرف شود باب هرکرا چشم آب دهد و خارش کند بول کودک طفل [illegible]

دفع کند سستی جماع [illegible] [illegible] کند [illegible] شود

[illegible]

و بعد از آن دو روز بپای خفتان از حبه مجامعت کند باذن خدا [illegible] باب

اگر کسی را بسته باشند [illegible] باب [illegible] زعفران [illegible]

[illegible] باذن الله [illegible] شود باب علت یرقان تخم کاهو تخم خرفه

تخم کاسنی تخم خیار [illegible] کوبیده [illegible] کشیده [illegible]

اگر [illegible] خسته شود [illegible] افتادن [illegible]

[illegible] اگر زن [illegible] قایم [illegible]

هرکه علت [illegible] باشد کاسنی بر دوش بکوبد و از آن شکر سفید [illegible] بخورد شفا یابد [illegible]

[illegible] آب [illegible] آب برانگس مالد [illegible] علت برطرف شود

اگر زن را حیضش بسته باشد [illegible] باب تره بکوبد [illegible] روز بخورد [illegible]

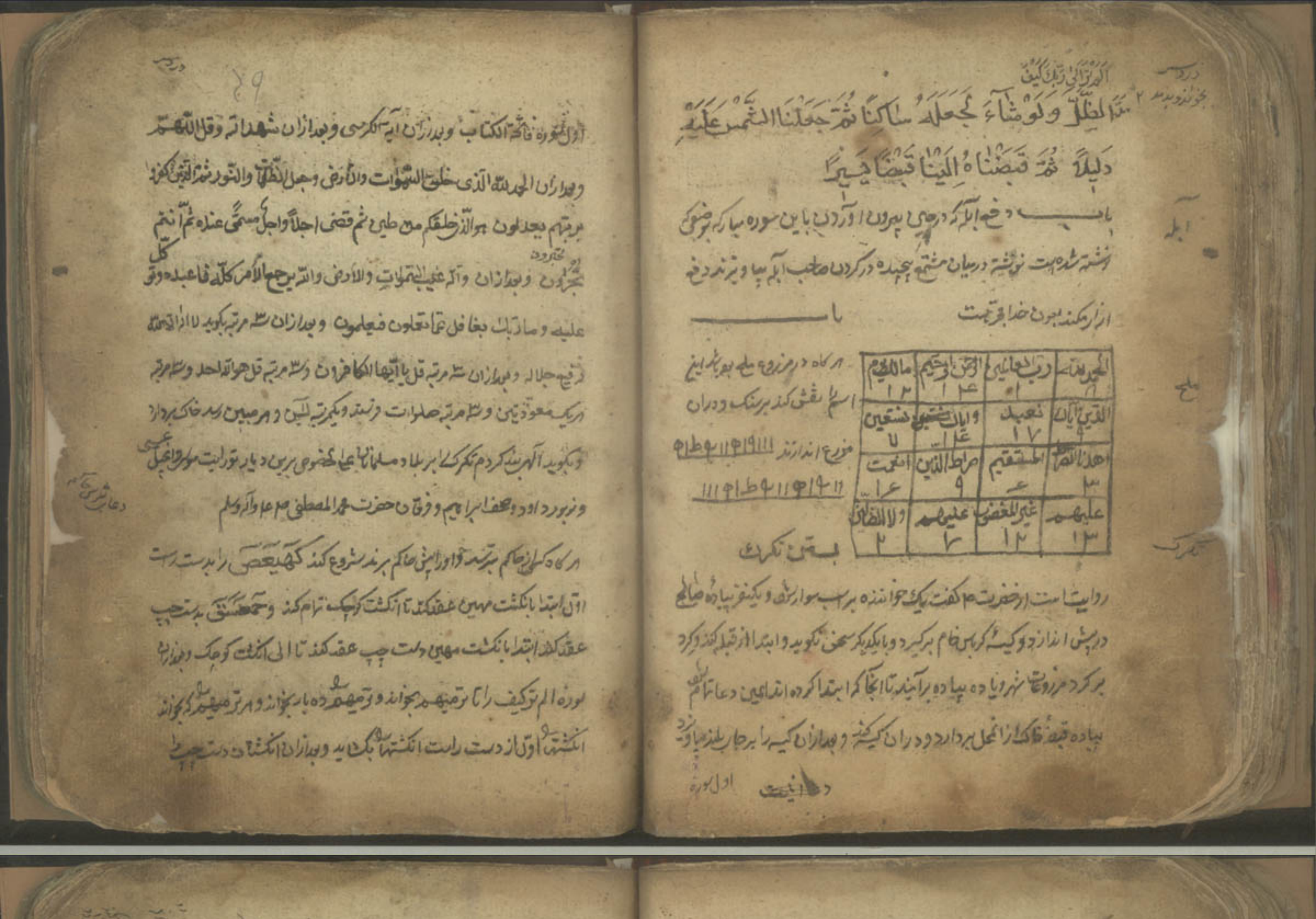
رسته بخورد [illegible] شام اگر [illegible] بکوبد و فتیله [illegible]

باب [illegible] بخورد [illegible] حامله شود

اگر کسی برگ چقندر را بجوشاند و [illegible] اگر کسی را [illegible]

پیدا شود چقندر را بجوشانند [illegible] نشانند [illegible] را پاک کند

برای درد بخوانند و بدمد الم تر الی ربک کیف [illegible]



این نسخه از کتاب حیواة الحیوان استنباط کرده است طلسم از برای دزد

بجرب ... سوده شده ... در برابر ... آن ... در میان

الف بگوید اگر ... در میان الف ... بگوید فالآ بیان ... حرف ... باذن

الله الملح چون کسی گرفتار شود یا اگر در بیابان راه گم کند با آواز بلند بگوید

یا فارس الحجاز ادرکنی یا ابا القاسم ادرکنی یا ابا الصالح ادرکنی

حضرت صاحب الزمان او را از آن ورطه خلاص کرداند و راه نماید

و از حضرت امام جعفر الصادق علیه السلام روایت فرموده که هر که سوره اعلی را در سه

روز ... بخواند از آن سفر ... نماید از حضرت امام زین العابدین

علیه السلام روایت که چون ماه نو ببیند این دعا را بخواند آن ماه بر وی ... کند

و فتح و فتوح باشد یا من بک حجتی و فرجی بیدک من غیرک اعز

واقبلت الیک مالی علی عمل الصالح استظهر بک قد جئتک

لاجیا توکلت علیک باب افسون باد بستن

بستاند ابریشم هفت رنگ سه نوبت این دعا بخواند و هفت گره بزند و در

چشم ... در زیر خاک پنهان کند بفرمان خدای تعالی شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله

۷۰

بسم الله الشافی بسم الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله الذی لا یضر مع اسمه شیء

فی الارض ولا فی السماء وهو السمیع العلیم ودقوشا بقوشا طبوشا بحق

آدم صفی الله و بحق نوح نجی الله و بحق ابراهیم خلیل الله و بحق اسماعیل ذبیح الله

و بحق موسی کلیم الله و بحق عیسی روح الله و بحق محمد رسول الله و بحق علی ولی الله

و بحق دوازده امام و بحق چهارده معصوم پاک و بحق کهیعص بستم پلید باد

و کبود باد را و سرخ باد را و سفید باد را و سیاه باد را و ازرق باد را و ابلق باد را و ...

باد را و لاشق باد را و ... باد را و خود رنگ باد را و پرنده باد را و کزنده باد را و رونده

باد را و جهنده باد را و کرم باد را و سرد باد را بستم باد که بد باشد بستم جمله بادها و مرض ها

بدشت نهاوند و کوه دماوندی بر افسون مار خوانم بایستد و اگر بر آتش خوانم سرد گردد

و اگر بر مرغ خوانم پر بریزد و اگر بر کوه خوانم بجنبد و اگر بر باد خوانم بایستد بحق

ایهوی امهوی رب یسر ولا تعسر سهل علینا یا رب وننزل من القرآن

ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا

اگر خل مار و صابون ... و فلفل را بهم بیامیزند و فتیله سازند ... تا ... دفع

بسوزانند مگس و کیک و پشه ... بمیرند

اجزای قرص کوسیر کاوزبان را سوزانیده وسلایه نموده زهره گاو را در میان ریخته ونقل
ازرق را سلایه نرم درهم نمایند و بعد از آن حب سازد هر روز سه عدد بخورند و از ترش
و سبزی و ماست پرهیز نمایند نافع است تجربه شده است

در حدیث دیگر منقول است که شخصی عزیز حضرت علی کرم الله وجهه درد سر بسیار میباشد در دوا محتاج لطف علی کرده بود
چرا قوت حضرت امام حسن ... مرض کرد از شفا بیرون در دبند وقسکر بر دعای حضرت باکو
اللهم انی اسئلک بحق هذه الکلمة وبحق الملک الذی احتضنها وبحق النبی الذی
قمت فیها وبحق الوصی الذی حل فیها صل علی محمد وآل محمد واهل بیته فیها شفاء
من کل داء وامانا من کل خوف
... وقسکر ... هر از آنرا بالا درد ...
... آویزد ... بخواند درد ... وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ
اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ
فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ
این آیه ... بر کاغذ نویسد ... در بند ... بگیرد ...
... بسم الله الرحمن الرحیم قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ و ننزل من القرآن
ما هو شفاء ... ولا یزید الظالمین الا خسارا ... درد ... دور ...

جع اعضا و سپید شدن ... چهار صد چهل چهار ... فلان ابن فلان ...
... حضرت محمد المصطفی صلی الله علیه وآله وسلم ...
... بسم الله الرحمن الرحیم ان لا تعلوا علی واتونی مسلمین یا شافی
اگر ... نام مادر ...
...
... تمهیدنا ...
... ابراهیم ...
... بسم الله الرحمن الرحیم ...
ویا مسبب الاسباب ویا مفتح الابواب افتح افتح یا فاتح یا مفتاح ...
... امام ...
وبحق انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک وما تأخر ...

این آیه را بنویسد در دست راست بسپارد ... بسم الله الرحمن الرحیم
لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیه ما عنتم حریص علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم
فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
باب اگر بر کسی ... الله اکبر الله اکبر الله اکبر
الله اکبر لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بگیرد ... تجربه است کرده
در ... بنویسد بزعفران و ... در ساعت ... فوقع الحق وبطل
ما کانوا یعملون ... قال موسی ما جئتم به السحر ان الله سیبطله ان الله
لا یصلح عمل المفسدین ان ما صنعوا کید ساحر ولا یفلح الساحر حیث اتی
بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق ولکم الویل مما تصفون
ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بود ...
در حال ...
بگیرد ... و سوره یس ...
... بر ... بول ...
... سر ...

بوران

مال بصاحبش رفع نکند ... واگر کسی را چیزی دزدیده باشند بنویسد این
حرف را ... در خواب بیند ... ح لا ... لا ...
خ ... اگر کسی را چیزی دزدیده باشند خواهد که پیدا کند نام انگشت ... مادرش
بنویسد بر خمیر ... و در آب اندازد و اگر غرق شود ... و اگر ... شود ...
... بنویسد این شکل را بنام بسته و مادرش در شب چهارشنبه
بر ... تا چهار شنبه دیگر ... بسم الله الرحمن الرحیم
... باسم باسم باسم باسم ...
... محمد ...
... هو الحق ... از حضرت امام رضا علیه السلام
بگیر هفت دانه جو و هفت بار بخوان بر سر آن دانه اول سوره اذا وقعت تا هباء
منبثا و هفت بار ... ویسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی
نسفا فیذرها قاعا صفصفا لا تری فیها عوجا ولا امتا ...
... حرف ...
در آن آب ... بنداز

ام ابر موا امراً فاتا مبر موں   اگر کسی را شکلی پیش آید و نداند که چه کند بعد از نماز
مغفتن سخن نگوید و این علامت را بر کف دست چپ بنویسد انچه در خیر باشد در خواب
ببیند و آن علامت اینست می هب هب می هب هب حسط الا محمد
وعین ها او ق ک ل م ں ر وه می

باید که بر تخم مرغ سیاه بنویسد و ریسمان کبود بران پیچیده در زیر آتش گذارند
چون پخته شود پرون آورده و ریسمان را بدست چپ ببندند و پوست تخم مرغ را
در آب روان اندازند و سفیدی تخم مرغ را صاحب تب بخورد و زردی را
بسگ چهار چشم بدهند تا شفا یابد هت هیاس هاس هب هاس
هاس هب هیاس هاس هت هباس هباس بعد فقاص بد
بفقاص بد فقاص   اگر کسی خواهد که حاجتی ازو را از غیب حاصل و جمعیت بود
این دعا ورد خود کند و مداومت نماید جمعیت بهرساند و اگر در خانه کسی پیشی پیدا شود این دعا
بنویسد و در اندرون خانه بیاویزد کسی پیشی و اگر این دعا نوشته با خود دارد جمعیت وافر
بهم رساند و اگر کسی بر نیت حالات و جمعیت در نصف شب دو رکعت نماز بگذارد در رکعت اول
حمد یکبار نصر من الله و فتح قریب و بشر المؤمنین یا محمد یا علی بیجاه بار بخواند

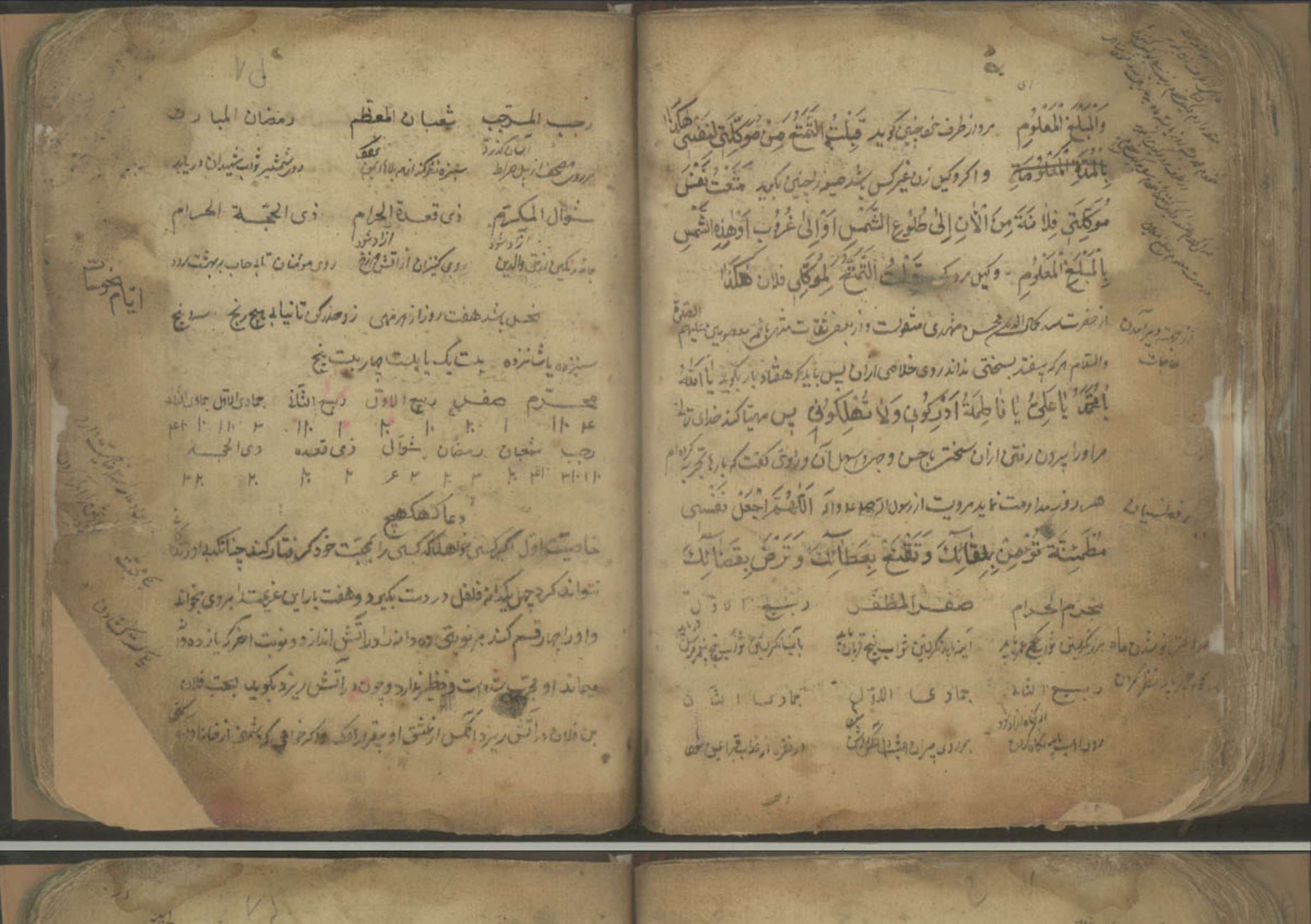
انگاه سر بسجده نهد و شفیع آورد ایشان را حق سبحانه و تعالی وی را جمعیت وافر کرامت فرماید
بی شک و اگر کسی این دعا بنویسد و در آب بشوید و در حمام رود و در میان آب بر سر ریزد
جمعیت و دولت بی اندازه بهم رساند و حاجات دینی و دنیوی بر آید و منقولست از علی ابن طاوس
علیه الرحمه بطریق اهل بیت علیهم السلام هر روز بخواند اینست

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك یا قریب الفتح والفرج
یا رب الفتح والفرج یا اله الفتح والفرج یا عجل الفتح والفرج یا سهل
الفتح والفرج یا فتاح الفتح والفرج یا مفتاح الفتح والفرج یا فارج الفتح
والفرج یا ناصر الفتح والفرج یا فاتح الفتح والفرج یا سائق الفتح
والفرج یا رازق الفتح والفرج یا غافر الفتح والفرج یا خالق الفتح
والفرج یا سابق الفتح والفرج برحمتك یا ارحم الراحمین   تمت
اگر کسی را حبس بشد بول باید که کوزه آب پاورند و این آیت را هفت بار بران آب بخوانند
تا بخورد که در ساعت باذن الله تعالی   ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا
الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر   فلا یصلح الساحر حیث اتی
بد فلان بگوید که دم سی مه نفست شی ذکر در تن فلان بن فلان بد فرج فلان بن فلان

ذکیل

باید که صاحب ثؤلول پارچه نمک بردارد و بر ثؤلیل مالد و آخر سوره حشر را سه بار بران بخواند در
شوره اندازد و ذالفور بازعمل ایات اینست لو انزلنا هذا القرآن علی جبل تا آخر
العزیز الحکیم   ایضاً باید که صاحب ثؤلول سه دانه جو بردارد و بر هر یکی این آیت یکبار بخواند
و هر یک از ان جوها بر دور ثؤلول بگرداند بعد از ان دفن کند انها را در زمین نمناک و باید که
این عمل نیز در وقت تحت الشعاع واقع شود آیة اینست و مثل کلمة خبیثة کشجرة
خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار   ایضاً از حضرت امام رضا
روایت شده نظر کن باول ستاره که در وقت شام ظاهر شود پس تند نظر کن در ان
و قدری خاک بردار و بر ثؤلول بمال و در وقت مالیدن این دعا بخوان بسم الله و بالله
ز ایتنی و لم ار ارک سو هود نصرت الله یخفی اثرت ارخم تا انبل معک
ایضاً در مصباح کفعمی از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که در تقصان ماه هفت روز
متوالی بر ثؤلول باید خواند و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة
اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار و نسف الجبال نسفا فیکانت
هباء منبثا   چون طفل بسیار گریه کند یا زن در خواب بترسد یا کسی بدرد بیداری
گرفتار باشد این آیه را بخواند فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین
عددا   کرستی کودک

عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا
جاب داروی تخمخم تریاق ۲ مثقال تخم خشخاش ۲ پوست خشخاش ۲ نشاسته ۲ نبات ۲ بهدانه ۲
گل ارمنی ۲ مغز بادام ۲ مغز پاتلا ۲ مویز سیاه ۲ اینها را کوبیده حب سازند مثل دانه
تسبیح در هر شب سه دانه از حب خورده و یکدانه در زیر زبان گذارد برطرف شود
چون یا کسی مهمی در پیش باشد که دیر ساخته شود پس عقد کند انگشتان دست راست را باین
پنج اسم یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم   و عقد کند انگشتان دست چپ را
باین پنج اسماء یا سمیع یا بصیر یا حلیم یا ودود یا مستغاث   پس دست
راست را باین حروف کهیعص و بکشاید دست چپ را باین حروف حمعسق
و متوجه شود بسوی آن شخص بفرمان خدای تعالی مراد داده و مهمی که داشته باشد
ساخته شود ان شاء الله تعالی   صیغه متعه   هرگاه زن از طرف خود صیغه متعه کند
چنین بگوید متعتك نفسی من الآن الی غروب الشمس او الی طلوع
الشمس بالمبلغ المعین المعلوم   بعد از ان مرد بگوید قبلت التمتع
لنفسی هکذا   و هرگاه مرد خود طرف ایجاب و قبول شود صیغه از طرف
زن چنین گوید متعت نفس موکلتی فلانة لنفسی بالمدة المعلومة



والمبلغ المعلوم مرد از طرف خود چنین گوید قبلت التمتع من موکلتی لنفسی هکذا بالمدة المعلومة و اگر وکیل زن غیر کس باشد صیغه چنین باید متعت نفس موکلتی فلانة من الآن إلى طلوع الشمس أو إلى غروب أو هذه الشمس بالمبلغ المعلوم - وکیل مرد گوید قبلت التمتع لموکلی فلان هکذا

از حضرت سید کمال الدین محسن مهدی منقولست و از بعضی ثقات منقول است از معصومین علیهم السلام هر که بیفتد بسختی نداند روی خلاصی از آن پس باید که هفتاد بار بگوید یا الله یا محمد یا علی یا فاطمة ادرکونی ولا تهلکونی پس مهیا کند خدای تعالی مرا و را بیرون رفتن از آن سختی باحسن وجه و راوی آن گفت که بارها تجربه کرده ام

هر روز مداومت نماید مرویست از رسول الله صلعم و آن اللهم اجعل نفسی مطمئنة تؤمن بلقائك وتقنع بعطائك وترض بقضائك

محرم الحرام	صفر المظفر	ربیع الاول
هر که بینی نو شدن ماه برزگی بینی تو از رنج باز هم	ایز باید نکرد بینی ثواب نیچ قربان	باید نگرد بینی تو از بیچ بمو رسد
ربیع الثانی	جمادی الاولی	جمادی الثانی
روی آب باید نگاه کرد	بر روی پیران الخ	در فقرا از عذاب قبر این شود

رجب المرجب	شعبان المعظم	رمضان المبارک
بر روی مصحف از پل صراط آسان گذرد	سبزه نگرد از بلا ایمن	روی شمشیر ثواب شهیدان در یابد
شوال المکرم	ذی قعدة الحرام	ذی الحجة الحرام
جامه رنگین از رزق والدین آزاد شود	روی کنیزان از آتش دوزخ آزاد شود	روی مؤمنان تا اصحاب بر بهشت رود

نحس باشد هفت روز از هر مهی زو حذر کن تا نیابی هیچ رنج سه و پنج سیزده یا شانزده بیست یک یا بیست چار بیست پنج

محرم	صفر	ربیع الاول	ربیع الثانی	جمادی الاول	جمادی الثانی
۴ ۱۰ ۱۱	۱ ۲۰	۱۰ ۲۰	۱ ۱۰ ۱۱	۲ ۱۱ ۱۰	۱ ۱۰ ۱۴

رجب	شعبان	رمضان	شوال	ذی قعده	ذی الحجه
۱۰ ۱۱ ۲ ۱۴	۲۰ ۳	۲ ۲	۶ ۲	۲۰	۲۰ ۲۲

دعا کهکهیج

خاصیت اول اگر کسی خواهد که کسی را بمحبت خود گرفتار کند چنانکه باد در زند نتواند کرد چهل یک دانه فلفل در دست بگیرد و هفت بار این عزیمت بر روی بخواند و او را چهار قسم کند هر نوبتی ده دانه در آتش اندازد و نوبت آخر یازده دانه میماند او در محبت شده است و خطر ندارد و چون در آتش ریزد بگوید بحب فلان بن فلان در آتش ریزد الخمس از عشق او بیقرار شود و اگر خواهی که دشمنی از خانه ...

وبار از خود قطع کنی مشتی خردل بستان بیست یکبار این دعا بر نیت تفرقه او بران بخوان و خردل را در خانه دشمن بیفشان در دو روز زبان دشمن آواره شود و اگر خواهی که مرد ستم را با تو یکی شود این دعا را بر جام سفید بزعفران بنویس بمشک و زعفران بشوی و بوی ده تا بخورد دوست شود بفرمان خدای تعالی و اگر خواهی که زبان دشمنان بر خود ببندی هر روز پیش از برآمدن آفتاب هفتاد بار بخوان بر نیت زبان بند دشمن و باد بر خود دم زبان دشمن بسته گردد

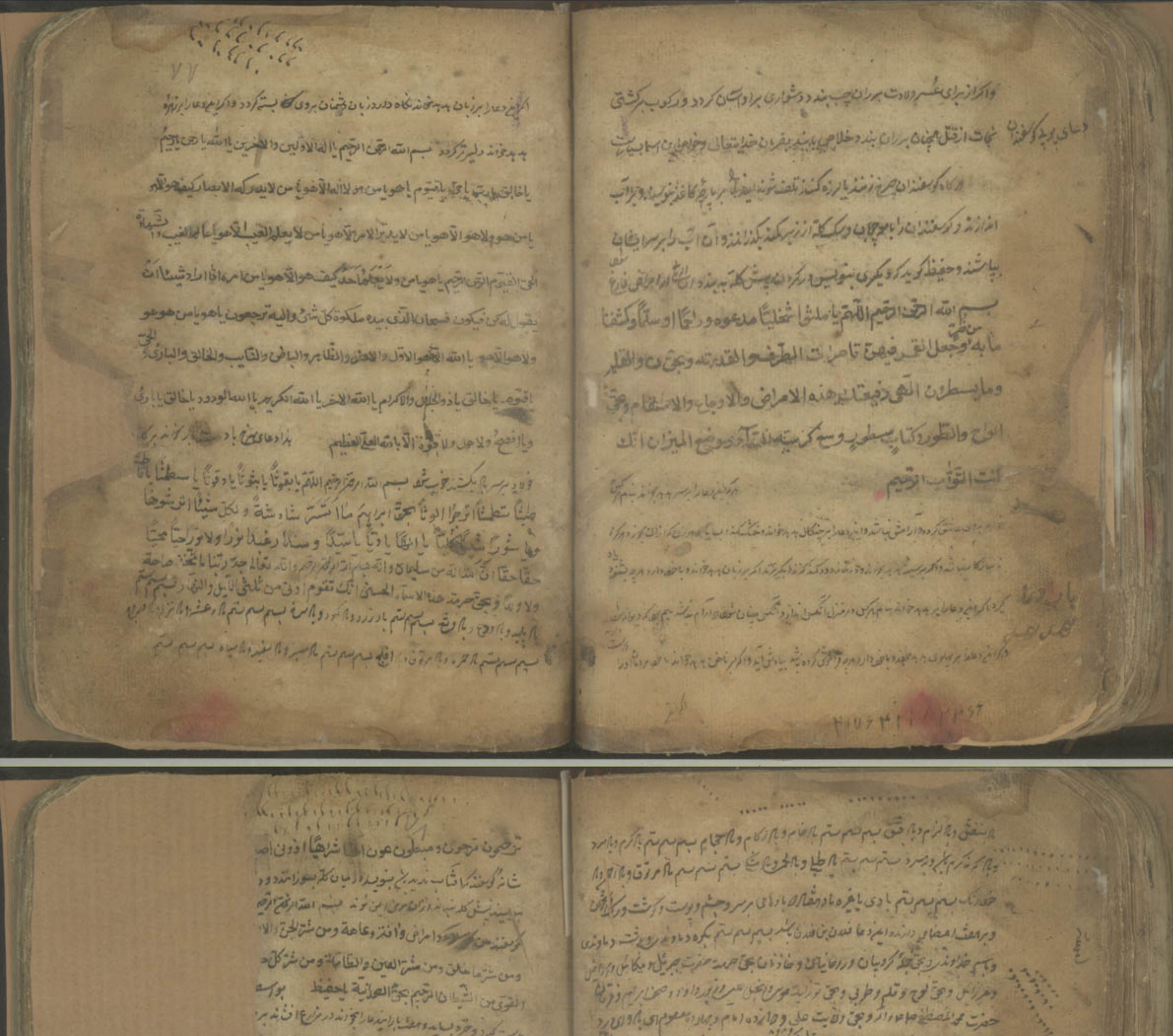
اللهم لينه لي كما لينت الحديد لداود عليه السلام وسخره لي كما سخرت الريح لسليمان عليه السلام وذلله لي كما ذللت فرعون لموسى عليه السلام ربطا و ربوطا یاموسانا یا بلقاما یا افاعیک یا احد یا افرد یا شدائد الارعلوا طوثا مبعا خطت رسهی حیا قیوما ملفا بیگا هیلوا خیما اللهم بکهکهیج کهیج کهیج یعطشی فی اصعما متحیثا همیلخ بعظمتها والحمد لله رب العالمين یا ارحم الراحمين

دعای فرزند

هر کس که فرزندش نشود و اگر شود نماند این دعا را بنویسد و در موم گیرد و از گردن زن بیاویزند دیگر را در آب اندازند و هفت روز زن و مرد از آن آب بخورند و غیر از آن آب نخورند و بعد از ظهر نان و مرد بر سر بندد در اسم زخم و وقت مباشرت بخورد باید

اللهم افتح لنا ابواب الرحمة والدولة والسعادة والفتوح والكشف والجنة اللهم احفظنا من كل علة وآفة ومرض ووباء وبلية وكل محنة يا سبوح يا قدوس ربنا ورب الملائكة والروح ذو الجلال والاكرام هر کس که این آیات را در روز جمعه بعد از نماز فارغ شوی بنویس در منزل و یا در دکان خود بیاویزد در روزی و فراخ نعمت بر روی نوکت ده کرده و خیر و برکت بسیار شود و در تجارت سود بسیار کند یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباسا یواری سوآتکم وریشا ولباس التقوى ذلك خير ذلك من آيات الله لعلكم يذكرون اسامی اصحاب کهف

یملیخا مکسلمینا مرنوش دبرنوش شادنوش اسم راعی سرطونس یا کشفطططیونس و اسم کلب قطمیر از ابن عباس منقولست که هر که نامهای اصحاب با خود دارد از خوف و ترس ایمن گردد و اگر در جای آتش افتاده باشد این نامها در خرقه نویسد در آن آتش اندازد باذن الله تعالی آن آتش فرو نشیند و اگر اطفال بسیار گریه کند بنویسد در سر ایشان نهند آرام یابند و اگر بچوب پاره بنویسند در میان زراعت نصب کنند آن زراعت از آفت محفوظ ماند و اگر کسی خواهد که نزد پادشاهی رود بنویسد بر ران راست بندد پادشاه او را گرامی دارد و از برای تب سه روزه و صبح و عشا و ماه نیز بر ران راست بندد



و اگر از برای عسر ولادت بر ران چپ بندد دشواری بر او آسان گردد و در کوب بر کشتی
نجات از قتل همچنین بر ران بندد خلاصی یابد بفرمان خدای تعالی و خواهی بر اسبابیات
هر گاه کو سفندان جرب نزنند یا رزه کنند تلف شوند این دعا بر پارچه کاغذ بنویسد و در آب
اندازند و گوسفندان را باید چاب و یک کله از زیر کنند بگذرانند و آن آب را بر سر ایشان
بپاشند و حفظ گوید کرو یکی بنویسد بر گردن پیش کله بر بندد ان شاء الله از آفت فارغ
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا ملشا شغلیثا مدعوه و راجا و سنا و کشفا
ما به و جعل النور فیهم تا صرات المطر فهو القدیر له و بحق ن و القلم
و ما یسطرون الهی دفع عن هذه الامراض و الاوجاع و الاسقام و بحق
اللوح و الطور و کتاب مسطور و سر کرسیه الله آدم و ضع المیزان انک
انت التواب الرحیم

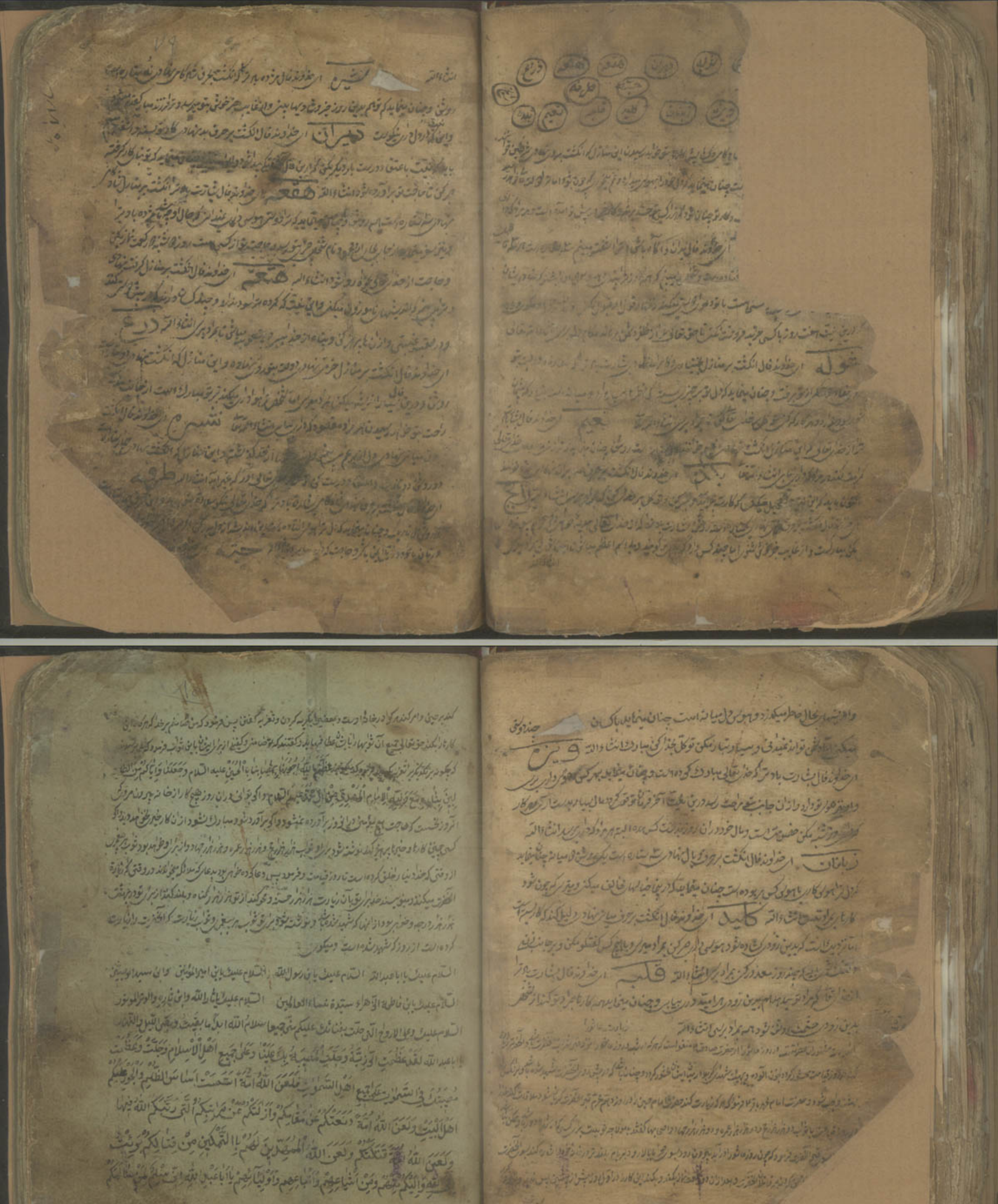
هر که این دعا را بر سر ... بخواند ...
... دعا بر جنگال به خواند ...
... بخواند و باخود دارد هر چه بشنود ...
گر... اگر این دعا را بر ... بخواند ...
... این دعا ... با خود دارد ...

77

اگر این دعا را بر زبان همه خوانند نگاه دارد زبان دشمنان بروی کلی بسته گردد و اگر این دعا را بر ...
به هر خواند دلیر تر گردد بسم الله الرحمن الرحیم یا اله الاولین و الآخرین یا الله یا رحمن یا رحیم
یا خالق ... یا حی یا قیوم یا هو یا من هو لا اله الا هو یا من لا یدرکه الابصار کیفیه هو الله
یا من هو و لا هو الا هو یا من لا یدبر الامر الا هو یا من لا یعلم الغیب الا هو عالم الغیب و الشهادة
الحی القیوم الرحمن الرحیم یا هو یا من و لا یعلم ما احد کیف هو الا هو یا من امره اذا اراد شیئا ان
یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء و الیه ترجعون یا هو یا من هو هو
و لا هو الا هو یا الله هو الاول و الآخر و الظاهر و الباطن و التایب و الخالق و الباری الحی
القیوم یا خالق یا ذو الجلال و الاکرام یا الله الاکبر یا الله الکبیر یا الله الودود یا خالق یا باری
و یا ... و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم — بر این دعا ... باد ... بر ...
... بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا بقوتا یا بثوتا یا ذوقوتا یا سعطمنا یا ...
... ابراهیم ما ... شاء ... و لکل ... شوها
... یا ... یا ... و ... نورا و لا نور حیا
حقا حقا انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم و انه تعالی جد ربنا ما اتخذ صاحبة
و لا ولدا و بحق حرمت هذه الاسماء الحسنی انک تقوم ادنی من ثلثی اللیل و النهار بسم ...
یا ... و یا ... بسم ... بسم ... و یا ...
... بسم ... یا ... بسم ... بسم ...

یا ... بسم ... بسم ... یا ... و یا ... بسم ...
یا ... بسم ... یا ... و یا ... بسم ... بسم ... یا مرزوق و یا ...
... بسم ... یا ... بر سر و چشم و پوست و گوشت و رگ ...
و بر هفت اعضای ... این دعا فلان بن فلان ... بسم ... بکره ... و ماوندی
و باسم خداوند ... گروبان و ... و بحق حرمت حضرت جبرئیل و میکائیل و اسرافیل
و عزرائیل و بحق لوح و قلم و طوبی و بحق توریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف ابراهیم و فرقان
حضرت محمد المصطفی صلی الله علیه و آله و بحق ولایت علی و دوازده امام و چهارده معصوم ...
... سمع و ... بصر و ... زبان ... فاخرج من جسد ... از هفت اعضای فلان بن ...
کما خرجت یونس علیه السلام من بطن الحوت ... یا اسمع السامعین یا ابصر الناظرین
یا حفیظ ... اللهم ذلل ... البقرة ... ید ...
و لینها ... کما الینت الحدید علی ید داود علیه السلام و سخر الجبال معه یسبحن بالعشی
و الاشراق و ان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبنا
خالصا سائغا للشاربین بنویسد ... بسم الله الرحمن الرحیم
... یحبونهم کحب الله و الذین آمنوا اشد حبا لله و القیت علیک محبة منی
و لتصنع علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم علی من یکفله ...
... المودة ... و هو السمیع العلیم ...
... یا ... حق هذه الحق
بنویسد ...
اه اه
اه اهسد اهسد اهسد اهسد اهسد اهسد اهسد اهسد
اهسد اهسد اهسد اهسد اهسد اهسد ال ال ال ال ال ال ال ال ال ال ال ال
ال ال بسم الله ... و منها ... و منها ...

... و مبطلون عون ... شرها ... اذون ...
شانه گوسفند ... بنویسد و ... میان کله ... بسوزانند ...
... بنویسد ... بسم الله الرحمن الرحیم
گوسفند ... امراض و آفت و عاهة و من شر الجن ...
و من شر ما خلق و من شر العین و الطامة و من شر کل ...
القوی من الشیطان الرجیم بحق الوحدانیة یا حفیظ ... بر ...
... بگیرد و ... باید ... بخوانند در مزرع ... بر ...
بسم ... دم ... بحق حرمت حضرت آدم و بحق خاتم ...
و ... بحق دم عیسی و بحق اعجاز موسی و بحق ...
قد کان اخرجه ... بسم ... دم کرمان و ... بحق ...
مجوزد و ... و کرم کرم را مجوزد الله اکبر ... انه من سلیمان و انه بسم
الله الرحمن الرحیم ان لا تعلوا علی و اتونی مسلمین و الکعبة الایمان یا حفیظ
... بنویسد ... بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا ...
جلنا بحق خاتم النبیین محمد صلی الله علیه و آله اجمعین من عظمة نوره و الطور و کتاب مسطور ...
بسم ... دم ... بحق ... یا کهکیج
دعای ... یا حفیظ ... یا کهیج یا حفیظ
یا کبوکج یا کهیج یا کهکهیج تمت الکتاب بعون الملک الوهاب الخط ...
و ... ۱۱۹۵





خامساً والعن عبيد الله بن زياد وابن مرجانة وعمر بن سعد وشمراً وآل
ابي سفيان وآل زياد وآل مروان الى يوم القيمة پس بسجده میرود و بگوید
اللهم لك الحمد حمد الشاكرين لك على مصابهم الحمد لله على عظيم رزيتي اللهم ارزقني
شفاعة الحسين ع يوم الورود وثبت لي قدم صدق عندك مع الحسين عليهم السلام
واصحاب الحسين الذين بذلوا مهجهم دون الحسين عليه السلام ٢

اعمال ربيع الاول

در فضل و اعمال ماه ربیع الاول و اعمال روز اول است [illegible]

[illegible]

که تو خیر خواهی کردی و با تو خیانت کردند و تو با ایشان راستی کردی و ایشان با تو مکر کردند و تو با ایشان صفا بودی
و ایشان دشمنی و جدال کردند و تو با ایشان خوش خو بودی و ایشان ترا تکذیب کردند و تو ایشان را ...
و ایشان ترا در بلیه کشتند و سوگند یاد میکنم بحول او و قوة او ... که البته بر روح کسی که غضب کند
حق علی را کردند بعد از تو ... طبقه جهنم ...
او را در قعر جهنم جا دهند که شیطان از وی بیزار شود ...
[illegible]
و کافر میشود ... در عرش عظمت و جلال من ... که من امر کرده ام ملائکه هفت آسمان خود را که ...
[illegible]
[illegible]

و روز خراب شدن بنیان ضلالت است و روز بیست که ظالم الکنت ندامت بودن ان میگیرد و روز تنبیه است
و روز شرف است و روز خنک شدن دلهای مؤمنان است و روز تازگی بستان اهل ایمان است و روز شیرین کام ایشان است
و روز خوش شدن دلهای مؤمنان است و روز برطرف شدن پادشاهی منافق است و روز توفیق اهل ایمان است
و روز نازل شدن مؤمنان از فرشتگان است و روز ... است و روز مفاخرت است و روز قبول اعمال است و روز ...
و روز شکر حق تعالی است و روز یاری مظلومان است و روز زیارت کردن مؤمنان است و روز محبت کردن ایشان است
و روز رسیدن بر ... است و روز کردن ... اعمال است و روز فاش کردن راز است و روز برطرف شدن ...
و روز ترک کردن گناه کبیره است و روز ... است و روز عبادت است و روز موعظه و نصیحت است
و روز انقیاد و ... است و روز سرور اهل بیت است حذیفه گفت که پس از خدمت امیر المؤمنین بیرون آمدم و گفتم ...
در ... فضیلت این روز ...
و ... حدیث گفته اند که چون ابن حنیفه ... احمد بن اسحق شنیدم ...
و گفتیم حمد و شکر میکنیم خداوند را ... فضیلت این روز ...
و این روز را عید کردیم و سزاوار است که شیعیان نیز تعظیم نمایند و اظهار سرور در این روز بکنند
[illegible]

در شعبان

در بیان فضیلت ماه شعبان بدانکه ماه شعبان زیاده از ماه رجب است و منسوب است بحضرت پیغمبر صلعم و حضرت
صادق ع فرمود که چون حضرت رسول صلعم ماه شعبان را مشاهده مینمود امر میفرمود منادی که ندا کند در میان مردم
که ای اهل مدینه من رسولم از جانب خدا بسوی شما و میفرماید که شعبان ماه منست خدا رحمت کند کسی را که یاری کند مرا
بر قضای آن پس حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که از روزی که ندای منادی آنحضرت شنیدم روزه شعبان از من فوت نگردید
و فرمود که روزه ماه شعبان و ماه رمضان توبه ایست از جانب خدا برای جمیع گناهان و از آن حضرت سوال کردند که کدام روزه
از روزهای سنت افضلست فرمود که روزه ماه شعبان برای تعظیم ماه رمضان و فرمود که هر که ماه شعبان را روزه دارد او را پاک
کرداند از هر لغزشی و از قسمهای معصیت و قسمها در وقت غضب و آن حضرت فرمود که ماه شعبان ماهیست شریف و آن ماه
منست و حاملان عرش الهی آنرا تعظیم مینمایند و حق حرمت انرا میشناسند و آن ماهیست که زیاده میشود در آن
روزیهای بندگان از برای ماه رمضان و زینت میکنند در آن بهشتها را و آنرا شعبان نام کردهاند وجه آن در آن ماه خیر بسیار
منشعب بود گناه در آن بخشیده میگردد و آمرزیده میشود و اعمال خیر در آن مقبولست و خداوند جبار نظر میکند بر
روزهداران و عبادة کنندهگان اینماه پس مباهات میکند با ایشان با حاملان عرش پس در فضیلت روزه هر روز اینماه
نقل فرموده که ذکر آن موجب تطویل کلامست و دیگر فرمود که روزه ماه شعبان ذخیره بنده ایست از برای روز قیامت
و کفایت کند شر دشمنان او را و دیگر فرمود که ماه شعبان ماه منست و ماه رمضان ماه خداست پس هر که یکروز از ماه من
روزه بدارد من کفیل گناهان گذشته و آینده او آمرزیده شود و اگر سه روز از ماه من روزه بگیرد هیچ گناه بر او نماند و داخل بهشت شود
و هر که هر روز ماه شعبان هفتاد بار استغفار کند در روز قیامت در زمره حضرت رسول صلعم محشور شود و خدای تعالی او را
گرامی دارد و هر که در ماه شعبان تصدق کند اگر چه نصف دانه خرما باشد خدا بدن او را بر آتش جهنم حرام کرداند و هر که
سه روز آخر ماه شعبان روزه دارد و وصل کند بماه رمضان خدا ثواب روزه دو ماه متصل برای او بنویسد و هر که ایام البیض ماه را
روزه بگیرد توبه او باشد از گناه و چون ... هر چند داخل خون حرام کرده باشد و دیگر فرمود که چون ماه شعبان
داخل میشد حضرت امام زین العابدین ع اصحاب خود را جمع مینمود و میفرمود ای گروه اصحاب من میدانید این
چه ماهست این ماه شعبانست و حضرت پیغمبر صلعم فرمود که شعبان ماه منست پس روزه بدارید در این ماه از برای

پیغمبر

محبت پیغمبر خود و بجهت تقرب بسوی خدای خود و فرمود که هر که روزه دارد اینماه در روز قیامت شفیع او حضرت پیغمبر شود
و حق تعالی مونس او گردد در وحشت قبر و او را تنها نگذارد و از قبر بیرون آید در قیامت با روی سفید نورانی
و نامه عمل او را بدست راست او دهند و نامه بهشت بدست چپ او دهند تا آنکه او را نزد عرش الهی برند پس حق تعالی
او را ندا کند که ای بنده من او بگوید بلی ای آقای من پس حق تعالی ندا کند ملکی را که بگیرید دست بنده مرا و ببرید
نزد پیغمبر من پس بیاورند او را نزد من و من با او بگویم ماه مرا روزه داشتی او بگوید بلی من بگویم یاد کن
امروز شفاعت تو میکنم پس حق تعالی فرماید که من حقوق خود را به بنده خود بخشیدم اما حقوق خلق من را که
از و عفو کنند من عوض دهم که او راضی شود پس دست او را بگیرم و بیاورم بنزد صراط پس ببینم که
صراط لغزنده است و میلرزد و بار گنهکاران بر آن بند نمیشود پس دست او را بگیرم و ملکی که موکلست بر صراط گوید کیست
این مرد من گویم این فلان کسست از امت من که در دنیا ماه مرا روزه داشتی بامید شفاعت من و ماه خدا را
روزه داشته بجهت از برای طلب وعده خدا پس او را از صراط بگذرانم بعفو خدا تا آنکه او را به بهشت رسانم پس رضوان
گوید که امروز روزیست که در برای امت تو میگشایم و او را داخل بهشت کردانم پس حضرت امیر المؤمنین ع فرمود
که روزه بدارید این ماه حضرت پیغمبر را تا شفیع شما گردد در روز قیامت و ماه شعبان ماه شفاعت پیغمبر است
که پیغمبر شفاعت کند کسی را که در این ماه صلوات بر او و آل او بفرستد و بهترین دعاها در ماه شعبان استغفار است
و هر که در هر روز ماه شعبان استغفار کند هفتاد مرتبه چنان باشد که در ماههای دیگر هفتاد هزار مرتبه استغفار کرده باشد
و باین طریق گویند که استغفر الله و اسئله التوبة بنویسد حق تعالی برای او برات آزادی از جهنم و بگذرانند از صراط
و داخل بهشت کردانند و هر که در هر روز ماه شعبان هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم
الحی القیوم و اتوب الیه حق تعالی بنویسد او را در افق مبین جا و آن فضا وسعتست در پیش
عرش الهی و در آن فضا نهرها جاریست که جامها بطهور و حضرت امام زین العابدین ع در هر روز ماه شعبان در وقت
زوال و در شب نیمه آن این صلوات میخواندند اللهم صل علی محمد و آل محمد شجرة النبوة و موضع الرسالة

و مختلف الملائکة و معدن العلم و اهل بیت الوحی اللهم صل علی محمد و آل محمد الفلک الجاریة
فی اللجج الغامرة یأمن من رکبها و یغرق من ترکها المتقدم لهم مارق و المتأخر
عنهم زاهق و اللازم لهم لاحق اللهم صل علی محمد و آل محمد الکهف الحصین و غیاث المضطر المستکین
و ملجأ الهاربین و منجا الخائفین و عصمة المعتصمین اللهم صل علی محمد و آل محمد صلوة کثیرة
طیبة تکون لهم رضا و لحق محمد و آل محمد اداء و قضاء بحول منک و قوة یا رب العالمین اللهم صل علی
محمد و آل محمد الطیبین الابرار الاخیار الذین اوجبت لهم حقوقهم و مودتهم و فرضت طاعتهم و
ولایتهم اللهم صل علی محمد و آل محمد و اعمر قلبی بطاعتک و لا تخزنی بمعصیتک و ارزقنی مواساة
من قترت علیه من رزقک بما وسعت علی من فضلک و نشرت علی من عدلک و
احییتنی تحت ظلک و هذا شهر نبیک سید رسلک صلواتک علیه و آله شعبان
الذی حففته منک بالرحمة و الرضوان الذی کان رسول الله صلی الله علیه و آله یدأب فی
صیامه و قیامه فی لیالیه و ایامه بخوعا لک فی اکرامه و اعظامه الی محل حمامه اللهم فاعنا
علی الاستنان بسنته فیه و نیل الشفاعة لدیه اللهم فاجعله لی شفیعا مشفعا و
طریقا الیک مهیعا و اجعلنی له متبعا حتی القاک یوم القیمة عنی راضیا و عن ذنوبی
غاضیا قد اوجبت لی منک الرحمة و الرضوان و انزلتنی دار القرار و محل الاخیار برحمتک یا ارحم الراحمین
از حضرت امام حسن مجتبی ع روایت کرده اند که جبرئیل ع بر حضرت پیغمبر صلعم نازل شد و گفت یا محمد امت خود را
امر کن که در شب نیمه شعبان ده رکعت نماز بکنند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه سوره اخلاص
بخوانند پس بسجده روند و در سجده بگویند اللهم سجد لک سوادی و خیالی و بیاضی یا عظیم کل عظیم
اغفر لی ذنبی العظیم فانه لا یغفره غیرک یا عظیم پس هر که این عمل بجا آورد محو کند حق تعالی از دفتر

گناهان

او هفتاد هزار گناه را و مثل آن حسنه در نامه عمل او بنویسد و محو کند از پدر و مادرش هفتاد هزار گناه را
و نماز دیگر نمازیست که عامه و خاصه از حضرت رسول صلعم روایت کرده اند که حضرت فرمود که در شب نیمه شعبان
در خواب جبرئیل بر من نازل شد و گفت ای محمد ص بخواب میروی در این شب گفتم این چه شبیست گفت شب
نیمه شعبان پس برخیز اینزمان و برو بسوی قبرستان بقیع و گفت سر بلند کن بسوی آسمان بدرستیکه این شبی است که
درهای آسمان در این گشوده میشود یعنی درهای رحمت و درهای خوشنودی خدا و درهای آمرزش گناهان و درهای
فضل و احسان و درهای توبه و درهای نعمت و درهای جود و بخشش و مرا آمرزد حق تعالی از بندگان
در این شب بعدد موی چهار پایان ای محمد هر که احیا کند این شب را بگفتن الله اکبر و سبحان الله
و لا اله الا الله و الحمد لله و نماز کردن و قرآن خواندن و طلب آمرزش کردن و استغفار
نمودن بهشت در جای او شد و گناهان گذشته و آینده اش آمرزیده شود ای محمد هر که در این شب صد رکعت
نماز بکند هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله ده نوبت بخواند و چون از همه
فارغ شود ده مرتبه آیة الکرسی و ده مرتبه سوره حمد بخواند و صد مرتبه سبحان الله بگوید حق تعالی
صد ساله گناهان او بیامرزد و بعدد هر سوره و تسبیحی قصری در بهشت باو عطا کند و شفاعت
او را قبول کند در صد نفر از اهل خانه او و خویشان او و شریک کرداند او را در ثواب شهیدان
و ثواب روزهداران اینماه و عبادة کنندهگان اینماه را باو عطا کند بی آنکه از ثواب آنها چیزی
کم شود پس احیا کن این شب را ای محمد و امر کن امت خود را که احیا کنند آنرا و تقرب جویند بسوی خدا
بعبادة الهی بدرستیکه این شبی است بسیار شریف یا محمد من چون بیرون آمدم جمیع ملائکه آسمان
با لباسهای خود صف کرده بودند و نزد خدا بعبادة مشغول بودند و بعضی ایستاده بودند و بعضی در رکوع
بودند و بعضی در سجود و بعضی بدعا و بعضی بتکبیر و بعضی بتسبیح و بعضی باستغفار مشغول بودند تا که

خوش نعمتا درین شب نظر رحمت بسوی بندگان مرا افکند و می آمرزد هر مؤمنی که نماز ایستاده یا نشسته مشغول تسبیح
یا در رکوع و سجود باشد یا مشغول یاد خدا باشد و این شبی است که هر که دعا کند مستجاب شود و هر که استغفار
کند آمرزیده میشود و هر که توبه کند توبه اش مقبول میگردد و محروم کسی است که از خیر این شب محروم گردد
و هر که در شب نیمهٔ شعبان صد رکعت نماز بکند با هزار قل هو الله یعنی در هر رکعت بعد از حمد سوره قل هو الله
ده مرتبه بخواند نمیرد دل او در روزیکه دلها از ترس مرده باشند و نمیرد تا آنکه صد ملک را به بیند که او را ایمن
باشند از عذاب الهی سی و نه از ایشان بشارة دهند او را به بهشت و سی و نه از آنها باشند که در دنیا او را
از شر شیطان نگاه میداشتند و سی و نه از آنها باشند که در شب و روز برای او استغفار کرده باشد و سی تا شنبه
روز ده نفر او را حفظ میکردند انشاء الله و منقول است که حضرت رسول صلعم در این شب این دعا میخواندند
اللّٰهمّ اقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا وبين معصيتك ومن طاعتك ما تبلغنا به
رضوانك ومن اليقين ما يهون علينا به مصيبات الدنيا اللّٰهمّ امتعنا باسما
عنا وابصارنا وقوتنا ما احييتنا واجعلها الوارث منا واجعل ثارنا على من
ظلمنا وانصرنا على من عادانا ولا تجعل مصيبتنا في ديننا ولا تجعل الدنيا اكبر همنا
ولا مبلغ علمنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين
و چون دعاء كميل بن زياد که از خواص اصحاب حضرت امیر المؤمنین عم است و از دعاهای
این شب است و در اوقات دیگر نیز میتوان خواند و ترجمه در اینجا ایراد نمایم که در وقت خواندن ملتفت
معانی باشند تا فایده اش تمامتر و ثواب بیش عظیم تر باشد بدانکه كميل بن زياد کوفی روزی با مولای
خود حضرت امیر المؤمنین عم در مسجد بصره نشسته بودم شب نیمه شعبان مذکور شد حضرت فرمود که هر بنده
که این شب را بعبادة احیا کند و دعای حضرت خضر عم را بخواند البته دعای او مستجاب شود چون حضرت

بمنزل آمد مراجعت نمود شب بخدمت او رفتم چون مرا دید پرسید که بچه کار آمده ای کميل گفتم یا امیر المؤمنین
بطلب دعای خضر آمده ام فرمود که بنشین ای کميل چون این دعا را حفظ نمائی در هر شب جمعه یکمرتبه یا در هر ماهی
یکمرتبه یا در سالی یکمرتبه یا در عمرت یکمرتبه بخوان تا کفایت شر دشمنان از تو بشود و یاری کرده شوی
و روزی داده شوی و البته آمرزیده شوی ای کميل طول صحبت تو و خدمت تو موجب آن شد که ترا جواب
نعمتی که آنرا تمنا کردی و سر آنرا بتو گفتم پس گفت بنویس و دعا را تلقین من نمود اینست
بسم الله الرحمن الرحيم . اللّٰهمّ اني اسئلك برحمتك التي وسعت كل شيء وبقوتك
التي قهرت بها كل شيء وخضع لها كل شيء وذل لها كل شيء وبجبروتك التي
غلبت بها كل شيء وبعزتك التي لا يقوم لها كل شيء وبعظمتك التي ملأت
كل شيء وبسلطانك الذي على كل شيء وبوجهك الباقي بعد فناء كل شيء
وباسمائك التي ملأت كل شيء وبعلمك الذي احاط بكل شيء وبنور وجهك الذي
اضاء له كل شيء يا نور يا قدوس يا اول الاولين ويا آخر الآخرين اللّٰهمّ اغفر لي
الذنوب التي تهتك العصم اللّٰهمّ اغفر لي الذنوب التي تنزل النقم اللّٰهمّ اغفر لي
الذنوب التي تغير النعم اللّٰهمّ اغفر لي الذنوب التي تنزل البلاء اللّٰهمّ اغفر لي الذنوب
التي تقطع الرجاء اللّٰهمّ اغفر لي كل ذنب اذنبته وكل خطيئة اخطأتها اللّٰهمّ اني اتقرب
اليك بذكرك واستشفع بك الى نفسك واسئلك بجودك وكرمك ان تدنيني من

اللّٰهمّ اغفر لي الذنوب التي تحبس الدعاء

وان توزعني شكرك وان تلهمني ذكرك اللّٰهمّ اني اسئلك سؤال خاضع
متذلل خاشع ان تسامحني وترحمني وتجعلني بقسمك راضيا قانعا وفي جميع
الاحوال متواضعا اللّٰهمّ واسئلك سؤال من اشتدت فاقته وانزل بك عند الشدائد
حاجته وعظم فيما عندك رغبته اللّٰهمّ عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي
مكرك وظهر امرك وغلب قهرك وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك
اللّٰهمّ لا اجد لذنوبي غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن
مبدلا غيرك لا اله الا انت سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرأت بجهلي
وسكنت الى قديم ذكرك لي ومنك علي اللّٰهمّ مولاي كم من قبيح سترته وكم
من فادح من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم
من ثناء جميل لست اهلا له نشرته اللّٰهمّ عظم بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت
بي اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد املي وخدعتني الدنيا بغرورها
ونفسي بخيانتها ومطالي يا سيدي فاسئلك بعزتك ان لا يحجب
عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من سري ولا
تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي ودوام
تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي وكن اللّٰهمّ بعزتك لي في الاحوال كلها
رؤوفا وعلي في جميع الامور عطوفا الهي وربي من لي غيرك اسئله كشف ضري والنظر في

امري

امري الهي ومولاي اجريت علي حكما اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس
فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت
بما جرى علي من ذلك بعض حدودك وخالفت بعض اوامرك فلك الحمد علي
في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك وقد
اتيتك يا الهي بعد تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا
مستغفرا منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه
اليه في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة من رحمتك اللّٰهمّ فاقبل
عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف بدني ورقة
جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري وتغذيتي هبني لابتداء
كرمك وسالف برك بي يا الهي وسيدي وربي اتراك معذبي بنارك بعد تو
حيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك ولهج به لساني من ذكرك
واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي ودعائي خاضعا لربوبيتك
هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته او تبعد من ادنيته او
تشرد من آويته او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته وليت شعري
يا سيدي والهي ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت لعظمتك سا
جدة وعلى السن نطقت بتوحيدك صادقة وبشكرك مادحة وعلى قلوب اعترفت

بالهيبة محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة وعلى جو
ارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت باستغفارك مذعنة ما
هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب وانت تعلم ضعفي عن قليل
من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على اهلها على ان ذلك بلاء
ومكروه قليل مكثه يسير بقاؤه قصير مدته فكيف احتمالي لبلاء الاخرة وجليل وقوع
المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم مقامه ولا يخفف عن اهله لانه
لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك وهذا ما لا تقوم له السموات
والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف الذليل الحقير المسكين المستكين
يا الهي وربي وسيدي ومولاي لاي الامور اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب
وشدته ام لطول البلاء ومدته فلئن صيرتني في العقوبات مع اعدائك وجمعت
بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني وبين احبائك واوليائك فهبني يا الهي وسيدي
ومولاي وربي صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك وهبني صبرت على
حر نارك فكيف اصبر عن النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي
عفوك فبعزتك يا سيدي ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن
اليك بين اهلها ضجيج الآملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين ولابكين
عليك بكاء الفاقدين ولاناديتك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين
يا غياث

يا غياث المستغيثين يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين افتراك سبحا
نك يا الهي وبحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم
عذابها بمعصيته وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج مؤمل
لرحمتك ويناديك بلسان اهل توحيدك ويتوسل اليك بربوبيتك يا مولاي
فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ورأفتك ورحمتك ام كيف تؤلمه
النار وهو يأمل فضلك ورحمتك ام كيف يحرقه لهيبها وانت تسمع صوته وترى
مكانه ام كيف يشتمل عليه زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتغلغل بين اطبا
قها وانت تعلم صدقه ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف يرجو
فضلك في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك
ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك واحسانك فباليقين اقطع لولا
ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت به من اخلاد معانديك لجعلت النار
كلها بردا وسلاما وما كانت لاحد فيها مقرا ولا مقاما لكنك تقدست اسماؤك
اقسمت ان تملاها من الكافرين من الجنة والناس اجمعين وان تخلد فيها المعا
ندين وانت جل ثناؤك قلت مبتدئا وتطولت بالانعام متكرما افمن كان مؤ
منا كمن كان فاسقا لا يستوون الهي وسيدي فاسألك بالقدرة التي قدرتها وبا
لقضية التي حتمتها وحكمتها وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة

وفي هذه الساعة كل جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته
كتمته او اعلنته اخفيته او اظهرته وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين
وكلتهم بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهودا علي مع جوارحي وكنت انت الرقيب علي
من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم وبرحمتك اخفيته وبفضلك سترته وان
توفر حظي من كل خير تنزله او احسان تفضله او بر تنشره او رزق تبسطه او ذ
نب تغفره او خطأ تستره يا رب يا رب يا رب يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي
يا من بيده ناصيتي يا عليما بضري ومسكنتي يا خبيرا بفقري وفاقتي يا رب يا رب يا رب اسألك
بحقك وقدسك واعظم صفاتك واسمائك ان تجعل اوقاتي في الليل والنهار بذكرك
معمورة وبخدمتك موصولة واعمالي عندك مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها
وردا واحدا وحالي في خدمتك سرمدا يا سيدي يا من عليه معولي يا من اليه شكوت
احوالي يا رب يا رب يا رب قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي
الجد في خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين السابقين
واسرع اليك في المبادرين واشتاق الى قربك في المشتاقين وادنو منك دنو المخلصين
واخافك مخافة الموقنين واجتمع في جوارك مع المؤمنين اللهم ومن ارادني بسوء فا
رده ومن كادني فكده واجعلني من احسن عبادك نصيبا عندك واقربهم منزلة منك
واخصهم زلفة لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك وجد لي بجودك واعطف علي بمجدك
واحفظني

واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي بحسن
اجابتك واقلني عثرتي واغفر لي زلتي فانك قضيت على عبادك بعبادتك وامرتهم
بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعز
تك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن والانس من
اعدائي يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء
وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من رأس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع ا
لنقم يا نور المستوحشين في الظلم يا عالما لا يعلم صل على محمد وآل محمد وافعل بي ما انت اهله
وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من آله وسلم تسليما كثيرا كثيرا

دربيان فضيلت ماه مبارك رمضان ايضاً ماه مبارك است و ماه خدا و بزرگ ماهها است و بهترين ماههاست چنانچه از حضرت
امام رضا عليه السلام روايت كرده است كه حضرت پيغمبر صلعم در آخر ماه شعبان خطبه خواندند و فرمودند كه ايها الناس
بدرستي كه رو كرده است بسوى شما ماه خدا با بركت و رحمت و آمرزش و ماهيست كه نزد خدا بهترين ماههاست و روزهايش
بهترين روزها است و شبهايش بهترين شبها و ساعتهايش بهترين ساعتها است و آن ماهيست كه خوانده اند شما را در ان بسوى
ضيافت خدا و گردانيده ايد در ان از اهل كرامت حق نفسهاى شما در ان ثواب تسبيح دارد و خواب شما در ان ثواب عبادت دا
رد و عملهاى شما در ان مقبول است و دعاى شما در ان مستجاب است پس سوال كنيد از پروردگار خود به نيتهاى درست و دلهاى پاكيزه
از گناهان و صفات ذميمه كه توفيق دهد شما را براى روزه داشتن آن و تلاوت كردن قرآن در ان بدرستي كه شقي و بدعاقبت
كسيست كه محروم گردد از آمرزش خدا در اين ماه عظيم و ياد كنيد بگرسنگي و تشنگي روز قيامت را و تصدق كنيد بر فقيران
و مسكينان و خويشان خود و تعظيم نماييد پيران خود را و رحم كنيد كودكان خود را و نوازش نماييد خويشان خود را و نگاه داريد زبانهاى

از آنچه نباید کرد و بپوشید دیده‌های خود را از آنچه حلال نیست شما را نظر کردن بسوی آن و باز دارید گوشهای خود را از آنچه
حلال نیست شنیدن آن و مهربانی کنید با یتیمان مردم تا مهربانی کنند بعد از شما با یتیمان شما و بازگشت کنید بسوی خدا از گناهان خود
و بلند کنید بسوی خدا دستهای خود را بدعا در وقتهای نمازهای خود زیرا که وقت نماز بهترین ساعتهاست نظر میکند حق تعالی در آن
اوقات برحمت بسوی بندگان خود و جواب میگوید ایشان را هرگاه او را مناجات کنند و لبیک میگوید ایشان را هرگاه او را ندا کنند
و مستجاب میکند هرگاه او را دعا کنند ای گروه مردمان بدرستیکه جانهای شما در گرو اعمال شماست پس آزاد کنید آنها را بطلب آمرزش
از خود و پشتهای شما گرانبار است از گناهان شما پس سبک کنید آنها را بطول دادن سجده‌های خود و بدانید که خدا سوگند
یاد کرده است بعزت خود که عذاب نکند نماز گذارندگان و سجده کنندگان را و نترساند ایشان را بآتش جهنم در روز قیامت
ایها الناس هر که از شما افطار دهد روزه دار مومنی را در این ماه از برای او خواهد بود نزد خدا ثواب بنده آزاد کردن و
گناهان گذشته پس بعضی از صحابه گفتند یا رسول الله همه ما قدرت بر این نداریم حضرت فرمود که بپرهیزید از آتش
با افطار فرمودن روزه داران اگر چه بنصف دانه خرمائی باشد اگر چه بشربتی از آب باشد بدرستیکه خدا این ثواب میدهد
کسی را که قادر بر زیاده از این نباشد ایها الناس هر که خلق خود را در این ماه نیکو کند او را بر صراط آسان گذرد روزی
که قدمها در آن لغزد و هر که سبک کند در این ماه خدمت غلام و کنیز خود را حق تعالی در قیامت حساب او را آسان کند و هر که
در این ماه شر خود را از مردم باز دارد حق تعالی غضب خود را در قیامت از او باز دارد و هر که در این ماه یتیمی را گرامی دارد
خدا او را در قیامت گرامی دارد و هر که در این ماه صله رحم کند با خویشان خود خدا او را وصل کند برحمت خود در قیامت
و هر که در این ماه قطع احسان خود از خویشان خود بکند خدای تعالی در قیامت قطع رحمت خود از او بکند و هر که نماز سنتی
در این ماه بکند حق تعالی برای او برات آزادی از جهنم بنویسد و هر که در این ماه نماز واجبی را ادا کند خدا عطا کند باو ثواب
هفتاد نماز واجب که در ماههای دیگر کرده شود و هر که در این ماه بسیار صلوات فرستد بر من و آل من خدا سنگین کند
ترازوی عمل او را در روزی که ترازوها را اعمال سبک باشد و کسی که بخواند یک آیه از قرآن در این ماه بخواند ثواب کسی داشته باشد
که در ماههای دیگر ختم قرآن کرده باشد ایها الناس بدرستیکه درهای بهشت در این ماه گشاده است پس سوال کنید از پروردگار خود که

او در

برو ندانم که رسن عقل هرکس

او در شما بسته شود و درهای جهنم در این ماه بسته است پس از خدا سوال کنید که بر روی شما نگشاید و شیاطین را در این ماه
غل میکنند پس سوال کنید از خدا که هرگز بر شما مسلط نگرداند و در این ماه گشوده میشود درهای آسمان و درهای بهشت و درهای
رحمت و بسته میشود درهای جهنم و در این ماه شنیده میشود نداهای روزه داران و مستجاب میگردد دعاهای ایشان و رحم میکند
گریه‌های ایشان و در این ماه شبی هست که در آن شب ملائکه از آسمان بزمین می‌آیند و سلام میکنند بر مردان و زنان روزه
دار از جانب پروردگار خود تا طلوع و آن شب قدر است که حق تعالی مقدر کرده است در آن شب ولایت و امامت مرا
پیش از آنکه آدم علیه السلام را خلق کند بدو هزار سال عبادت آن شب بهتر است از عبادت هزار ماه و روزه روز آن بهتر است
از روزه هزار ماه ایها الناس بدرستیکه آفتابهای شب رمضان و ماهتابهای آن طالع میشود بر مردان و زنان روزه دار با رحمت الهی
ماهها رحمت بر شما از همه چیز زیاد میکند خدا در این ماه روزیها و عمرها را و مینویسد و مقدر میگرداند در این ماه حاجیان
بیت الله را و در این ماه حق تعالی رو میکند بسوی اهل ایمان با آمرزش و فیروزی و رحمت و روز روضه شود خدا و بدرجه‌ها
روزه دار پس تدبیر کار خود بکنید بدرستیکه در این ماهها پروردگار خود نظر کنید و تامل کنید که چگونه خواهد بود در شب و روز
روزه خود و چگونه نگاه میدارید اعضا و جوارح خود را از معصیتهای پروردگار خود پس نظر کنید که شبها در خواب نباشید و روز
با غافل از یاد خدا نباشی پس بیرون رود ماه و گناهان تو بر تو باقی مانده باشد پس در هنگام روزه داران مزده‌ها را
بگیرند تو از جمله زیانکاران باشی و در وقتی که بهره‌مندان آن از خود فائز گردند تو از جمله محرومان باشی و در روزی که سعادتمند
گردند نیکوکاران تو از رانده شدگان باشی ای روزه دار اگر تو را آقای تو از درگاه خود براند
بکدام درگاه رو خواهی آورد و اگر محروم گرداند ترا پروردگار تو که روزی خواهد داد ترا و اگر او تو را خوار کند که ترا گرامی
خواهد داشت و اگر او تو را ذلیل گرداند که ترا عزیز خواهد کرد و اگر او ترا واگذارد که ترا یاری خواهد کرد و اگر او ترا
از بندگان خود قبول نکند بندگی کدام خداوند را اختیار خواهی کرد و اگر از لغزشها و گناهان تو نیامرزد
امید که خواهی داشت برای آمرزش گناهان خود و اگر حق خود که بر تو واجب کرده در این ماه از تو طلب نماید
و هر چه خواهی کردن ای روزه دار تقرب بجو بسوی خدا بتلاوت کردن کتاب خدا در شبها و روزهای این ماه زیرا که کتاب خدا شفاعت

که شفاعت او را قبول میکنند و در قیامت شفاعت میکند برای آنها که تلاوت آن کرده‌اند پس بالا میروند
بر درجات بهشت بقدر تلاوت آیات قرآن ای روزه دار بشارت باد ترا که هر نفسی که در این ماه میکشی ثواب تسبیحی
در نامه اعمال تو مینویسند و خواب تو در این ماه عبادتست و طاعت تو در این ماه مقبول است و گناهان تو در این ماه آمرزیده
شده است و آوازهای تو بدعا در این ماه شنیده شده است و بمناجات در ربکم با خدا میکنی بر تو رحم میکند بدرستیکه
شنیدم از حبیب خود حضرت پیغمبر (ص) که خداوند عالمیان در هر شب از شبهای ماه مبارک رمضان آزاد کرده است
از آتش جهنم که عدد ایشان را بغیر از خدا کسی نداند چون شب آخر ماه میشود در آن شب میآمرزد مثل آنچه در تمام
ماه آمرزیده است و دیگر فرمود که هر که ماه رمضان را روزه بدارد و نفس خود را از آنچه خدا حرام کرده نگاه دارد بهشت
او را واجب گردد پس حضرت امیر المومنین (ع) فرمود که شنیدم از سید انبیا (ص) فرمود که بهترین اوصیای پیغمبران در بهترین
ماهها شهید خواهد شد گفتم بهترین ماهها کدام است و بهترین اوصیا کیست فرمود که بهترین ماهها ماه رمضان است و بهترین
اوصیا تو یا علی گفتم یا رسول الله این البته خواهد شد فرمود بلی بحق پروردگارم بدرستیکه بر انگیخته میشود
بدبخت ترین امت من مثل پی کننده ناقه صالح و ضربتی بر سر تو خواهد زد که ریش تو از خون سر تو خضاب شود
شروع بگریه و فغان کردند و حضرت از منبر بزیر آمد   و در آداب روزه است و مکروهست روزه دار را
بوسیدن زنان و دست بردن ایشان مالیدن و در پی باز کردن با ایشان و اقرب آنست که کراهت
مخصوص بصورتیست که اینها محرک شهوت او باشد و خوف وقوع در جماع داشته باشد و مکروهست
کشیدن چیزیکه اثر و طعم آن بحلق رسد یا در آن مشکی باشد و مشهور کراهیت بیرون آوردن خون
است از بدن که باعث ضعف شود در حجامت احتیاط بیشتر باید کرد و داخل شدن حمام که
مضعف باشد و مکروهست بوییدن گلها خصوصا نرگس و مشک و سایر بوهای خوش مکروه نیست
بلکه سنت است و طیب کردن تحفه صائمست و فرمود که هر روزه دار که در اول روز خود را خوشبو کند
عقلش زایل نگردد و اقوی آنست که بوییدن رایحه غلیظ مفطر نیست و بعضی گفته‌اند که بوییدن

غلیظ

غلیظ که بجوف رسد موجب قضا و کفاره میشود و احوط آنست که بوی خوشی را بینی که بدماغ بالا
رود نبوید و مکروهست که صائم جامه که ملاصق بدنست تر کند و مکروهست زن صائم را که در آب بنشیند
و میباید روزه دار که چشم و گوش و مو و پوست و جمیع اعضای او روزه دار باشد یعنی از حرامها بلکه از مکروهات باز
ایستند و نکنند و حسد نبرند و غیبت نکنند و جدال نکنند و سوگند دروغ نخورند بلکه سوگند راست
و فحش مگویند و ستم مکنند و بخل نکنند و خاموش باشند از آنچه نباید گفت
و دوری کنند از اهل شر و اجتناب کنند از گفتار بد و دروغ و افترا و خصومت کردن با مردم و گمان
بد بردن و سخن چینی کردن و خود را مشغول بآخرت دارند و منتظر فرج و ظهور قائم آل محمد (ع) باشند
و آرزومند ثوابهای آخرت باشید و توشه اعمال صالح از برای سفر آخرت بردارید و بر شما باد که ترس
داشته باشید از عذاب جهنم و امیدوار باشید برحمت خدا و باید پاک باشند روزه داران دلهای
ایشان و باطن از حیله‌ها و مکرها و پاکیزه باشد بدن تو از کثافتها و در روزه ولایت خود را خالی گردانی
و دور باشد از آنها که حق تعالی نهی کرده است و به لختی روح بدن خود را بخدا عز و جل در ایام روزه
خود و بدن خود را بکار فرمایی که خدا ترا امر کرده است بان و اگر همه اینها بعمل آوری آنچه بر روزه
داشتن است بعمل آورده و فرموده خدا اطاعت کرده و آنچه کم کنی از اینها که بیان کردم از برای تو
اگر از روزه تو کم میشود از فضل آن و ثواب آن و حضرت امیر المومنین (ع) فرمود که چه بسیار روزه
داریکه بهره نیست او را از روزه بغیر از گرسنگی و تشنگی و چه بسیار عبادت کننده که نیست او را بهره از عبادة
بغیر تعب ای خوشا خواب زیرکان که بهتر از بیداری و عبادة احمقانست و خوشا افطار کردن
زیرکان که بهتر از روزه داشتن بی خردانست زیرا که خواب مقربان چون بنیت صحیح و قصد طاعت واقع میشود
از جمله عبادات ایشانست بلکه ارواح ایشان در عالم با ارواح انبیا و اوصیا و خلق محشور میگردند

و بواسطه رغبت بدعای صادقه مطلع میکردند و اهرا را اهتمام تعجیل بشانست و افطار خرما سنت چون
از روز ثنائی است و بوجهی که حق تعالی خواسته افطار می‌نماید بهتر است از روزه‌ها از حمقی که روزه را نگاه
خود فرو نرکود شد و بریا عجب ممزوج میکردند و بشرایط صوم عمل نمیکنند و هرکه در شب اول ماه رمضان
غسل کند خارش بدن در آن سال با و نرسد و در شب اول ماه جماع با حلال خود سنت است و هرکه غسل کند
در اول ماه در نهر جاری و از کوزه آب بر سر ریزد باطهارت معنوی باشد تا ماه رمضان آینده و چون ماه رمضان
داخل میشد حضرت صادق ع فرزندان خود را وصیت میفرمود که اهتمام کنید و سعی نمایید در این ماه در دعا
که در این ماه روزیها قسمت میشود و اجلها و عمرها نوشته میشود و حاجیان در این ماه مقرر میشوند که بحج بروند
و در این ماه شبی هست که بهتر است از هزار ماه و از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است که بدهید شما باد در ماه
رمضان باستغفار و دعا بدرستیکه دعا دفع میکند بلا را از شما و استغفار دفع میکند گناه را و زیارت
حضرت امام حسین ع در شب اول ماه سنت است و هرکه زیارت کند در شب اول ماه رمضان یا در میان یا شب آخر
گناهان او بیرون رود مانند روزی که از مادر متولد شده و مانند طفل باشد و ثواب حج و عمره با او عطا کنند و هرکه در شبهای
ماه رمضان سوره انا فتحنا در نماز نافله بخوانند در آن سال از بلاها محفوظ گردد و اگر دو رکعت نماز بگذارد و در
هر رکعت بعد از حمد سوره انعام بخوانند و سوال کند که حق تعالی از و کفایت شر و ریکند خدا او را کفایت کند از شر
برسد و حفظ کند او را از بلاها و دردها و انتها را از شمشیر میتوان که دو هر که نماز و غسل را چنین کند
ایمن باشد از این دردها و هرکه در روز اول این ماه کفی از گلاب بر رو بزند از خواری و پریشانی نجات یابد و از حضرت
امام محمد تقی ع منقول است که هرکه در اول هر ماه دو رکعت نماز بگذارد و در رکعت اول بعد از حمد سی مرتبه قل هو الله احد
و در رکعت دویم سی مرتبه انا انزلناه بخواند و بعد از نماز تصدق کند با آنچه میسر شود سلامتی آن ماه را خریده باشد
و حضرت صادق ع فرمود که در اول شب ماه رمضان این دعا را بخوانید اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ فِیما تَقْضِی

93

مِنَ الْاَمْرِ الْمَحْتُومِ فِی اَمْرِ الْحَكِیمِ مِنَ الْقَضَاءِ الَّذِی لَا یُرَدُّ وَلَا یُبَدَّلُ اَنْ تَكْتُبَنِی مِنْ حُجَّاجِ
بَیْتِكَ الْحَرَامِ الْمَبْرُورِ حَجُّهُمُ الْمَشْكُورِ سَعْیُهُمُ الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمُ الْمُكَفَّرِ عَنْ سَیِّئَاتِهِمْ وَاَنْ
تَجْعَلَ فِیمَا تَقْضِی وَتُقَدِّرُ اَنْ تُطِیلَ عُمْرِی فِی خَیْرٍ وَعَافِیَةٍ وَتُوَسِّعَ فِی رِزْقِی وَتَجْعَلَنِی مِمَّنْ
تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِینِكَ وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِی غَیْرِی اَللّٰهُمَّ بِرَحْمَتِكَ فِی الصَّالِحِینَ فَاَدْخِلْنَا وَفِی
عِلِّیِّینَ فَارْفَعْنَا وَبِكَاْسٍ مِنْ مَعِینٍ مِنْ عَیْنٍ سَلْسَبِیلٍ فَاسْقِنَا وَمِنَ الْحُورِ الْعِینِ بِرَ
حْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا وَمِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخَلَّدِینَ كَاَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ فَاَخْدِمْنَا وَمِنْ ثِمَارِ الْجَنَّةِ
وَلُحُومِ الطَّیْرِ فَاَطْعِمْنَا وَمِنْ ثِیَابِ السُّنْدُسِ وَالْحَرِیرِ وَالْاِسْتَبْرَقِ فَاَلْبِسْنَا وَلَیْلَةَ الْقَدْرِ
وَحَجَّ بَیْتِكَ الْحَرَامِ وَقَتْلًا فِی سَبِیلِكَ فَوَفِّقْ لَنَا وَصَالِحَ الدُّعَاءِ وَالْمَسْاَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا
وَاِذَا جَمَعْتَ الْاَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ فَارْحَمْنَا وَبَرَاءَةً مِنَ النَّارِ فَاكْتُبْ لَنَا
وَفِی جَهَنَّمَ فَلَا تَغُلَّنَا وَفِی عَذَابِكَ وَهَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا وَمِنَ الزَّقُّومِ وَالضَّرِیعِ فَلَا
تُطْعِمْنَا وَمَعَ الشَّیَاطِینِ فَلَا تَجْعَلْنَا وَفِی النَّارِ عَلٰی وُجُوهِنَا فَلَا تَكْبُبْنَا وَمِنْ ثِیَابِ النَّارِ
وَسَرَابِیلِ الْقَطِرَانِ فَلَا تُلْبِسْنَا وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ یَا لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ بِحَقِّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ
فَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

احکام الموت

در بیان احکام الموت حال احتضار و بعد از آن است باید که چون
بیمار را علامت موت ظاهر شود متوجه احوال خود گردد و از گناهان توبه کند و هرکه سنتها را ادا و رشتها کرده که اگر قرض دارد ادا کند
معصیت الهی نکرده پس وصیت کند و حقوق خدا و خلق الله که در ذمت او باشد ادا کند و دیگران نکند رد پس بقدر ثلث مال
خود وصیت کند که بخویشان بی‌بضاعت و فقرا و مساکین و سایر وجوه صرف نمایند پس برای ذمت از برادران مؤمن طلب

و هرکه رغبت کرده باشد یا از بهتر رسانیده باشد اگر حاضر باشند از آیات الناس نمایند که آیات ان از وی فرو کرده الله
پس امور عیال و اطفال خود را تو کل از جناب مقدس الهی با مینی بگذارد و وصی برای اولاد صغیر خود تعیین
نماید پس کفن خود را حاضر سازد و شهادتین و اقرار بائمه ع و ادعیه که وارد شده است که سنت است که بر کفن بنویسند
بفرماید که بتربت حضرت امام حسین ع بران بنویسند اگر بی‌تربت کفن را مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است که
کفن با او باشد چنانچه از حضرت صادق ع منقول است که هرکه کفنش با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند
نظر بر آن کفن افتد بوی حسنه نوشته شود و باید که در آن وقت امید و رحمت حق تعالی و شفاعت رسول خدا بوده
و باید در وقت مردن مؤمن نزد او قرآن بخوانند و تلقین میت را نزد او بخوانند و آنچه اند خود بخوانند
و کلمه طیبه را بگوید و هرکه در آخر نفس لا اله الا الله بگوید داخل بهشت شود و در این حال بیمار را بجانب قبله
تا ملائکه رحمت باو در آورند و در این وقت حایض و جنب نزد او نباشد که ملائکه از ایشان نفرت کنند و اگر
غیر از این نباشد جایز است که بر ان موضع رتبه برستار ران او نمایند و چون نزدیک شود که جانش بر آید دعا
د وصل کوبند
که جان دادن دشوار شود او را بردارند به جای که همیشه نماز میکرده اگر امید شفا هست شفا یابد و اگر نه جانش بر آید
و فرمود که حالت احتضار در سعت و با حرکت دهد مانع مشوید چنانچه جاهلان میکنند و در هیچ اعضایش دست
مزنید و هرکه در آن حال او را دست زند چنانست که او را بکشند و در آن وقت اگر بتوانند کلمات فرج تلقین کنند
و اگر نتوانند خود بخوانند و دیگران نزد او بگویند اینست لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی
العظیم سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش
العظیم والحمد لله رب العالمین و بنام دوازده امام بخوانند بنحو یکه و از برای آسانی جان دادن این دعا را
تلقین او کنند یا مَنْ یَقْبَلُ الْیَسِیرَ وَیَعْفُو عَنِ الْكَثِیرِ اِقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیرَ وَاعْفُ عَنِّی الْكَثِیرَ اِنَّكَ اَنْتَ
الْغَفُورُ الرَّحِیمُ و سنت است بعد از مردن سزاوار است که مؤمنان را خبر کنند تا نماز او بگذارند و میت و ایشان

94

روز برابر مانند و رنگ رو زرد کند بتحقیق که خدا تعالی قسمت کند روزیهای بنی آدم را
در وقتی که در ما بین طلوع فجر است تا طلوع آفتاب پس حذر کنید از این خواب و فرشتگان که قسمت
میکنند روزیها بنی آدم را در میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب پس هرکه در این وقت خواب کند خو
بیده است از روزی خود و سنت است که چون صبح صادق طلوع کند این دعا بخواند یا فَالِقَ الْاِصْبَاحِ مِنْ حَیْثُ
لَا اَرٰی وَمُخْرِجَهُ مِنْ حَیْثُ اَرٰی صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاجْعَلْ اَوَّلَ یَوْمِنَا هٰذَا صَلَاحًا وَاَوْ
سَطَهُ فَلَاحًا وَآخِرَهُ نَجَاحًا بِرَحْمَتِكَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ

عقد نکاح

و بدانکه در عقد نکاح رضا و الدین را شرط نمیدانند الا آنکه رضای والدین
ملاحظه شود خوبست و بدانکه عربیت را در عقد نکاح شرط میدانند در حالت
اختیار اما در حال اضطرار بغیر عربی هم میشود و صیغه نکاح را چنین باید خواند
هرگاه مرد و زن بخوانند اول زن میگوید اَنْكَحْتُ وَزَوَّجْتُ نَفْسِی لِنَفْسِكَ
بِمَبْلَغِ الْمَعْلُومِ و هرگاه مرد و زن صیغه نخوانند و هر یک یک شخص وکیل بکنند
هرگاه هر یک شخص را وکیل کنند آنوقت آن وکیل صیغه را بخوانند اول از طرف
زن میگوید اَنْكَحْتُ وَزَوَّجْتُ مُوَكِّلَتِی لِمُوَكِّلِی عَلَی الصَّدَاقِ الْمُعَیَّنِ الْمَعْلُومِ
و از طرف مرد میگوید قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِیجَ لِمُوَكِّلِی عَلَی الصَّدَاقِ الْمُعَیَّنِ الْمَعْلُومِ
و هرگاه هر یک از مرد و زن یک شخص را وکیل بکنند بانکه مرد یک شخص را وکیل کند و زن هم
شخص را وکیل بکند آنوقت صیغه را چنین باید خواند اول وکیل زن میگوید اَنْكَحْتُ وَزَوَّ
جْتُ مُوَكِّلَتِی لِمُوَكِّلِكَ عَلَی الصَّدَاقِ الْمَعْلُومِ و وکیل مرد میگوید
قَبِلْتُ النِّكَاحَ وَالتَّزْوِیجَ لِمُوَكِّلِی عَلَی الصَّدَاقِ الْمُعَیَّنِ الْمَعْلُومِ و هرگاه وکیل زیاده شود

وکیل بکنند و آن شخص وکیل هم شخص دیگر را وکیل بکند و زن همچنین بکند باینکه زن شخصی وکیل بکند
و آن وکیل هم شخص دیگر را وکیل بکند و آن وکیلها از طرفین هم صیغه خوانی را وکیل بکنند آنوقت صیغه را
هم چو باید خواند اول از طرف زن میگوید انکحت و زوجت موکلة موکلی لموکل موکلی علی الصداق
المعلوم و بعد از آن از طرف مرد میگوید قبلت النکاح والتزویج لموکل موکلی علی الصداق المعین
المعلوم هرگاه وکیل زیاد بشود بید لفظ موکل را در صیغه زیاده میکند و اینهم باید دانست که لفظ
نکاح و تزویج منعقد بنفسه هم واقع شده است و متعدی بحرف جر هم واقع شده است احوط
و افضل آنست که لفظ نکاح و تزویج را متعدی بنفسه هم بکنند و متعدی بحرف جر هم بکنند تا
احتیاط تمام بعمل بیاید و آنوقت که بحرف جر متعدی میشود و بلفظ من و باء و لام پس احتیاطا آ
که صیغه را یعنی لفظ نکاح و تزویج را بحروف ثلث متعدی بکنند باینکه هرگاه مرد و زن هر دو یک
شخص را وکیل بکنند و آن وکیل هم صیغه بخواند باین نحو بخواند انکحت و زوجت موکلتی لموکلی و بموکلی
و من موکلی علی الصداق المعلوم قبلت النکاح والتزویج لموکلی و من موکلی و بموکلی علی
الصداق المعین المعلوم و لفظ متعه مثل صیغه نکاح است یعنی لفظ متعه هم متعدی بنفسه میشود
و متعدی بحرف جر هم میشود مگر اینکه در متعه تعیین مدت ضرور است اما در نکاح این تعیین ضرور نیست
جزاکم الله تمام شد ~~~ بسم الله الرحمن الرحیم مسائل متفرقه
مجتهد جامع الشرایط شیخ جعفر سلمه الله تعالی در ایام سیاحت از زبان شنیده شده مسئله در مستحق زکوة
عدالت شرط نیست مسئله چشمه رود یا آب جاری که در صحرا باشد بدون اذن مالک وضو میتوان
ساخت مسئله کسی که یقین کند که یکی از سجدتین یا تشهد را ترک کرده است و بعد از آنکه نماز تمام شد هرگاه دخل ارکان
منافی صلوة شد هر دو را بعمل آورد و بر جهت قیام بمحل دو سجده سهو باید بکند و احوط اعادة است
هرگاه کسی قناعت در اخراجات خود بکند و چیزی از مؤنت زیاده آید آن زیاده که بسبب قناعت شده است
...

که از تنهائی خرج او کمتر بوده است خمس ندارد لیکن احوط است که خمس را بدهد و هرگاه در شیره
انگور بعد از جوش شیدن و قبل از ذهاب ثلثین چیزی مانند سیب و به در آن ریزند و بعد بقوام آورند و دو ثلث
تلثین شود یا کم شوند لیکن احتیاط شدید دارد بول جوشانده که شیره را رسیده شده هرگاه وقت
دو شیدن داخل شیر شود آن شیر حلال است مگر آنکه آنقدر بول داخل او بشود که در پیش مردم از خبائث
حساب شود اگر کسی کفر گوید و بعد گوید که اعتقاد من نبود اگر در وقت گفتن قرینه بود که
معتقد او نبوده است آن قول مسموع است و الا مسموع نیست نکاح بر زن نامحرم بدون
لذت جایز است رد مظالم آن شخص خود میتواند داد و هرگاه بمجتهد بدهد بهتر است اگر کسی
در جامه خواب منی ببیند وقتی که یقین بحصول جنابت دارد نماز را اعاده کند و کسی که نذر کند
که ماه معین را چه در حضر باشد یا سفر روزه بگیرد نذر او منعقد نمیشود و غصبی بودن مکان
و ظرف آب و جای که آب وضو یا غسل در آن میریزد در صحت وضو و غسل شرط است ارتماس در
آبهای مضاف مانند گلاب مفسد صوم نیست هرگاه آب از جای بلندی فرود بود و خود را زیر
آن نگه دارد بطوری که تمام بدن او فرا گیرد روزه او باطل نمیشود هرگاه کسی لباس ساتر او منحصر در
مغصوب باشد اگر تواند آن را بکند و عریان نماز کند و الا با پوشیده نماز کند و واجبست اگر ابتداء حج
بر ساند هرگاه کسی سبّ پیغمبر صلی الله علیه و آله نعوذ بالله نماید یا یکی از ائمه معصومین یا قرآن
کافر است اگر نطفه او در اسلام منعقد شده باشد توبه او قبول نیست و کسی که از او نشانه
دهد اگر هلاک حرمت اسلام در ضمن آن بعمل آید مانند دشنام باشد اگر ندانسته آنکه مسلم
انکار وجوب آن باشد کافر شود و الا گناه عظیم کرده است و کافر نیست و اگر کسی
السلام علینا و علی عباد الله الصالحین از نماز بیرون میکنند و لیکن بعد از گفتن آن احتیاط است
که السلام علیکم را بگوید هرگاه نگوید نماز او باطل نیست در خانهای که مجهول المالک باشد
بدون اذن شرعی نماز نمیتوان کرد ارتماس نمودن در آب مبطل روزه است و موجب قضا و کفاره

هر دو میشود و هرگاه سر را تنها در زیر آب فرو کنند همان حکم دارد هرگاه سهواً ارتماس بعمل آید باید
زود بیرون آید و اگر سهواً غسل ارتماسی کند غسل صحیح است در روزه قضای رمضان هرگاه بر و معین نشده
و پیش از ظهر ارتماس نماید بقصد غسل روزه او باطل و غسل صحیح است و اگر بعد از ظهر بکند عمداً غسل و روزه
هر دو باطل و کفاره معین دارد و آن از کفاره معین شصت روز روزه گرفتن یا ده مسکین را طعام دادن است
هرگاه زنی که جماع با طفل کوچک بعمل آورد اگر بحدی باشد که اسم جماع بر او صادق نباشد مثل طفل یکماهه مفسد صوم نیست
اگر کسی به پول حرام چیزی بگیرد اگر بعین آن پول ابتیاع نماید آن چیز هم حرام است و اگر آن چیز را بذمه خود خرید
قصد کند که از حرام ادا نماید بعضی از علما میفرمایند که حرمت آن قویست و اقوی آنست که حلال است و اگر قصد ادا از آن
از حرام ندارد و چنانچه اتفاق افتاد که از حرام ادا نمود آن چیز که گرفته است حلال است لیکن مشغول ذمه قیمت آن
میباشد چون ادا از حرام باعث فراغ ذمه نمیشود نظر بصورة زن مرد در آینه یا در آب بالذة حرامست
و هم چنانست نظر زن بصورة مرد در آینه مثلاً و نیز هرگاه صورة الحق نظر بکند و لذت ببرد
حرامست نظر محرم بدون لذت بجز سوای عورتین جایز است و با لذت جایز نیست مطلقا چه زن بمرد
محرم یا مرد بزن محرم و اجرت امور محرمه و پولی که بسبب حرام اخذ مینماید و حرامست
مانند اجرت زنا و لواطه و پولی که تبعه ظلمه بجهت اعانت ایشان در ظلم اخذ میکنند
هرگاه کسی واجب و سنت نماز را از هم فرق نکند مانعی ندارد هرگاه خیمه یا سقف خانه
غصبی باشد نماز در آن باطل است هرگاه مرد زن یا زن مرد را اکراه بجماع کند اکراه کننده متحمل
کفاره دیگری میشود علاوه بر کفاره خود هرگاه در ماه رمضان افطار بحرام کند دیگر کفاره
واجب و جماعتی بکفاره جمع قایلند و آن احوط است و در کفاره ماه رمضان مخیر است در اداء
هر روز که افطار کرده است در میان عتق رقبه و اطعام شصت مسکین و دو ماه روزه پی در پی
باین نحو که یکماه و یکروز را متوالیا بگیرد اگر کسی جنب شود در شب ماه مبارک اگر عادت نداشته که
هرگاه بخوابد تا صبح بیدار نشود هرگاه باختیار خود بخوابد قضا و کفاره بر او لازم است و هرگاه عادت
...
است

آنست که بیدار میشود دفعه اول هرگاه بخوابد و تا صبح بیدار نشود روزه او صحیح است و اگر بیدار شود
و دفعه ثانی بخوابد و نیز بیدار نشود قضا لازم و کفاره ندارد و همچنین هرگاه دفعه ثالث بخوابد
و بیدار نشود بنا بر اقوی در این صورت کفاره احوط است اگر کسی بداند که متمکن از آب تا صبح
نخواهد بود جایز است او را که جماع نماید و صبح با تیمم ادراک کند زن استحاضه متوسطه و کثیره
هرگاه اعمالی که بر او لازمست بعمل آورد روزه اش صحیح است و تقدیم غسل بر صبح لازم نیست دروغ
گفتن بر خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه هدی در اموری که متعلق بامر دین باشد موجب قضا و کفاره است
و در امور دیگر مانند مدت عمران یا یکی از ایشان در بعضی بلاد بنا حرامست لیکن مفسد صوم نیست
و دروغ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در امور شرعیه احتیاط شدید دارد و بسایر پیغمبر مفسد نیست
و هرگاه کسی جنب شود و نیابد بعد از مدتی که مطلع شود نماز را باید از وقتی که یقین بجنابت کرده است
اعاده نماید اما روزه که گرفته است در آن روز قضا ندارد اگر جنب شود جنابت را فراموش
نماید و روزه دارد بعد از آن بخاطرش آید باید روزه را قضا کند هرگاه زن حایض پاک
شود و غسل را فراموش کند احوط آنست که روزه را قضا کند روزه واجب اذن پدر و مادر و اقا
و شوهر شرط نیست و اگر واجب موسع باشد و خواهد که تعجیل نماید و یکی از ایشان منع کنند و گوید بتاخیر بینداز
اولی و احوط تاخیر است و هرگاه تعجیل کند هم جایز است و اگر کسی اجیر باشد که روزانه برای کسی کار کند
و روزه مضعف او باشد از کار و کار را کمتر کند بی اذن مستاجر روزه نمیتواند گرفت روزه
سنتی بی اذن و اقا و شوهر صورت ندارد و بدون اذن پدر و مادر خالی از اشکال نیست و احوط ترک است
و اگر منع از روزه سنتی نمایند اشکال در بطلان نیست مهمان بی اذن صاحب خانه مکروه است
که روزه دارد و هم چنان صاحب خانه بی اذن مهمان هرگاه کسی روزه واجب باشد روزه سنت نتواند گرفت

اب قلیل که نجس شود هرگاه متغیر بنجاست نباشد بمجرد اتصال بکر پاک میشود بشرط آنکه اعلا از کر
نباشد واگر علو آن بعنوان تریجی باشد هم مانع ندارد پاک میشود اجرت غسال اموات حلال است
یا نه جواب اجرت بر واجبات غسل حرامست و در مستحبات آن مانع ندارد اجرت گرفتن بر مستحبات
نمودن بر اموات میت حلالست دو چیز که از یک جنس باشد و متفاوت القیمه باشند
ریسمان و پنبه هرگاه کسی متساویا احدهما را بدیگری بیع نماید و تفاوت قیمت را از جنس ناقص
القیمه هبه بدیگری منتقل سازد هرگاه هبه در معامله شرط نکنند جایز است مانع ندارد
هرگاه نابالغ زنا کند عرق او پاکست هرگاه کسی نماز ظهر را کرد و مشغول نماز عصر شد و یقین
کرد که تشهد از او فوت شده اما نمیداند که از کدام یک فوت شده بنابراین بعد که از نماز عصر
و هرگاه دخل رکنی نشده است برگشته آنرا بجا آورد و اگر دخل رکن شده است بعد از نماز قضا
نماید و دو سجده سهو میکند و احوط آنست که نماز ظهر را اعاده کند بلکه احوط هر دو
اعاده کند هرگاه زراعت زمین حلال را با آب غصبی سیراب نمایند حاصل آن حلالست
هرگاه قدرت بر ابتیاع کتاب علم نباشد از سهم فی سبیل الله میتوان گرفت مستحق زکوة
اینقدر قدرت نباشد که متوجه زیارت گردد از سهم فی سبیل الله میتوان گرفت هرگاه در لباس
مصلی پارچه غصبی باشد هرگاه داخل لباس است نماز باطلست هرگاه کسی چیزی دزدیده و الحال
قیمت آن چیز بالمضاعف شده آیا قیمت وقت دزدیدن باید رد نماید یا قیمت حالی باید
قیمت وقت تلف را بدهد علی الاقوی هرگاه کسی اتفاقا یکروز در روزه که روزه ماه رمضان
مفطرا درک نکرد روزه آن روز را چه صورت دارد و چه حکم روز نارسا بقر چه نوع میشود جواب
هرگاه عمدا چنان نموده باشد روزه آن روز باطل و باید از سر گیرد هرگاه دو ماه را متتابع نموده با
هرگاه پدر شخصی بعضی خمس را نداده و بعضی را داده باشد و پسر نداند که چقدر گرفته است از خمس

ازبرای پسر که فتح نماز او صحیح است یا نه جواب هرگاه ولد که زحوت او را بحقیقی بود که نجس بوده
خریده است نماز در آن بمیتواند که در نماز نارسیده نیست سابق صحیح است بلی نابینائی که قدری
ملکی باشد که خوراک او از آن معاش شود هرگاه بقدر نصاب باشد باید زکوة بدهد هرگاه کسی
پنج تومان مثلا بکسی قرض الحسنه بدهد لیکن مبلغ ده شاهی پول پیش را با و بمبلغ یک تومان سفید
بمو بعد یک پول بفروشد آیا چنینی وضع آن یک تومان حلال میشود یا نه جواب در صورتی که بیع
مسطور را شرط در قرض ننموده باشد حلالست مانع ندارد هرگاه صاحب باغ زکوة را
ندهد آیا باغبان از آن باغ که وجه اجرت اوست نسبت بحصه خود زکوة لازم میشود یا نه
جواب در صورتی که حق زکوة در آن باقی باشد باید اخراج زکوة نماید و رجوع نماید آنقدر را
بصاحب باغ مگر آنکه [illegible] زکوة آن حصه را از باغبان شرط نموده باشند هرگاه کسی بگوید
بشخصی که من فلان کار را چنین نموده ام و آن شخص قبول نکند سخن او را و آنکسی بگوید اگر چنین
نباشد من قرآن را غوده باشم نعوذ بالله نانزی بقرآن بگوید آیا سبب [illegible] آن نماز
اخلاف الحجه میگوید باعث کفر آن شخص میشود یا نه جواب هرگاه فی الحقیقه آن
شخص موافق اعتقاد خود نیست بگوید این قول باعث کفر او نمیشود در مسائل که
تقلید مجتهد حی را نموده بعد از فوت او باید بر همان تقلید باقی مانده باشد و عدول
از آن بقول مجتهد حی ننماید سجده سهو در حکم جزء نماز نیست لیکن در واجبات احتیاط
شدید دارد السلام علیکم تنها از نماز بیرون میکند حکم سقف مسجد حکم زمین مسجد دارد
هرگاه کسی عمدا یک حرف از نماز اخفات را جهر کند نمازش باطلست با علم هرگاه مسجد خراب شود
و منهدم شده باشد جایز نیست جای مسجد خراب بقصد اعلا بکنند و قیمت [illegible] مسجد دیگر صرف نمایند

هرگاه کسی با زن ذات البعل زنا کند حرام مؤبد میشود آن زن حتی بعد از طلاق دادن زوج
و غیره عیبی ندارد بقایای غذا در بن دندان فرو بردن حرمت اجتناب است
زراعت هرگاه با آب غصبی سقی شده باشد محصول آن زراعت بصاحب تخم است اگر زن کسی
از نامحرم ملاحظه نکند و چیزی که نظر نامحرم با آن جایز نیست او را بحرف زدن او را نصیحت کند
اگر ممنوع نشود حرف زدن او را منع کند و اگر ممتنع نشود در رختخواب پشت خود را باو کند
اگر ممتنع نشد جای خواب خود را جدا کند و اگر ممتنع نشود آن وقت او را بزند و اگر باز
نفع نکرد بر شوهر گناهی نیست و طلاق او لازم نیست هرگاه کسی یقین کند که لباس او نجس است
به سبب ملاقات [illegible] با رطوبت اجتناب از آن لازمست و هرگاه نداند اجتناب واجب نیست
هرگاه در ملک شخصی قدری اعلا که مجهول المالک باشد اختیار آن با حاکم شرع است هرگاه
کسی در مسجد نجس شود او را بیرون نکند نماز او صحیح است اما معصیت کرده است در صورتی که
خود نجس کرده باشد [illegible] نموده باشد ازاله نجاست از مسجد واجب است هرگاه کسی در اثنای
نماز در رخت خود نجس بیند هرگاه کندن آن بدون آنکه فعل منافی نماز بعمل آید ممکن باشد
بکند و نماز را تمام کند و احوط اعاده آن نماز است زکوة زراعت را بعد از اخراج
سلطانی باید بدهد و اقوی آنست که ملاحظه نصاب بعد از اخراج خرج سلطانی نماید و مراعات
احتیاط مقتضی آنست که قبل از اخراج ملاحظه نصاب شود هرگاه تخم زراعت حرام بوده
باشد محصول آن زراعت بصاحب تخم هرگاه کسی که سفر پیشه و عمل او باشد و اراده
سفر جبر کند باید نماز را تمام بکند و کسی نماز ظهر و عصر را بعمل آورد و بعد از آن یقین کرد
که دو رکعت نماز احتیاط به جهت ظهر بایستی گذارد و نگذارده است نماز ظهر او باطل است و احوط
اعاده هر دو است کسی به تسبیحات اربعه نماز احتیاط گذارد نماز باطلست هرگاه زنی به پسر

بیغ سالگی زنا کند عرق زن نجس است و عرق طفل پاکست هرگاه دیوار مسجد ریخته باشد بوده
و از خاک آن دیوار را درست سازند هرگاه ضرر نرسد نماز در آن مسجد صحیح است هرگاه در جیب
کسی پول حرام باشد احتیاط بسیار دارد هرگاه بعد از دفن میت معلوم شود که او را حنوط
نکرده اند نبش قبر جایز نیست هرگاه میت در مکان غصبی دفن شده بیرون آوردن آن
واجب است اگر پوسیده باشد استخوان او را بیرون کنند هرگاه کسی نماز ظهر و عصر را گذارده
باشد و بعد از آن یقین کند که نماز ظهر قبل از وقت بعمل آمده و نماز عصر در وقت مختص بظهر بعمل آمده
در این صورت نماز ظهر و عصر هر دو باطلست کل مسکرات حرامست عرق از مسکرات است
با ضعف بدن اگر کسی در مسجد فرش یا حصیر گذارد بوده از آن کار خود میتوانند که فرش و حصیر را
گذارند هرگاه از بول خصوصی کودکی با بول صغیره رفته باشد عفو نکنند بوده و نماز گذارد
اگر پدر کسی از کسی طلب داشته باشد بعد از فوت پدر میتواند که حصه خود را [illegible] مطالبه [illegible]
هرگاه کسی صحیح بشود و در اول وقت نماز گذارده باشد نماز او باطلست باید قضا نماید هرگاه
شخصی پول حرام را بادمی معاوضه و قدر هم زیادتی بدهد حلال نمیشود از ما یحتاج خانه که از قدر
احتیاج زیاد نمیباشد خمس ندارد در صوم قضای رمضان ترتیب شرط نیست لباسی از جهت
شهوت هرگاه که فقیر باشد از حصه فقرا و اولا از سهم فی سبیل الله میتوانند کفن و اگر شخص دیند
که کسی [illegible] بر او لازمست که امر معروف و نهی منکر نماید و اگر ممتنع نشود بزند و اگر دیگر
نشود غیبتش بکنند و اگر ممتنع نشود بحاکم شرع بگوید و اگر در امر مذکوره تقصیر نماید آن شخص
در آن گناه شریک است هر چیز که مسکر باشد خوردن آن حرامست و بردن مالیدن و استعمال آن هم
حرامست و از جمله محرمات کل آهن و خاک و آجر و خاکستر و استعمال شده است در خانه [illegible]
امام جمعی عدم خلافست بعضی بر آنند که از هشت فرسخ تو بیش است اما بقرب بعضی چهار فرسخ

میگویند بعضی میگویند اطراف قبر بعضی بوانند خود قبح و بر هم حدیث با عمل نمی‌کند دو هر چه
از محلی تو دیگر باشد اولی تر است و از خاک تربت خوردن جایز است از برای استشفا اما
از مقدار یک نخود نباشد والا حرامست هرگاه خاک تربت مخلوط باشد با خاک دیگر آن حرمت
صیغه عربیه در معامله شرط نیست علی الاقوی بیع و شری و غیره میتوانند خواند و زنی که فاحشه
باشد و در بیع با وسخن شوهر را قبول نمی‌نماید مهر شوهر آن را هر وقت که مطالبه نماید از زوجش
میتواند گرفت به سبب امورات مذکوره مهر او ساقط نمیشود در نوکسی چیزی حرام باشد
مثل قلمدان و کارد و مهر و غیره در نماز نباشد احتیاط شدید دارد و کفش غصبی که در پای
آدم باشد وضو باطل نمیشود بشرط آنکه در وقت مسح پا دست را داخل کفش نکند و پا را بیرون آورده دکر
مسح کند واحتیاط اولیست و کمر حریر هرگاه ساتر عورت باشد نماز باطلست و در روزه
سنتی بعضی جنب تا صبح عمدا موجب بطلان صوم نیست مراعات احتیاط اولیست هرگاه
شخص جماع حیوانی کند یا لواطه نماید عرق آن نجس است و با آن نماز نمیتوان کرد و شخص حرام خور
نماز کرده و روزه گرفته صحیح است و هرگاه شخص در وقت مردن توبه نمود با اعتقاد درست
که دیگر عزم بر گناه نکند توبه او مقبولست و هرگاه شخص از اصل نداند که قضا بر ذمه او هست
یا نه قضا لازم نمیشود از اهل ظلمه بقدر طلب تقاص میتوانند نمود و هرگاه شخص مسافر به
پیشنماز اقتدا کرد و در رکعت دوم که آخر نماز خود است سلام میدهد و نیت فرادی نماید بلکه
بلکه تا آخر نماز خود مقتدی است هرگاه نیت انفراد نموده باشد اقوی صحت نماز است لیکن احوط
اعاده است و بول اسب که از زمین بجهد و بلباس آدم برسد طاهر است و در لباس کسی منی بوده
با آب جاری غوطه دهد باید که یقین کند که نجاست زایل شده است و هرگاه درختی در باد
کاشته مسقال که بکار برده باشد بعد از تطهیر انتفاع از آن مانعی ندارد در لباس شخص خون متعرف
باشد

باشد اگر مجموع کمتر از درهم بغلی باشد نماز میتوان کرد و در خانه ذمی هرگاه خنثی باشد و عبارت آن تغدس
بدن و لباس مضی نکند نماز کردن مانعی ندارد و باید محل سجده پیشانی که بر آن سجده میکند پاک باشد
اطفال اگر هرگاه صبی و صاحب ادراک باشند اسلام ایشان معتبر است و پاک میشوند
از اهل اسلام طایفه بشند که در کوه جنگل ساکن میباشند و در اطاعت جماعت در سیه میباشند و این جماعت
مدد نموده الله و لا یقنا باسلام غارت مینمایند خواه عذر شرعی داشته باشند و خواه نه در وقت دعوی
و جنگ ایشان با کشتن و غارت کردن چه صورت دارد جواب هرگاه آن مسلمانان مشغول
قتال اهل اسلام و نهب اموال ایشان باشند قتال ایشان جایز است و اگر بیکطرف باشند چنان
نکنند قتل ایشان جایز نیست و اما اموال ایشان غارت نمودن بی مطلق جایز نیست
در صیغه متعه اگر عربی نتوانند خواند غیر عربی جایز نیست و اگر نمیتوانند بفارسی و ترکی میتوانند اجرا
نمود و توکیل کسی که عربی نتوانند خواند و اجب نیست لیکن احوطست نماز قضا موسع است و هر وقت
میتوانند کرد کشتی را طبخ کردن مانعی ندارد میت را بعد از دفن نبش قبر نموده
بعتبات نقل نمایند اگر مرد و زن محرم یکدیگر باشند میخواهند که اتفاقا با هم ایشان تو ابابلم
بعتبات نقل کنند میتوانند کرد مانعی ندارد اگر محرم نیستند نکنند العدالة شرط فی امام
الجنازة کسی در آیه در قرائت وقف کند و اعراب آخر آیه را نداند و کسی که وصل کند آیه را با
بعدش و حرکت او را اظهار نکند یعنی ساکن کرده با بعدش وصل کند نماز هر دو صحیحست علی الاشکال
صحیح است نماز لولم به نیت القضا در ذمه کسی نماز قضا بوده باشد جایز است صلوة اجاره
بکند اگر کسی در قیام باشد نمیداند که از رکوع برخواسته است بسجده میرود یا از سجده
برخواسته است حمد میخواند بنا را بر آن میگذارد که از رکوع برخواسته است و بسجده برود
از انگورهای که در عادت خشک نکنند از برای آنکه خشک نشود زکوة دارد یکی میداند که در ذمه او
نماز قضا دارد متفرقا اما کم کیفیتش را نداند آنقدر قضا کند که مطمئن شود و به نیت صلوة
مطوره سابقه

الو کسی شک بیجا از بعض در نماز زیاده از سه مرتبه بکند اگر آن را تدارک دیده بیت ذکر کرده باشد
شک بکند و اگر به نیت جزء بخواند پس اقرب صحت نماز است و خالی نیست مسئله از اشکال کسی
در قیام تکبیر گوید و معلوم نکند که آن تکبیر احرامست یا از سوره فارغ شده است تکبیر رکوع
در اینصورت اگر یقین به وقوع تکبیرة الاحرام دارد بر فرضی که آن تکبیر رکوع باشد باز نماز او
صحیح است و بنا را بر آن بگذارد که تکبیرة الاحرامست و مشغول قرائت حمد گردد شخص بیمار
شده باشد و مشقت و آزار او چندان نبوده باشد و زنش مهر خود را بشوهر خود هبه نماید
و در عوض آن مرد مهر او را هر چه که از نقد و جنس که بوده باشد تمام و کمال بزن خود هبه نماید
و اولاد این مسئله نباشد و مرد بمیرد با آن در وارثان مرد از آن زن مهر خود را از مال جواب
مرد میتواند گرفت یا نه اگر مهر را زن مطلقا از مهر خود شوهر بخشیده است یا بمعنی شوهر را
بری الذمه نموده است و شوهر در عوض احسان او مایملک خود را از جنس و نقد با او
هبه نموده باشد هبه مطوره از ثلث محسوب میشود اگر موهوب بتصرف موهوب لها
داده باشد یا قدر ثلث آن به تصرف او نداده باشد هبه مطوره باطل میشود کما
قرض الله دو ثلث باقی در فرض اول و تمام متروکات در فرض ثانی میراث و رثه قسمت میشود
و زوجه را در فرض مطوره ادعای مهر نمیرسد و نمیتوانند از متروکات زوج آنچه استیفا نماید
المحرمات من الذبیحه خمس عشر الطحال و القضیب و الفرج و الدم و الانثیان
و النخاع
و العلباء و الغدد و ذات الاشاجع و خرزة الدماغ و الحدق و الا
معاء و المثانه و المراره و المشیمه نماز احتیاط جزء نماز است و سجده سهو جزء
نماز نیست لیکن در واجبات آن احتیاط شدید دارد و با وجود قضا ادا در اول وقت میتوان کرد
عمدا

عمدا مطلقا حرامست چه مرافق یا غیرها هرگاه مسجدی خراب و منهدم شده باشد جایز نیست که مسجد
مسجد خراب را بقیمت اعلا بگیرند و قیمتش بمسجد دیگر صرف نمایند شخص کور سفید کرده
خمس بحول کور سفید نداده است آیا از آن شخص شیر میتوان گرفت یا نه جواب اگر بداند که شیر
از آن کور سفید است بعینه حرامست شیر آن و الا خلا شخص معرفت ندارد و قرائتش بلند
و یاد گرفتن قرائت در اینجا مقدور است یا و تکبیر و زیادت میرود و در روزه مقدور نیست
است مباحست چنین شخص تو یادت یا نه جواب اگر تو زنا دفتی مانع از یاد گرفتن
قرائت واجبه باشد حرامست شخص سوا چیزی را بدست گرفته و یا عمل اگر وقت و یاد
بدن او شغل ذمه است یا نه جواب اما در دو قسم اول اگر مسلط شد بر آن مال ضامن است
در صورت ثالث ضامن نیست شخص اگر معانی کذر باشد قرائتش را بلند قرائت
نموده کرده است بسبب معانی میرود آیا برای گرفتن چاشت رفتن مباحست یا نه جواب
واجب است یاد گرفتن قرائت واجبه بقدر امکان شخص در زمان اجاره در وقت خواندن
صیغه بولش را معین ننمود و بول هم نقد ننمود آیا چنین بیع صحیحست یا نه جواب که اجاره
عمل کرده است اجرة المثل میدهند و الا باطلست شخص حساب در او دو بعد از آن دادن
خمس یقین نمود که در محل ذمه بود آیا آن خمس را برای مظالم خود حساب میتوان نمود یا نه جواب میتوانند
کم قرض الحسن باشد که من بعد هر گاه خمس علاقه گیرد برای خمس حساب کند یا نه جواب نمیتوانند حساب کنند
شخص نسبت ظلم را بر خدا دهد آیا بر او مال لازم است که قصد او را استغفار نمایم آن شخص کافر است
استغفار ننمایم و دیگر از آن شخص استغفار کرده گفته است که ندانستم که باین لحن کافر بدم جواب
اگر اعتقاد درستی میداند مرتد است و الا ادعا ادعاء بحث قبول میشود و اما اگر تعذیر میکنند

المخاصل شخص مذکور کافر نیست — سؤال شخصی که عادل نباشد شهادة کند که شخص رده کرده آیا
شهادة آنها مسموع است یا نه و آیا جایز است احتیاط نمودن از چنین شخص یا نه جواب
شهادة غیر عادل قبول نمیشود و احتیاط هم ندارد — شخصی سلام را سهوا نداد و بعد از فعل
بخاطرش آمد آیا سلام را باید بدهد یا نماز باطلست جواب نماز باطلست — شخص تحصیل علم کرده [illegible]
رفتی جواب تحصیل علم افضلست از زیارت — شخصی باغبانی است که میداند صاحب باغ زکوة
نمیدهد اما کشمش با عوا در بخت خود میکشد و دستش میزند آیا باغبان ضامن است یا نه
جواب نیست اما اگر میتواند زکوة بش بدهد — شخصی آخر وقت نماز ظهر بود تیمم نکرد وضو ساخت وقت
نماز ظهر فوت شد آیا با آن وضو نماز عصر را میتوان کرد یا وضو باطلست و اینچنین اگر وقت عصر بقدر
یک رکعت مانده است میداند که هرگاه وضو سازد آن رکعت فوت شود و اگر تیمم کند ایضا آن
فوت شود با آن وضو که در وقت ظهر کرده است با آن یک رکعت را میتواند گزارد یا نه جواب آن
وضو ساخت اگر میدانست که وقت فوت میشود به وضو ساختن آن وضو باطلست و با آن
وضو نمیتواند نماز بکند مطلق والا صحیحست و جایز است با او نماز کردن — اگر کسی قرض کند
وبعد از آن قدرت بدادن باشد نمیدهد نماز ش باطلست یقینا
و از حضرت صادق ع منقول است که روز هفتم حزیران الغم حجامت کنند و اگر میسر نشود
روز چهاردهم بکنند و اول حزیران تقریبا هشتاد و چهارم نوروز است و اینهم ملکی است در حزیران
ما نخسی است و حضرت موسی ع در همین ما نفرین کرد بر بنی اسرائیل در یکشب یکروز سیصد هزار [illegible]
مردند و حضرت [illegible] اجلهارا در ماه حزیران نزدیک کرد اند و بدانکه ماههای رومی بنابر حرکت آفتاب
[illegible] دوازده است بدین ترتیب تشرین الاول و تشرین الآخر کانون الاول کانون الآخر
آذر نیسان ایار حزیران تموز آب ایلول و چهار ماه را سی بگیرند که آنها تشرین الآخر و نیسان [illegible]
[illegible] ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اعوذ بالله من الشیطان الرجیم تمام

۱۰۱

مشهور میان علماء امامیه آنست که وفات حضرت پیغمبر ص در روز بیست و هشتم ماه صفر واقع شده و بعضی
شهادت امام حسن مجتبی ع را نیز در این روز واقع شده پس تمام ماه را بسبب تعزیت ائمه بزرگوار و زیارت [illegible]
از روز [illegible] دوره [illegible] ست و بدانکه در میان عوام بلکه خواص نحوست چهارشنبه آخر ماه صفر شهرت دارد و در
[illegible] علامه و خاتمه خبری که دلالت بر این کند بنظر نرسیده و احادیث در نحوست مطلق چهارشنبه
خصوصا چهارشنبه آخر هر ماه وارد شده است و چون این ماه بنابر [illegible] مذکور شد فی الجمله نحوستی دارد
ممکن است که چهارشنبه آخرش از سایر چهارشنبه ها نحوستش بیشتر باشد اگر در این روز از قبیل احتراز
و طیره استدفاع بلا بالتصدقات و ادعیه و استعاذات که از ائمه علیهم السلام وارد شده است
بکنند و توکل نمایند بر جناب مقدس الهی که اگر آن کفاره طیرات منافی است و اگر بلا متوجه
باشد [illegible] دفع میشود نه آنکه بر روش جهال عجم متابعت نحوست کنند بلهو و لعب و سرور و
[illegible] و اعمال قبیحه مشغول شوند که موجب مزید استحکام قضاهای آسمان و تقدیرات [illegible] گردد
نقلست که چون بنده را اجل رسد ملک وصی و زر و سیم و غلام و کنیز و فرزندان موافق و عیال [illegible]
[illegible] روز کرد [illegible] و زینت تمام او دهد و عطا کند بعد از آن امر الهی صادر شود که ملک الموت
[illegible] خانه [illegible] سازد و فرزندان [illegible] یتیم کن و بوستان [illegible] خراب کن و [illegible] جمله جهان [illegible]
[illegible] ای بیچاره در [illegible] گیرد [illegible] رنگ رویش چون زعفران شود و چشمهایش برگرده و بهر جانب نگاه کند
[illegible] دولت و غلام و کنیز و اهل عیال و فرزندان و اسب و استر و غیره بیند هر چند نگاه کند هیچکس
[illegible] یاد او نرسد بدست راست نگاه کند فرشتهای رحمت بیند و بدست چپ نگرد فرشته عذاب
[illegible] عتاب آتش جهنم بکرده اند فرشتهای عذاب گویند ما این شخص را در معصیت دیده ایم و بکار [illegible]
[illegible] جان این بنده را ما بود داریم و بدوزخ بسپاریم بعد از آن فرشتهای رحمت گویند ما این
[illegible] طاعت دیده ایم و بکار [illegible] مشاهده کرده ایم ما روح این بنده را برداریم و بخزینه حق تعالی رسانیم
[illegible] وقت [illegible] عفو یکدیگر [illegible] وداع کنند اول دو چشم سر را وداع [illegible] زبان [illegible]

